

وزارت معارف

زبان و ادبیات دری

صنف یازدهم
برای مکاتب پشتوزبان



سال چاپ: ۱۳۹۹ هـ ش

دری صنف یازدهم (برای مکاتب پشتوزبان)



سرود ملی

دا وطن افغانستان دی
کور د سولې کور د تورې
دا وطن د ټولو کور دی
د پښتون او هزاره وو
ورسره عرب، گوجر دي
براهوي دي، قزلباش دي
دا هېواد به تل ځلېږي
په سینه کې د آسیا به
نوم د حق مو دی رهبر

دا عزت د هر افغان دی
هر بچی یې قهرمان دی
د بلوڅو د ازبکو
د ترکمنو د تاجکو
پامیریان، نورستانیان
هم ایماق، هم پشه یان
لکه لمر پر شنه آسمان
لکه زړه وي جاویدان
وایو الله اکبر وایو الله اکبر





وزارت معارف

زبان و ادبیات دری

صنف یازدهم

(برای مکاتب پشتو زبان)

سال چاپ: ۱۳۹۹ هـ. ش.

مشخصات کتاب

مضمون: دری

مؤلفان: گروه مؤلفان کتاب‌های درسی بخش دری نصاب تعلیمی

ویراستاران: اعضای دیپارتمنت ویراستاری و ایدیت زبان دری

صنف: یازدهم (برای مکاتب پشتو زبان)

زبان متن: دری

انکشاف دهنده: ریاست عمومی انکشاف نصاب تعلیمی و تألیف کتب درسی

ناشر: ریاست ارتباط و آگاهی عامهٔ وزارت معارف

سال چاپ: ۱۳۹۸ هجری شمسی

ایمیل آدرس: curriculum@moe.gov.af

پیام وزیر معارف

اقرأ باسم ربک

سپاس و حمد بیکران آفریدگار یکتایی را که بر ما هستی بخشید و ما را از نعمت بزرگ خواندن و نوشتن برخوردار ساخت، و درود بی‌پایان بر رسول خاتم- حضرت محمد مصطفی ﷺ که نخستین پیام الهی بر ایشان «خواندن» است.

چنانچه بر همه‌گان هویداست، سال ۱۳۹۷ خورشیدی، به نام سال معارف مسمی گردید. بدین ملحوظ نظام تعلیم و تربیت در کشور عزیز ما شاهد تحولات و تغییرات بنیادینی در عرصه‌های مختلف خواهد بود؛ معلم، متعلم، کتاب، مکتب، اداره و شوراهای والدین، از عناصر شش‌گانه و اساسی نظام معارف افغانستان به‌شمار می‌روند که در توسعه و انکشاف آموزش و پرورش کشور نقش مهمی را ایفا می‌نمایند. در چنین برهۀ سرنوشت‌ساز، رهبری و خانوادۀ بزرگ معارف افغانستان، متعهد به ایجاد تحول بنیادی در روند رشد و توسعه نظام معاصر تعلیم و تربیت کشور می‌باشد.

از همین‌رو، اصلاح و انکشاف نصاب تعلیمی از اولویت‌های مهم وزارت معارف پنداشته می‌شود. در همین راستا، توجه به کیفیت، محتوا و فرایند توزیع کتاب‌های درسی در مکاتب، مدارس و سایر نهادهای تعلیمی دولتی و خصوصی در صدر برنامه‌های وزارت معارف قرار دارد. ما باور داریم، بدون داشتن کتاب درسی باکیفیت، به اهداف پایدار تعلیمی در کشور دست نخواهیم یافت.

برای دستیابی به اهداف ذکرشده و نیل به یک نظام آموزشی کارآمد، از آموزگاران و مدرسان دلسوز و مدیران فرهیخته به‌عنوان تربیت کننده‌گان نسل آینده، در سراسر کشور احترامانه تقاضا می‌گردد تا در روند آموزش این کتاب درسی و انتقال محتوای آن به فرزندان عزیز ما، از هر نوع تلاشی دریغ نورزیده و در تربیت و پرورش نسل فعال و آگاه با ارزش‌های دینی، ملی و تفکر انتقادی بکوشند. هر روز علاوه بر تجدید تعهد و حس مسؤولیت پذیری، با این نیت تدریس راآغاز کنند، که در آیندۀ نزدیک شاگردان عزیز، شهروندان مؤثر، متمدن و معماران افغانستان توسعه یافته و شکوفا خواهند شد.

همچنین از دانش آموزان خوب و دوست داشتنی به مثابه ارزشمندترین سرمایه‌های فردای کشور می‌خواهم تا از فرصت‌ها غافل نبوده و در کمال ادب، احترام و البته کنجکاوی علمی از درس معلمان گرامی استفادۀ بهتر کنند و خوشه‌چین دانش و علم استادان گرامی خود باشند.

در پایان، از تمام کارشناسان آموزشی، دانشمندان تعلیم و تربیت و همکاران فنی بخش نصاب تعلیمی کشور که در تهیه و تدوین این کتاب درسی مجدانه شبانه روز تلاش نمودند، ابراز قدردانی کرده و از بارگاه الهی برای آن‌ها در این راه مقدس و انسان‌ساز موفقیت استدعا دارم.

با آرزوی دستیابی به یک نظام معارف معیاری و توسعه‌یافته، و نیل به یک افغانستان آباد و مترقی دارای شهروندان آزاد، آگاه و مرفه.

دکتور محمد میرویس بلخی

وزیر معارف

فهرست

درس اول

شاعران و نویسنده‌گان مسلمان، هر نوشته را با نام پروردگار جهان آغاز کرده اند و بزرگی و بخشاینده‌گی او را ستوده و سر نیاز بر آستان او نهاده اند، با پیروی از این شیوهٔ پسندیده سرآغاز هر نوشته فصلی است، در ستایش خداوند جان و خرد و در هیچ گنجی گشوده نشود مگر آن‌که نام آفریده‌گار هستی کلید آن باشد.

حمد



به نام خداوند جان‌آفرین
حکیم سخن در زبان‌آفرین

خداوند بخشندهٔ دستگیر
کریم خطابخش پوزش‌پذیر

عزیزی که هر کز درش سر بتافت
به هر در که شد هیچ عزت نیافت

سر پادشاهان گردن‌فراز
به درگاه او بر زمین نیاز

دو کونش یکی قطره در بحرِ علم
گنه بیند و پرده پوشد به حلم

چنان پهن خوان کرم گستَرَد
که سیمرغ در قاف، قسمت خُورد

گلستان کند آتشی بر خلیل
گروهی بر آتش بَرَد ز آب نیل

فرومانده‌گان را به رحمت قریب
تضرع‌کنان را به دعوت مجیب

بر احوالِ نابوده، علمش بصیر
بر اسرار ناگفته، لطفش خبیر

به امرش وجود از عدم نقش بست
که داند جز او کردن از نیست هست؟

نه بر اوج ذاتش پَرد مرغ وهم
نه در ذیل وصفش رسد دست فهم

نه ادراک در کنه ذاتش رسد
نه فکرت به غور صفاتش رسد

بوستان سعدی



* عزیزی که هر کز درش سر بتافت   به هر در که شد هیچ عزت نیافت

آن ذات یگانه و بی‌نیاز که هر که از درگاه او سر باز زد و نافرمانی نمود، هیچ‌گاه به مقام و منزلت نرسید.

* گلستان کند آتشی بر خلیل: در این بیت صنعت تلمیح به‌کار رفته است و آن اشاره دارد به افگندن حضرت ابراهیم علیه‌السلام در آتش توسط نمرود.

* بوستان: منظومهٔ معروفی از آثار شاعر بزرگ حضرت شیخ سعدی(رح) می‌باشد، که آن را در سال (۶۵۵) هـ . ق. سروده و به نام ابوبکر بن سعد بن زنگی ساخته است. این اثر پرارج شامل چندین باب: در عدل و انصاف، احسان و بخشش، عشق و محبت، تواضع و فروتنی، تسلیم و رضا، آداب و تربیت، شکر بر عافیت، توبه و... می‌باشد.

بخوانیم و بدانیم

۱- شاعران و نویسنده‌گان در زبان پارسی دری آغاز هر نوشته را با نام پروردگار جهان نموده اند و بزرگی و بخشاینده‌گی او را ستوده، سر نیاز بر آستان او نهاده اند.

۲- حمد به معنای ثنا و ستایش خداوند جل جلاله می‌باشد.

۳- دو کونش یکی قطره در بحر علم   گنه بیند و پرده پوشد به حلم

۴- بوستان از جملهٔ آثار مشهور سعدی شیرازی می‌باشد که آن را در سال(۶۵۵) هـ . ق. نوشته است.



نامه چیست: نامه، پیامی است که بنا به ضرورتی برای کسی، مؤسسه و یا مرجعی فرستاده می‌شود. از این‌رو نامه برآورندهٔ نیازهایی است که در روابط اجتماعی افراد از آن کار گرفته می‌شود. از سوی دیگر، اگر در نامه دقت به خرج رود، افکار، احساسات و عواطف نویسنده در آن

به خوبی منعکس شود، جنبۀ ادبی نیز به خود می‌گیرد؛ چنانچه بسیاری از نامه‌هایی‌که هنرمندان و نویسنده‌گان و بزرگان تاریخ نوشته اند، امروز جزء آثار ادبی به شمار می‌رود.

نامه‌یی‌که نوشته می‌شود، می‌تواند بیانگر شخصیت، فرهنگ، ادب، اندیشه، ذوق و سلیقۀ نویسنده باشد. اثری‌که نامه در مخاطب می‌گذارد، در بسیاری از موارد، تأثیر آن از نفوذ کلام قوی‌تر است؛ در حالی‌که گفتار به دلیل شرم حضور، یا آماده‌گی نداشتن گوینده برای رویارویی و گفتگو با اشخاص، ممکن است تأثیر لازم را در شنونده و مخاطب نداشته باشد.

کار گروهی و سخنرانی

۱- شاگردان به صورت گروهی در مورد درس جدید باهم صحبت کنند؛ سپس از هر گروه یک نفر در رابطه به موضوع سخنرانی نماید.

۲- چند شاگرد در مورد مفهوم بیت زیر سخنرانی کنند:

برگ درختان سبز در نظر هوشیار   هر ورقش دفتریست معرفت کردگار

املا و نگارش

۱- متنی را که معلم گرامی به خوانش می‌گیرد در کتابچه‌های خود املا بنگارید.
۲- تصویر را با قدرت و عظمت الله ﷻ در خلقت جهان هستی ارتباط داده، در مورد آن یک پارچۀ ادبی بنویسید.





۱- چرا هر کار را با نام خداوند ﷻ آغاز می‌کنیم؟ توضیح دهید.

۲- بیت زیر چه مفهومی را ارائه می‌کند؟

بـــه نـــام خـداوند جـان آفرین   حکیم ســخــن در زبـــان آفـرین

۳- در بیت آتی، کدام صنعت ادبی به‌کار رفته است؟

گلستان کند آتشی بر خلیل   گروهی بر آتش بَرَد ز آب نیل

۴- بوستان سعدی چگونه اثری است؟

۵- بوستان سعدی شامل کدام موضوعات است؟

۶- نامه چیست؟

۷- چرا اهمیت نامه بیشتر از گفتار است؟



۱- این بیت را به حافظه بسپارید و پیرامون آن یک مقاله بنویسید که از ده سطر کم نباشد.

شکر نعمت، نعمتت افزون کند   کفر نعمت از کفت بیرون کند

۲- متن کامل درس بعدی را بخوانید و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.



درس دوم

شاگردان به پرسش‌های ذیل پاسخ دهند:

۱- در بارۀ نعت چه می‌دانید؟
۲- نعت زیر سرودۀ کیست؟
۳- پیام شعر حضرت جامی را بیان دارید.
۴- ما چرا به راهنمایی رسول خدا ضرورت داریم؟ توضیح دهید.

نعت



کی بود یارب که رو در یثرب و بطحا کنم | گه به مکه منزل و گه در مدینه جا کنم

بر کنار زمزم از دل برکشم یک زمزمه | وز دو چشم خونفشان آن چشمه را دریا کنم

صد هزاران دی در این سودا مرا امروز گشت | نیست صبرم بعد از این کامروز را فردا کنم

یا رسول الله به سوی خود مرا راهی نمای | تا ز فرق سر قدم سازم ز دیده پا کنم

آرزوی جنت المأوی برون کردم ز دل | جنتم این بس که بر خاک درت مأوی کنم

خواهم از سودای پابوست نهم سر در جهان | یا به پایت سر نهم یا سر دراین سودا کنم

مُردم از شوق تو معذورم اگر هر لحظه‌یی | جامی‌آسا نامۀ شوق دگر انشا کنم

جامی



* یثرب: نام سابق مدینهٔ منوره
* بطحا: وادی نزدیک مکهٔ معظمه
* زمزم: آب بسیار، آب فراوان و نام چاهی است در مسجد الحرام در جوار کعبهٔ مکرمه
*جنت المأوی: یکی از بهشت‌های هفت‌گانه، در زبان دری آن را جنت مأوی نیز می‌گویند.
* نورالدین عبدالرحمان جامی یکی از شاعران معروف قرن نهم بوده و در منطقهٔ جام در سال ۸۱۷ هـ . تولد یافته است.

جامی را می‌توان از جملهٔ شاعران متصوف زبان دری خواند که در فنون مختلف و علوم دین، ادب و تاریخ استاد بود. از آثارش یکی دیوان شعر اوست که شامل: قصیده‌ها، غزل‌ها، مرثیه‌ها، ترجیع بند، مثنوی‌ها و رباعی‌ها است. اثر دیگرش هفت‌اورنگ است که به تقلید از خمسهٔ نظامی سروده شده که شامل (سلسلة الذهب، سلامان و ابسال، تحفة الاحرار، سبحة الابرار، یوسف و زلیخا، لیلی و مجنون و خردنامهٔ اسکندری) می‌باشد.

از آثار منثور جامی: نقدالنصوص، نفحات الانس، لوایح، لوامع، شواهدالنبوة، اشعةاللمعات و بهارستان می‌باشد.

بخوانیم و بدانیم

۱- نعت در لغت به معنای وصف کردن و در اصطلاح وصف پیامبر اکرم ﷺ را گویند.

۲- مسلمانان همیشه به راهنمایی پیامبر آخرالزمان ضرورت دارند.

۳- هر مسلمان آرزو دارد که به زیارت حضرت محمد ﷺ شرف‌یاب گردد.

۴- جامی از شاعران مشهور قرن نهم است که در منطقهٔ جام تولد یافته است.

۵- آثار منظوم جامی عبارت اند از دیوان اشعار که شامل: قصاید، غزلیات، مراثی، ترکیب‌بند و ترجیع‌بند است و دیگر هفت‌اورنگ که شامل پنج مثنوی بوده و به تقلید از خمسهٔ نظامی سروده شده است.



ضرورت نامه‌نگاری: به طور معمول همهٔ ما گاهی نیاز پیدا می‌کنیم پیامی را ازطریق نامه برای یکی از دوستان یا خویشاوندان یا مؤسسه‌یی رسمی و اداری و یا... بفرستیم. نامه، چه به صورت تحریری روی کاغذ و چه به صورت پست برقی (ایمیل) باشد، یکی از آسان‌ترین و ارزان‌ترین راه‌های ارتباط است. به همین دلیل، آشنایی با اصول آن ضروری است.

هیچ شخص باسوادی نیست که در زنده‌گانی خود به نوشتن نامه نیاز نداشته باشد. در واقع نامه وسیله‌یی است که به‌کمک آن می‌توانیم با هرکس که بخواهیم بدون روبه رو شدن و از فاصلهٔ دور گفتگو کنیم؛ به‌خصوص در کارهای رسمی و اداری، نامه گره‌گشای دشواری‌ها است؛ زیرا نامه وسیلهٔ برقراری ارتباط است. اگر تقاضایی داشته باشیم یا بخواهیم پاسخی بدهیم، گزارشی تهیه کنیم، خلاصه در هر مورد، نامه زبان گویای ما است. علاوه بر آن در ارتباط‌های خانواده‌گی و دوستانه نیز نامه، بهترین وسیله است.

کار گروهی و سخنرانی

۱- شاگردان به چند گروه تقسیم شوند و پیرامون نعت و شخصیت پیامبر اکرمﷺ به بحث و گفتگو بپردازند؛ سپس از هر گروه یک نفر مقابل صنف بیاید و نتیجه را به دیگران بیان کند.

۲- چند شاگرد در مورد تصویر سخنرانی کند.

املا و نگارش



۱- متنی را که معلم محترم به خوانش می‌گیرد، به‌صورت املا در کتابچه‌های تان بنویسید.

۲- با درنظرداشت قواعدی که در بالا خواندید، در کتابچه‌های تان در مورد اهمیت نامه‌نگاری و ضرورت آن چند سطر بنویسید.



۱- نعت در لغت و اصطلاح چه معنا دارد؟ توضیح دهید.
۲- در بارهٔ پیامبر آخر زمان چه می‌دانید؟ تشریح کنید.
۳- مولانا جامی کی بود؟
۴- جامی چه آرزویی را در نعت بر سر می‌پروراند؟ توضیح دهید.
۵- آیا بدون پیروی از پیامبر اکرمﷺ می‌توانیم سعادت دارین را نصیب شویم؟ توضیح دهید.
۶- ضرورت نامه‌نگاری در زنده‌گی چیست؟ شرح دهید.



۱- در بارهٔ سیرت حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم یک مقاله بنویسید که از ده سطر کم نباشد.

۲- این بیت را به حافظه بسپارید:

ما را چـــراغ دیده خیـــال محمدﷺاست   خرم دلی که مست وصال محمدﷺ است

اهلی شیرازی

درس سوم

شاگردان به پرسش‌های آتی پاسخ دهند:

۱- در بارهٔ جایگاه مادر نزد فرزندان، به گونهٔ مختصر معلومات دهید.

۲- پسر نافرمان با مادرش چه کرد؟

۳-سرانجام عکس العمل قلب مادر پیرامون پسرش چه بود؟ توضیح دهید.

٤- ایرج میرزا کی بود؟

قلب مادر

داد معشوقه به عاشق پیغام — که کند مادر تو با من جنگ

هرکجا بیندم از دور، کند — چهره پرچین و جبین پرآژنگ

با نگاه غضب‌آلوده زند — بر دل نازک من تیر خَدنگ

از در خانه مرا طرد کند — همچو سنگ از دهن قلماسنگ

مادر سنگدلت تا زنده است — شهد در کام من و تست شرنگ

نشوم یک‌دل و یکرنگ ترا — تا نسازی دل او از خون رنگ

گر تو خواهی به وصالم برسی — باید این ساعت، بی‌خوف و درنگ

روی و سینهٔ تنگش بدری — دل برون آری از آن سینهٔ تنگ

گرم و خونین به منش باز آری — تا برد زآیینهٔ قلبم زنگ

عاشق بی‌خرد ناهنجار — نه بل آن فاسق بی‌عصمت و ننگ

حرمت مادری از یاد ببرد — مست از باده و دیوانه ز بنگ

رفت و مادر را افگند به خاک — سینه بدرید و دل آورد به چنگ

قصد سرمنزل معشوقه نمود — دل مادر به کفش چون نارنگ

از قضا خورد دم در به زمین — واندکی سوده شد او را آرنگ

آن دل گرم که جان داشت هنوز — اوفتاد از کف آن بی‌فرهنگ

از زمین باز چو برخاست نمود — پی برداشتنِ دل آهنگ

دید کز آن دل آغشته به خون — آید آهسته برون این آهنگ

آه دست پسرم یافت خراش — وای پای پسرم خورد به سنگ

ایرج میرزا



* شاهزاده ایرج میرزا یکی از شاعران معاصر زبان فارسی است.

* ایرج به اسلوب قدما شعر می‌گفت؛ ولی در سبک خود به نو آوری‌هایی نیز دست یافته است. آثار باقی‌ماندهٔ ایرج میرزا به چهار هزار بیت می‌رسد. مثنوی‌های مشهور وی عارف‌نامه، زهره و منوچهر، قطعهٔ مادر و غیره می‌باشد. وی در سال ۱۲۹۱ هـ . ش. تولد و در سال ۱۳۴۴ هـ . ش. دیده از جهان فرو بست.

بخوانیم و بدانیم

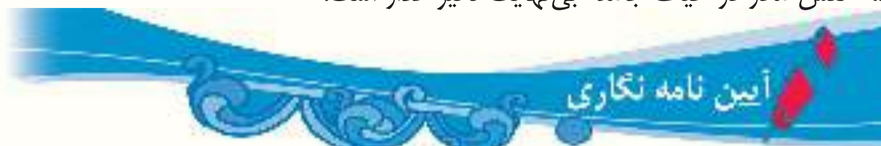
۱- جنت زیر پای مادران است.

۲- از دیدگاه اسلام، مادر جایگاه خاصی دارد.

۳- با وجود نافرمانی فرزند، باز هم مادر نمی‌خواهد خاری در پای فرزندش بخلد و سنگی به پایش بخورد.

۴- مادر، نخستین مدرسه‌یی است که نسل‌های بشری در آن تربیه می‌شوند.

۵- نقش مادر در حیات جامعه بی‌نهایت تأثیر گذار است.



برای نوشتن نامه، اصول زیر را باید در نظر داشت:

۱- آن‌چه را که می‌خواهیم بنویسیم، طرحش را ابتدا در ذهن خود آماده سازیم، کم و زیادش کنیم، وقتی که برای ما کامل روشن شد، قلم و کاغذ بگیریم و مسودهٔ آن را تهیه کنیم.

۲- هر واژه‌یی را که می‌خواهیم به‌کار ببریم، باید معنایش را بدانیم. این کار باعث می‌شود که از به کار بردن واژه‌های ناآشنا دوری کنیم؛ اگر گاهی مجبور می‌شویم واژه‌یی را به کار ببریم که معنایش برای ما روشن نیست، به فرهنگ لغات مراجعه کنیم.

۳- جمله‌ها را تا جایی‌که ممکن است کوتاه بنویسیم؛ زیرا جملهٔ کوتاه باعث می‌شود که در نخست رشتهٔ نوشتن از دست ما نرود و از سوی دیگر، خواندن و فهمیدن آن برای خواننده آسان باشد.



۴- قواعد دستور زبان، املا و نشانه‌های تحریری را به کار برده و رعایت کنیم.

۵- هنگامی که مسودهٔ نامه تمام شد، یک‌بار آن‌را بخوانیم و اصلاحش کنیم.

۶- برای پاک‌نویس کردن نامه، باید به این نکات توجه کنیم:

الف) در دو سمت راست و چپ کاغذ، به اندازهٔ دو سانتی‌متر، باید حاشیه بگذاریم.

ب) نوشتن اولین قسمت را که می‌خواهیم شروع کنیم، باید از حاشیه هم اندکی به طرف داخل صفحه برویم؛ مثال اگر دو سانتی‌متر حاشیه گذاشته‌ایم، اولین قسمت را از چهار سانتی‌متر شروع کنیم. این نکته را باید در نوشتن هر پاراگراف رعایت کنیم و یا میان پاراگراف‌ها، به اندازهٔ یک سطر را سفید بگذاریم.

ج) باید خوانا بنویسیم؛ یعنی دندانه‌ها و نقطه‌های حرف‌ها را به اندازه و در جایش بگذاریم و بین کلمه‌ها به اندازهٔ کافی فاصله‌گذاری را رعایت نماییم.

د) پس از ختم پاک‌نویس، یک بار دیگر آن را بخوانیم.

کار گروهی و سخنرانی



۱- شاگردان به چند گروه تقسیم شوند و پیرامون مهر و محبت مادر نسبت به فرزند به بحث و گفتگو بپردازند؛ سپس از هر گروه یک نفر مقابل صنف بیاید و نتیجه را به دیگران بیان کند.

۲- یک تن از شاگردان در برابر صنف بیاید و در بارهٔ چگونه‌گی اشعار ایرج میرزا معلومات دهد.

۳- چند شاگرد در مورد تصویر سخنرانی کند.



املا و نگارش

۱– متنی را که معلم گرامی به خوانش می‌گیرد، به صورت املا درکتابچه‌های تان بنویسید.

۲– با درنظرداشت قواعدی که در بالا خواندید، متن یک نامهٔ کامل را در کتابچهٔ تان بنویسید.



۱– در بارهٔ حقوق مادر چه می‌دانید؟ توضیح دهید.

۲– چرا قلب مادر در هر صورت برای فرزندش می‌تپد؟

۳– پیرامون زنده‌گی‌نامهٔ ایرج میرزا معلومات مختصر ارائه دارید.

۴– کدام اصول را برای نوشتن نامه باید در نظر گرفت؟

۵– برای پاک‌نویس نامه باید به کدام نکات توجه نماییم؟



۱– یک نمونه از خلاصهٔ زنده‌گی‌نامهٔ خود را مطابق به قواعدی که خواندید، بنویسید.

۲– این بیت‌ها را به حافظه بسپارید:

دید کز آن دل آغشته به خون — آیـــد آهسته برون این آهنگ

آه دست پسرم یـــافت خراش — وای پای پسرم خورد به سنگ

۳– متن کامل درس بعدی را بخوانید و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.

درس چهارم

درس امروز توسط یکی از شاگردان طوری معرفی گردد که پرسش‌های زیر را پاسخگو باشد:

۱- امانت‌داری شامل ادای کدام مسؤولیت‌ها می‌گردد؟
۲- آیا رعایت امانت‌داری به مفهوم کلی می‌تواند در پیشرفت جامعه نقشی داشته باشد؟ چگونه؟
۳- امانت‌داری در گسترش صلح و امنیت نقش دارد یا خیر؟
در پایان درس پرسش‌ها از چند شاگرد پرسیده شود.

امانت‌داری

یکی از ویژه‌گی‌های اخلاقی جامعهٔ سالم، رشد یافته و به‌هم‌پیوسته؛ گسترش عادت امانت‌داری در میان افراد آن است، که بنیاد برخی از عوامل اساسی گلایه‌مندی‌ها و نگرانی‌ها، رواج خصومت‌ها، جرم و جنایت و گسترش خیانت، در میان انسان‌ها بر عدم رعایت آن استوار است.

دانشمندان، علمای اخلاق، روان‌شناسان و جامعه‌شناسان بدین امر اتفاق نظر دارند که، یکی از مهم‌ترین و ضروری‌ترین ارزش‌های اخلاقی برای فرد و جامعه امانت‌داری است و تمام جوامع بشری در مورد اهمیت و منزلت والای اخلاقی امانت‌داران و زشتی و حقارت خیانت‌کاران اتفاق نظر دارند؛ اما در این‌جا این پرسش مطرح است که امانت‌داری چیست؟ حد و حدود آن کدام است و از چه جایگاهی در زنده‌گی اجتماعی برخوردار می‌باشد؟

امانت‌داری را نمی‌توان تنها از کوچک‌ترین و محدودترین زاویهٔ آن که حفظ و نگهداری مطلوب از اموال سپرده شده است دید که اگر آن را به صورت کامل در اختیار صاحبش قرار داد، انسان امانت‌دار و در غیر آن خیانت‌کار محسوب شود. چنین چیزی هر چند بخشی از معانی امانت‌داری را بیان می‌کند؛ اما جزء بسیار محدود و اندک آن به شمار می‌آید. خداوند متعال در آیات متبرکه فرموده است که ترجمهٔ آن چنین است: «ما امانت را بر آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها عرضه داشتیم؛ اما همه از پذیرش آن خودداری کردند و از آن دچار هراس شدند؛ ولی انسان زیر بار آن رفت، آنان (اگر به مسؤولیت امانت‌داری خود عمل ننمایند) به راستی ستم‌کار و نادانند» (الاحزاب آیهٔ ۷۲).

مقصود از امانت در این آیت تنها محافظت از اموال به امانت گذاشته‌شدهٔ دیگران نیست و نص آیت مبارکه این را نمی‌رساند؛ بلکه منظور از امانت در آن چیزی‌ست که غیر از انسان، طبیعت و دیگر مخلوقات نظام هستی پذیرای آن نیست و این انسان است که با توجه به طبیعت و توانایی‌هایش دارای ویژه‌گی بردوش گرفتن آن امانت می‌باشد؛ پس معلوم می‌شود

که این موضوع چیزی است که با روح و سرشت انسان پیوند دارد و درست‌ترین معنای امانت که در این آیهٔ متبرکه آمده است، التزام به مسؤولیت‌های اجتماعی و ادای آن‌ها به بهترین صورت است و این مفهوم صحیح چیزی است که آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها از تحمل آن خودداری ورزیده اند و از تمام جهان هستی این تنها انسان به حیث اشرف مخلوقات است که می‌تواند در مورد غریزه‌ها و خواست‌های خود اظهار نظر کند و تصمیم بگیرد، آن‌ها را تابع موازین خیر و حق بگرداند و در روابط اجتماعی به تعهدها و وعده‌های خود عمل کند و در جهت گسترش اعتماد متقابل میان انسان‌ها تلاش نماید؛ چنانچه در مورد ادای این مسؤولیت و رسالت کوتاهی نماید، به امانت الهی خیانت کرده و زمینهٔ تباهی و ناهنجاری را فراهم نموده و به خود و جامعه‌یی که در آن زنده‌گی می‌کند ستم ورزیده و در قسمت پیامدهای زیان‌بار خیانت بر زنده‌گی مردم بی‌توجهی نشان داده است.

بر همین اساس امانت‌داری شامل ادای همهٔ مسؤولیت‌ها و تعهدهای اخلاقی و اجتماعی می‌شود. برای مثال «عقل و خرد» امانت الهی است که به انسان سپرده شده است، اگر انسان بر مقتضای آن عمل کرده و آن را به دانش و معرفت بیاراید، به بهترین صورت در مورد آن امانت‌داری کرده است.

پدر و مادر، همسر و فرزند و همهٔ کسانی که با ما پیوند خویشاوندی دارند، امانت الهی نزد ما استند که حمایت از سعادت، رعایت حقوق و دریغ نورزیدن اندرز و نصیحت و فراهم‌آوری زمینه‌های خیر و سعادت شان و همچنان بازداری آن‌ها از شر و بدی، خود ادای مسؤولیت و ادای امانت به نحوهٔ درست آن است. در برابر جامعه‌یی که در آن زنده‌گی می‌کنیم نیز مسؤول تلاش برای گسترش آرامش، صلح و آشتی، هم‌دیگرپذیری و رعایت حقوق انسانی افراد آن استیم، تنها این تلاش است که از امانت اجتماع امانت‌داری می‌کند. کوتاهی در این تلاش خیانتی به امانت مردم است.

دین هم امانتی می‌باشد که امانت‌داری آن بر عهدهٔ همهٔ مسلمانان، به ویژه عالمان شریعت سپرده شده است؛ چنانچه آن را به راستی برای مردم بیان کنند و آن را از تحریف مصون بدارند و حق و خیر موجود در آن را شرح دهند، که در این صورت آنان به راستی حامی و مدافع بهترین ارزش‌ها و مفاهیم امانت در زنده‌گی اند.

علم و دانش موجود در نزد عالمان و دانشمندان امانتی از امانت‌های الهی است اگر راه‌های کسب و بهره‌مندی از آن را برای مردم فراهم کردند و برای کشف اسرار آفرینش تلاش نمودند و از دست‌آوردهای علمی خود در راستای رفاه و خیر بشر بهره گرفتند از امانت‌ها به خوبی حراست کرده اند؛ اما اگر علم را در راستای گسترش هراس و نگرانی و ایجاد آسیب و مشکلات برای بشریت به کار بردند، در واقع از خیانت‌پیشه‌گان به شمار رفته، به خواری و سرافگنده‌گی دچار شده و مورد نفرین الهی قرار می‌گیرند.

ثروت و دارایی مردم نیز امانت به شمار می‌رود؛ در صورتی که به درستی در آن دخل و تصرف بنمایند و حقوق اجتماعی آن را ادا کنند، صاحبان آن انسان‌های صادق و امانت‌دار به شمار می‌آیند و در دنیا دارای نام نیک و در آخرت از نعمت‌های ماندگار خداوند ﷻ برخوردار خواهند گردید.
بدین صورت، ملاحظه می‌نماییم که امانت‌داری همهٔ امور زنده‌گی را سر و سامان می‌دهد و همهٔ عرصه‌های اندیشه، آداب، همکاری اجتماعی، سیاست و اخلاق را در راه درست آن قرار می‌دهد و از ناهنجاری و انحراف مصون می‌دارد.
ادای درست مسؤولیت‌ها، اخلاص و پشت‌کار در وظیفه نیز از مهم‌ترین جلوه‌های امانت‌داری است. انسان امانت‌دار، کارش را به بهترین وجه انجام داده تلاش می‌نماید تا تقصیری از او در به سر رساندن اموری که به او سپرده شده صورت نگیرد.
سپردن کار به اهل آن و گماشتن اشخاص کارفهم و واجد شرایط در کارها و مسؤولیت‌ها چه رسمی و چه غیر رسمی نیز نمونهٔ دیگری از امانت‌داری به مفهوم وسیع و درست آن است که تقصیر و کم‌توجهی به آن باعث بروز مشکلات زیاد می‌شود.
واژهٔ امانت‌داری و مسؤولیت‌های ناشی از آن بر اساس بزرگی مسؤولیت انسان بزرگتر و وسیع‌تر می‌شود؛ طور مثال زمام‌داران و حاکمان یک کشور باید دارای بلندترین درجات اخلاق امانت‌داری باشند تا امور کشور و ملت به درستی به پیش رود و در حفاظت از دین، جان و مال، آبرو، حیثیت، پیشرفت، آسایش و رفاه مردم خلل و نقصی به وجود نیاید.
پدر و مادر در سرپرستی و رعایت حقوق و تربیت سالم اطفال که در نزد آنان امانت اند مسؤولیت بسیار بزرگ دارند و اگر خدا نخواسته در تربیت و تعلیم درست اطفال شان غفلت کنند، امانت‌داری را رعایت نکرده اند.
رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی باید در نقل حقایق و اخبار کمال دقت و امانت‌داری را رعایت نموده و چیزی را به نشر نسپارند که به دین، اخلاق و ارزش‌های پسندیده و مقبول جامعه ضرر رسانده و باعث شیوع امراض و مفاسد اخلاقی و اجتماعی در جامعه گردیده و نسل‌های امروز و فردا را به سوی انحراف و تباهی بکشاند.
رعایت عدل و انصاف در دستگاه‌های عدلی و قضایی کشور و تطبیق نظام و قانون به صورت درست و یک‌سان بر همه، شکل دیگر امانت‌داری است. پابندی افراد جامعه به نظم و قانون و رعایت آن در زنده‌گی اجتماعی و احترام به حقوق دیگران نیز از برجسته‌ترین نمونه‌های امانت‌داری محسوب می‌شود.
مراعات این حدود راز سعادت و سربلندی ملت‌ها و عدم رعایت آن زمینه‌ساز بدبختی و خواری ایشان می‌باشد.
امت اسلامی در بر دوش گرفتن صادقانهٔ امانت‌های الهی و التزام به مسؤولیت‌های ایمانی پیشگام بوده و بهترین امت در مقایسه با دیگر ملت‌ها به شمار می‌رود.
چنانکه زنی در زمان رسول اکرم ﷺ دزدی کرده بود، خانواده‌اش برای جلوگیری از اجرای مجازات

او یکی از اصحاب را برای میانجی‌گری نزد پیامبر ﷺ فرستادند؛ اما رسول اکرم ﷺ خشمگین شد و فرمود: «ای مردم! چیزی که باعث نابودی ملت‌های پیشین گردید، این بود که هرگاه آدم دارای مقام و منزلتی دزدی می‌کرد، او را رها می‌کردند و کاری به کار او نداشتند؛ اما چنانچه آدم عادی مرتکب دزدی می‌گردید، او را رها نمی‌کردند و مجازات می‌نمودند؛ ولی سوگند به کسی که جان محمد در اختیار اوست اگر فاطمه دختر محمد هم دزدی کند، بدون تردید محمد دست او را قطع خواهد کرد.» بخاری و مسلم

به همین‌گونه، صدها مثال از زنده‌گی صحابهٔ کرام در دست است که نمایانگر امانت‌داری آن‌ها در جامعه می‌باشد.



* «ألاحزاب» نام یکی از سوره‌های قرآن مجید

بیاموزیم

۱- بنیاد برخی از عوامل اساسی نگرانی‌ها، رواج خصومت‌ها، جرم و جنایت و گسترش پدیدهٔ خیانت در میان انسان‌ها بر عدم رعایت امانت‌داری استوار است.

۲- یکی از معناهای امانت‌داری نگاهداری چیزهای سپرده شده و سپردن آن به صورت کامل در اختیار صاحبش است.

۳- التزام به مسؤولیت‌های اجتماعی و ادای آن به بهترین صورت، امانت‌داری گفته می‌شود.

۴- عقل و خرد، امانت الهی است که به انسان سپرده شده. اگر انسان بر مقتضای آن عمل کرده و آن را به دانش و معرفت بیاراید، به بهترین صورت در مورد آن امانت‌داری کرده است.



آداب نامه‌نگاری

۱- در نامه‌های دری، نوشتن مطالب از سمت راست آغاز می‌شود. عنوان در سمت راست و امضا باید در سمت چپ باشد.

۲- به طور عموم تاریخ و شمارهٔ نامه در سمت چپ قرار دارد. در نامه‌های شخصی نیازی به

ذکر آدرس در متن نامه نیست؛ ولی در ادارات، نامه‌ها در ورق‌های رسمی (نشاندار) نوشته می‌شوند که آدرس اداره در پایین صفحه ذکر شده است.

۳- به یاد داشته باشید که در نامه‌های زبان انگلیسی آدرس گیرنده را سمت راست، بالای صفحه بنویسید و زیر آن تاریخ بزنید. عنوان باید در سمت چپ و امضا در سمت راست باشد.

۴- نامه‌های خود را تایپ نکنید.

۵- نوع قلم نامه‌نگاری نشان‌دهندۀ میزان احترام شما به دریافت‌کنندۀ نامه است. هرگز با پنسل نامه ننویسید. بهترین قلم، خودرنگ است. در مکاتباتی که چندان رسمی نیستند می‌توانید از خودکار استفاده نمایید.

۶- دقت کنید که از کلمه‌های مناسب استفاده کنید. ایجاز و اختصار بهترین روش نامه‌نگاری است؛ البته مختصرگویی نباید منجر به نارسایی شود.

۷- به یاد داشته باشید که نامه‌ها معرف شخصیت شما استند و بعضی از نامه‌ها سال‌ها نگهداری می‌شوند.

۸- اگر در آدرس نامه، عنوان خاصی برای شخص به کار رفته؛ مثال «جناب آقای دکتور احمدی» در سرنامه هم باید همان عنوان را استفاده کنید. هرگز هنگام امضای نامه برای خود، عنوان (آقا / خانم) را به کار نبرید.

کار گروهی و سخنرانی

۱- شاگردان به چند گروه تقسیم شوند و پیرامون اهمیت و نقش امانت‌داری در جامعه به بحث و گفتگو پرداخته؛ سپس از هر گروه یک نفر مقابل صنف آمده، نتیجۀ مباحثۀ گروه خویش را به دیگران بیان نماید.

۳- چند شاگرد تصویر را با موضوع امانت‌داری ارتباط داده، در مورد سخنرانی کنند.

املا و نگارش

۱- متنی را که معلم محترم به خوانش می‌گیرد، به صورت املا در کتابچه‌های تان بنویسید.

۲- با درنظرداشت قواعدی که در بالا خواندید در کتابچه‌های تان متن یک نامۀ کامل را

بنویسید و آداب نامه‌نگاری را در آن رعایت کنید.





۱- امانت چه معنا دارد؟
۲- به نظر شما امانت‌داری در برگیرندۀ کدام موضوعات است؟
۳- خیانت در امانت چه نتایجی را به وجود می‌آورد؟ بیان کنید.
۴- اگر کار به اهل آن سپرده نشود، جامعه به کدام بحران مواجه خواهد شد؟
۵- آدابی که باید در نامه‌نگاری رعایت شوند کدام‌ها اند؟



۱- در بارۀ امانت‌داری یک مقاله بنویسید.
۲- این بیت را به حافظه بسپارید:

آسمان بار امانت نتوانست کشید   قرعۀ فال به نام من دیوانه زدند
حافظ

۳- متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.

درس پنجم



شاگردان به پرسش‌های ذیل پاسخ دهند:
۱- شعر را تعریف نموده و انواع آن را نام بگیرید.
۲- در بارهٔ تشبیب و تخلص چه می‌دانید؟
۳- فرق میان غزل عاشقانه و عارفانه چیست؟
٤- مطلع در شعر را توضیح دهید.
۵- ترجیع‌بند و ترکیب‌بند چیست؟

انواع شعر دری از نظر شکل و قالب



قبل از بیان انواع شعر از نظر شکل و قالب به توضیح اصطلاحات مربوط به آن می‌پردازیم:

شعر: گره‌خورده‌گی عاطفه و تخیل است که دارای اندیشه بوده و در زبان آهنگین شکل گرفته باشد.

فرد (بیت): گاه ممکن است که شاعر تمام مقصود خود را تنها در یک بیت گفته باشد که آن را در اصطلاح شعراء بیت فرد یا تک بیت می‌گویند؛ مانند:

مردی نه به قوت است و شمشیرزنی — آن است که جوری که توانی نکنی

دوبیتی: دو بیت هم وزن است که از نظر شکل همانند رباعی می‌باشد. موضوع و درون مایهٔ دوبیتی عاشقانه و عارفانه است.

بهار آمد ولی دلبر نیامد — هم آواز دلم دیگر نیامد
تمام خویش را فیاد کردم — صدا از سینه بالاتر نیامد

به این نوع شعر در درس‌های بعدی پرداخته شده است.

رباعی: رباعی شعری است که چهار مصراع دارد و دربرگیرندهٔ موضوع واحد است. رعایت قافیه در سه مصراع رباعی حتمی و در مصراع سوم اختیاری می‌باشد. وزن مشهور رباعی «مفعول مفاعیل مفاعلین فاع» یا «لاحول ولاقوة الاّ بالله» است.

نمونه

هرگز دل من ز علم محروم نشد — کم ماند ز اسرار که معلوم نشد
هفتاد و دو سال فکر کردم شب و روز — معلومم شد که هیچ معلوم نشد

مثنوی: شعری است طولانی که دارای یک وزن باشد؛ اما قافیهٔ در هر بیت مستقل می‌باشد. تعداد بیت‌های مثنوی محدود نیست و از این‌رو برای بیان افسانه‌ها، حماسه‌ها، تاریخ و موضوعات عشقی غنایی و عرفانی به کار می‌رود.

از جمله مهم‌ترین مثنوی‌های زبان فارسی: مثنوی معنوی مولانا جلال‌الدین محمد بلخی، مثنوی **حدیقة** الحقیقهٔ سنایی غزنوی، مثنوی ویس و رامین فخرالدین اسعد گرگانی و مثنوی‌های نظامی گنجوی.

اینک چند بیت از مثنوی مولوی:

بشنو از نی چون حکایت می‌کند   از جدایی‌ها شکایت می‌کند

کز نیستان تا مرا ببریده اند   وز نفیرم مرد و زن نالیده اند

سینه خواهم شرحه شرحه از فراق   تا بگویم شرح درد اشتیاق

هر کسی کو دور ماند ز اصل خویش   باز جوید روزگار وصل خویش

من به هر جمعیتی نالان شدم   جفت بدحالان و خوش‌حالان شدم

هر کسی از ظن خود شد یار من   از درون من نجست اسرار من

سرِّمن از نالهٔ من دور نیست   لیک چشم و گوش را آن نور نیست

تن ز جان و جان ز تن مستور نیست   لیک کس را دید جان دستور نیست

آتش است این بانگ نای و نیست باد   هر که این آتش ندارد نیست باد

قصیده: نوع شعری است بر یک وزن و قافیه با مطلع (بیت اولی) که هر دو مصراع آن هم‌قافیه و در موضوع معینی؛ چون ستایش یا نکوهش سروده شده باشد و نیز ممکن است موضوع قصیده، جنبهٔ اخلاقی، عرفانی، فلسفی و غیره داشته باشد. ابیات قصیده را به طور متوسط میان ۲۰ تا ۸۰ بیت و بیشتر از آن حدود صد و پنجاه بیت گفته اند.

قصیده سه بخش دارد: ۱- تشبیب یا تغزل ۲- مخلص یا گریزگاه ۳- حسن طلب یا دعاییه

بیت اول قصیده را «مطلع» و بیت آخر آن را «مقطع» نامند. ابتدای اکثر قصاید؛ مانند غزل، با وصف طبیعت آغاز می‌شود. از این‌رو، مقدمهٔ قصیده را تغزل یا تشبیب گویند.

غالب قصاید شعرای بزرگ؛ چون: فرخی، عنصری، خاقانی، ناصر خسرو و ملک الشعرا بهار مزین به تغزل و تشبیب است.

در قصیده، نظر شاعران بیشتر متوجه اشخاص و مقصود معین؛ چون: مدح، پند و اندرز، شادباش و تعزیت بزرگان زمان بوده و در موارد بسیاری به توصیف انبیا و اولیای دین اختصاص یافته است.

به نوبت اند ملوک اندرین سپنج سرای   کنون که نوبت تُست ای ملک، به عدل گرای

تو مرد باش و ببر با خود آن‌چه بتوانی   که دیگرانش به حسرت گذاشتند به جای

غزل: یکی از قالب‌های شعر دری غزل است که دارای مطلع مصرّع (که مصراع‌های بیت اول هم‌قافیه اند) می‌باشند تعداد بیت‌های غزل به طور متوسط محدود میان پنج تا پانزده بیت است. غزل، مانند قصیده دارای تغزل و تشبیب بوده و در وصف طبیعت، عشق

و مضامین اخلاقی و عرفانی سروده می‌شود. فرق میان غزل و تغزل در قصیده، آن است که ابیات تغزل باید همه مربوط به یک موضوع باشد؛ اما در غزل تنوع مطالب ممکن است و برخی این تنوع را شرط غزل شمرده اند. شاعر در اخیر تغزل قصیده نام ممدوح را یاد می‌نماید؛ اما در غزل شاعران در گذشته، به جای نام ممدوح، نام خود را می‌آوردند.

از بهترین غزل‌های فارسی دری، غزل‌های سعدی، حافظ، مولوی و... است. در نوع غزل از نظر معنا و مضمون به مرور زمان تحول بزرگی روی داد، معانی عالی عرفانی و اخلاقی و حکمت وارد غزل دری گردید.

حسن تخلص در غزل به منزلهٔ جملهٔ معترضه است که یکی دو بیت آخر غزل را به این امر اختصاص می‌دهند و با ذکر ستایش ممدوح، غزل را به پایان می‌رسانند.

بنمای رخ که باغ و گلستانم آرزوست — بگشای لب که قند فراوانم آرزوست
ای آفتاب حسن برون آ، دمی ز ابر — کان چهرهٔ مشعشع تابانم آرزوست
گفتی ز ناز: بیش مرنجان‌مرا برو — آن گفتنت که بیش مرنجانم آرزوست
والله که شهر بی‌تو مرا حبس می‌شود — آواره‌گی و کوه و بیابانم آرزوست
زین همرهان سست‌عناصر دلم گرفت — شیر خدا و رستم دستانم آرزوست
دی شیخ با چراغ همی‌گشت گرِد شهر — کز دیو و دد ملولم و انسانم آرزوست
گفتند: یافت می‌نشود جسته ایم ما — گفت: آن که یافت می‌نشود آنم آرزوست
پنهان ز دیده‌ها و همه دیده‌ها از اوست — آن آشکار صنعت پنهانم آرزوست

از دیوان شمس

قطعه: شعری است کوتاه، که از نظر قافیه مانند قصیده است؛ اما معمولاً مطلع آن هم‌قافیه نمی‌باشد و بیشتر در پند، اندرز و مطالب اخلاقی سروده می‌شود، با این تفاوت که قطعه از نظر تعداد ابیات محدود است؛ ولی ابیات قصیده گاهی تا ۲۰۰ و ۳۰۰ بیت می‌رسد. تعداد ابیات قطعه را از دو تا پانزده بیت نوشته اند.

زمانه پندی آزادوار داد مرا — زمانه را چو نکو بنگری همه پند است
به روز نیک کسان غم مخور زنهار — بسا کسا که به روز تو آرزومند است

رودکی

یا

دوست مشمار آن‌که در نعمت زند — لاف یاری و برادرخوانده‌گی
دوست آن باشد که گیرد دست دوست — در پریشان‌حالی و درمانده‌گی

سعدی

مسمط: چند مصراع هم‌قافیه و یک مصراع مستقل‌القافیه است که چند بار با قافیه‌های متفاوت تکرار می‌شود و در این تکرار مصراع‌های مستقل‌القافیه با هم، هم‌قافیه اند.

خیزید و خز آرید که هنگام خزان است — باد خنک از جانب خوارزم وزان است
آن برگ رزان است که بر شاخ رزان است — گویی به مثل پیرهن رنگ‌رزان است
دهقان به تعجب سر انگشت گزان است — کاندر چمن و باغ نه گل ماند و نه گلنار

مستزاد: شعری است که در آخر هر مصراع رباعی یا غزل و قطعه و امثال آن جملهٔ مسجعی بیاورند که در وزن بدان احتیاجی نباشد؛ ولی در معنا با مصراع ارتباطی داشته باشد؛ مانند:

گر حاجت خود بری به درگاه خدا — با صدق و صفا
حاجات ترا کند خداوند روا — بی چون و چرا
زنهار مبر حاجت خود بر در خلق — با جامهٔ دلق
کز خلق نیاید کرم و جود و عطا — بی شرک و ریا
سنا

ترجیع‌بند: آن است که اشعار از چند قسمت مختلف تشکیل شده باشد؛ همه در وزن یکی و در قوافی مختلف، یعنی چند بیت با یک وزن و قافیه بگویند، مانند غزل و در پایان آن یک بیت با قافیهٔ جداگانه بیاورند که با بیت‌های پیش در وزن متحد و در قافیه مخالف باشد و همین‌طور این عمل را چند بار تکرار کنند و آن بیت منفرد باید در فواصل عیناً تکرار شود، این نوع شعر را ترجیع‌بند و بیت فاصله را بند ترجیع یا بند گردان گویند. ترجیع‌بند هاتف اصفهانی با این مطلع:

ای فدای تو هم دل و هم جان — وی نثار رهت هم این و هم آن
که یکی هست و هیچ نیست جز او — وحده لا اله الا هو

ترکیب‌بند: ترکیب‌بند مثل ترجیع‌بند است، با این تفاوت که بیت‌های فواصل با یکدیگر فرق دارد و بیت ترکیب نه ثابت است و نه با خانهٔ ترکیب از نگاه قافیه هماهنگی دارد و نه با بیت‌های دیگر ترکیب؛ مانند:

ترکیب‌بند معروف محتشم کاشانی با این مطلع و بند ترکیب:

باز این چه شورش است که در خلق عالمست — باز این چه نوحه و چه عزا و چه ماتمست
خورشید آسمان و زمین نور مشرقین — پروردهٔ کنار رسول خدا حسین

شعر آزاد: شعری را که از اصول و قواعد شعر کهن پیروی نمی‌کند به نام شعر آزاد یاد می‌کنند. شعر آزاد فارسی دری دو شکل متمایز دارد: یکی شعر نیمایی است و دیگری شعر سپید یا منثور.



* **تشبیب:** یاد شباب و جوانی کردن، ذکر احوال روزگار جوانی، آوردن ابیاتی از عشق و جوانی یا وصف طبیعت در ابتدای قصیده.

* **تغزل:** غزل‌سرایی کردن، اشعار عاشقانه سرودن، سخنان عاشقانه گفتن، عشق ورزیدن.

* **مخلص (گریزگاه):** که آن را رهایی یا گریزگاه نیز می‌گویند، آن دو بیت است که تغزل قصیده را به قسمت بعدی قصیده که مدح است ارتباط می‌دهد. اگر این اتصال مقدمه به قسمت اصلی یا تنهٔ قصیده، یعنی مدح، به واسطهٔ ابیات بلند و زیبا به نحوی استادانه و لطیف صورت گیرد، می‌گویند که شعر دارای صنعت حُسن تخلص است؛ مانند: این تخلص از قصیدهٔ مختاری که آن را شمس قیس رازی از «تخلصات نادر بلیغ» خوانده است:

دی بـــاز در تفکر آنم که بـــاد را　　با تاب سنبل سمن‌آرای تو چه کار
گر نیز گِرد زلف تو گردد بسوزمش　　از وصفِ آتَش سر شمشیر شهریار

بیاموزیم

۱- انواع شعر دری از نظر شکل و قالب؛ شامل: فرد، دوبیتی، رباعی، مثنوی، قصیده، غزل، قطعه، مسمط، مستزاد، ملمع، ترجیع‌بند، ترکیب‌بند و شعر آزاد می‌باشد.

۳- مثنوی، اشعاری است طولانی که دارای یک وزن است؛ اما قافیه در هر بیت عوض می‌شود. تعداد ابیات مثنوی محدود نیست.



• مأخذ و مراجع املایی، انشایی و دستوری

همان‌گونه که پیش از این یادآوری شد، نگارش نامه‌یی درست، افزون بر آگاهی به ساختار و شکل ظاهری آن، مستلزم دانستن نکات و قواعد نگارشی درست زبان دری در این زمینه‌ها است. دانستن نشانه‌گذاری، دستور زبان و املای درست واژه‌ها، به کاربردن واژه‌های مناسب، آشنایی نسبت به ساختار زبان دری و پرهیز از نارسایی‌ها و اشتباهات مختلفی که امروز در برخی از نوشته‌ها به دلیل غفلت و ناآگاهی و کم‌توجهی، فراوان مشاهده می‌شود. به همین منظور، لازم است، حد اقل با برخی از کتاب‌های مربوط آشنا باشید تا بتوانید مشکلات احتمالی خود را با مراجعه به این کتاب‌ها برطرف کنید. از این‌رو، در زیر، نام چند کتاب مربوط به این فن را می‌آوریم؛ تا در صورت نیاز به این کتاب‌ها مراجعه کنید.

۱- دستور معاصر زبان دری، نوشتهٔ پوهاند دکتور محمد حسین یمین

۲- غلط ننویسیم (فرهنگ دشواری‌های زبان فارسی)، نوشتهٔ ابوالحسن نجفی
۳- روش املای زبان دری، پذیرفتهٔ اتحادیهٔ نویسنده‌گان (به کوشش پویا فاریابی)
۴- دستور زبان معاصر دری نوشتهٔ محمد نسیم نگهت سعیدی

کار گروهی و سخنرانی

۱- شاگردان به چند گروه تقسیم شوند و پیرامون انواع شعر از نظر شکل و قالب به بحث و گفتگو بپردازند؛ سپس از هر گروه یک نفر مقابل صنف آمده و نتیجهٔ بحث را به دیگران بیان نماید.
۲- یک تن از شاگردان در برابر صنف آمده پیرامون تشبیب، تغزل و تخلص(مخلص) معلومات دهد.
۳- چند شاگرد در مورد قالب و محتوای بیت‌های زیر دو دقیقه صحبت کنند.

عیب است بزرگ بر کشیدن خود را — وز جملهٔ خـــلق بـــرگزیدن خود را
از مـــردمک دیـده باید آمــوخت — دیدن همه کس را و ندیدن خود را

(خواجه عبدالله انصاری)

املا و نگارش

متنی را که معلم گرامی به خوانش می‌گیرد، در کتابچه‌های تان املا بنویسید.
با درنظرداشت قواعدی که در بخش آیین نامه‌نگاری خواندید، متن یک نامهٔ کامل را در کتابچه‌های تان بنویسید.



انواع شعر دری را نام بگیرید.
در مورد قصیده چه می‌دانید؟ بیان کنید.
فرق میان دوبیتی و رباعی را بیان کنید.
برخی از مثنوی‌سرایان مشهور زبان و ادبیات دری را نام بگیرید.

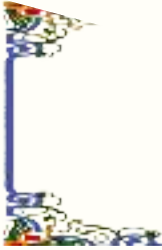


ترجیع‌بند و ترکیب‌بند را تعریف نموده و هر یک را با مثال واضح سازید.
بیت زیر، را به حافظه بسپارید.

به نام خداوند جان و خرد — کزین برتر اندیشه بر نگذرد

متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.

درس ششم



از شاگردان این پرسش‌ها به عمل آورده شود:
۱- بیدل کی بود؟
۲- مهم‌ترین آثار او چه نام دارد؟
۳- شما شعر او را چطور ارزیابی می کنید؟



بیدل و نمونهٔ کلام او



ابوالمعانی میرزا عبدالقادر «بیدل» فرزند میرزا عبدالخالق، یکی از شاعران غزل‌سرای عرفانی و فلسفی زبان دری، در سال ۱۰۵۴ هجری قمری در شهر عظیم‌آباد پتنه در هند چشم به جهان هستی گشود. او که از ترکان چغتایی قبیلهٔ (برلاس) می‌باشد، نیاکانش از آسیای میانه به افغانستان آمدند. در ولسوالی ارگوی بدخشان سه قریه به نام‌های برلاس چنار، برلاس شمرو و برلاس کور چشمه وجود دارد که نیاکان بیدل برلاسی از آسیای میانه با لشکریان امیر تیمور و یا ظهیرالدین محمد بابر آمده و در آن‌جا سکونت اختیار کردند و از این جا به سرزمین هند رخت سفر بستند. میرزا عبدالقادر «بیدل» چهار سال و نیم بیش نداشت که پدرش را از دست داد و کاکایش «میرزا قلندر» که خود از صوفیان باصفا بود تربیت و سرپرستی او را به عهده گرفت. «بیدل» در کنار میرزا قلندر با مبانی تصوف آشنایی لازم پیدا کرد؛ همچنین در این راه از امداد و دستگیری «مولانا کمال» دوست و پیشوای پدر بهره‌ها برد.

بیدل هنگامی که سیزده سال بیش نداشت به مدت سه ماه با سپاه «شجاع» یکی از فرزندان شاه‌جهان در ترهت (سرزمینی در شمال پتنه) به سر برد و از نزدیک، شاهد درگیری‌های فرزندان شاه‌جهان بود. بیدل همراه با مامای خود (میرزا ظریف) در سال

۱۰۱۷هـ . ق. به شهر «کتک» مرکز اوریسه رفت. دیدار شگفت‌انگیز «شاه‌قاسم هواللهی» و بیدل در این سال از مهم‌ترین وقایع زنده‌گی او به شمار می‌رود. وی سه سال در اوریسه از فیوض معنوی شاه‌قاسم بهره برد.

او در سال ۱۰۷۵ هـ . ق. به دهلی رفت. بیدل در خدمت یکی از شهزاده‌گان آن روزگار شهزاده اعظم به خدمت نویسنده‌گی مشغول شد و در همان زمان شعر هم می‌گفت؛ چون شهزاده از وی خواست که او را در قصیده‌یی بستاید، بیدل از این کار سر باز زد و از خدمت دستگاه او کناره گرفت. یک چند در شهرهای هند به سیاحت پرداخت و سرانجام در حدود سال ۱۰۹۶ هـ . ق. در دهلی اقامت گزید. بیدل پس از آن زنده‌گی آرام و بی‌حادثه‌یی را با آزاده‌گی و قناعت به سر برد. زنده‌گی شاعر بزرگ در این سال‌ها به تأمل و تفکر و سرایش شعر گذشت و منزل او در شاه‌جهان‌آباد محل تجمع عاشقان و عارفان و شاعران اهل فکر و ذکر و ادبا و دوست‌داران سخن دری بود. در همین سال‌ها بود که بیدل به تکمیل مثنوی عرفان پرداخت و با وجود آشفته‌گی اوضاع، شاعر عارف تا آخرین روز زنده‌گی خود از تفکر عرفانی و آفرینش‌های عرفانی باز نماند؛ تا این‌که به سال ۱۱۳۳ هـ . ق. در سن هفتاد و نه ساله‌گی چشم از جهان بست.

آثار و سبک شاعری بیدل: کلیات آثار بیدل پرحجم است و انواعی چند از نظم و نثر را شامل می‌شود. از بیدل علاوه بر دیوان غزل‌هایش آثار ارزشمند دیگری نیز در دست است که به بیش از صد هزار بیت می‌رسد مهم‌ترین آن‌ها قرار زیر است:

آثار منثور عبارتند از: چهارعنصر و رقعات و نکات و مراسلات.

آثار منظوم عبارتند از: ۱- مثنوی عرفان ۲- مثنوی محیط اعظم ۳- مثنوی طلسم حیرت، ۴- مثنوی طور معرفت ۵- رباعیات

بیدل در شعر پیرو سبک هندی می‌باشد.

زبان شعری بیدل

در شعر بیدل، بار ادبی و معنایی کلمات به سرحد کمال خود رسیده است؛ همچنین موارد جدیدی نیز به آن افزوده شده و زبان در عین ایجاز و اجمال است. به گونه‌یی که خوانندهٔ او برای آن که فهم درستی از شعر وی داشته باشد، لازم است به اندازهٔ کافی از سنت شعر دری مطلع و به اصول اساسی عرفان اسلامی آگاه باشد. شعر بیدل همچون جنگلی بزرگ و ناشناخته است که در اولین قدم به بینندهٔ آن حس حیرت و شگفتی دست می‌دهد و چون پا به داخل آن می‌گذارد دچار غربت و ناآشنایی می‌شود و در واقع مدتی طول می‌کشد تا با شاخ و برگ و انواع درختان و پرنده‌گان و راه‌هایی که در آن است آشنا شود؛ اما چون مختصر انس و الفتی با آن پیدا می‌کند به شور و اشتیاق در صدد کشف ناشناخته‌هایش بر می‌آید. بیشترین شهرت بیدل در قلمرو فرهنگ دری چه در افغانستان، تاجیکستان و ایران و چه در هندوستان، مدیون دیوان اشعار، به ویژه غزلیات خیال‌انگیز و پرمضمون اوست که در خیال‌پردازی و نازک‌خیالی اندیشه‌های شاعرانه و به کار بردن مضمون‌های بدیع و گاهی دور از ذهن شگفتی‌آفرین است. شعر او، به ویژه غزل‌ها و مثنوی‌هایش، رنگ عرفانی تندی دارد که در پاره‌یی موارد رنگ فلسفی به خود می‌گیرد. ویژه‌گی عمدهٔ شعر بیدل مشتمل بر مضمون‌های متنوع و استفاده‌های رنگین و خیال‌انگیز و سرشار از تخیل رمزآمیز شاعرانه است. خلاصه، بیدل را می‌توان شهسوار سخن دری در قلمرو این زبان دانست. میرزا اسدالله خان غالب، بیدل را بحر بی‌کران و علامه اقبال او را مرشد کامل دانسته است.

ویژه‌گی‌های شعر بیدل

• از مهم‌ترین ویژه‌گی‌های شعر (بیدل) می‌توان به کارگیری از نمادها و تلمیحات، توصیف طبیعت و تازه‌گی زبان شعری و عرفانی اشاره کرد.

آن‌چه کلکم می‌نگارد محض صوت و حرف نیست
هوش می‌باید که دریابد زبان بیدلی

• از خصوصیات ممتاز دیگر شعر بیدل، کثرت کاربرد ترکیبات بکر و تازه در آن است که

برای درک درست از شعر او ناگزیر باید با شیوهٔ کاربرد ترکیب‌های وی مأنوس و آشنا بود؛ به عنوان نمونه در این بیت:

دلیل کاروان اشکم، آه سـرد را مـانم
اثرپرداز داغم، حرف صاحب‌درد را مانم

ترکیب‌های کاروان اشک و اثرپرداز داغ، ساختهٔ ذهن و زبان و ابداع بیدل است. بیدل در نوشته‌های خود کلمات هستی، عدم و آیینه را به کثرت به‌کار برده است که بنابر آن به نام شاعر آیینه‌ها نیز یاد می‌شود؛ مثال: وی ترکیب‌های از قبیل: آیینه‌خانه، آب آیینه، آیینه‌خو، آیینهٔ حسن، غبار آیینه، خیال آیینه و... را به کار برده است.

نمونهٔ کلام بیدل

خـار غفلت می‌نشـانی در ریـاض دل چـرا
می‌نمـایی چشم حـق‌بیـن را ره بـاطـل چـرا
بحر تـوفان‌جـوشی و پرواز شـوخی موج تست
مانده ای افسرده و لب‌خشـک، چون ساحل، چرا
غـربت صحرای امکـانـت، دو روزی بیش نیست
از وطـن یکباره گشتی این‌قـدر غـافـل چـرا
ابـر، اینجـا می‌کند از کـیسهٔ دریـا، کـرم
ای تـوانگرا! بـر نیـاری حـاجت سایل چـرا
خط سیـر آبـی نـدارد مسطر مـوج سراب
بیدل! این دل بسته‌گی بر نقشِ آب و گِل چـرا



صوفی: کسی که پیرو طریقهٔ تصوف باشد، پشمینه‌پوش، پیروان طریقهٔ تصوف، اهل طریقت، فرقه‌یی از مسلمانان اند که مسلک آنان ریاضت، عبادت، تزکیهٔ نفس، پیمودن مراحل اخلاص

و کسب معرفت است. آن‌ها معتقد اند که با عبادت، ریاضت و تزکیهٔ نفس می‌توان به حق و حقیقت راه یافت.

عارف: شناسنده، دانا، صبور، شکیبا، حکیم ربانی، خداشناس، عرفا جمع، کسانی که پیرو عرفان باشند. عرفان به معنای شناختن، شناختن حق‌تعالی، خداشناسی.

بیاموزیم

۱- ابوالمعانی میرزا عبدالقادر «بیدل» یکی از برجسته‌ترین شاعران غزل‌سرای عرفانی و فلسفی، زبان و ادبیات فارسی دری است.

۲- تعداد بیت‌های بیدل از صد هزار تجاوز می‌کند.

۳- مهم‌ترین آثار او عبارت اند از: طور معرفت، طلسم حیرت، محیط اعظم، چهار عنصر، عرفان، رقعات، نکات و رباعیات.

۴- باریک‌اندیشی، خیال‌انگیزی، به‌کارگیری ترکیب‌های نو، تشخص بخشیدن به اشیای بی‌جان، بهره‌گیری از نمادها و تلمیحات، استفاده از شیوهٔ شاعران گذشته، تازه‌گی زبان شعری و توصیف طبیعت از مهم‌ترین ویژه‌گی‌های شعر بیدل است.

۵- بیدل آیینهٔ تابان شعر عارفانه بود که نور وجودش به تاریخ چهارم صفر ۱۱۳۳ هـ . ق. به خاموشی گرایید.



• **انواع نامه‌ها:** نامه‌ها را نظر به مضمون، محتوا، پیام و سایر مشخصات آن به چند دسته تقسیم کرده اند، که در زیر از هر یک آن‌ها نام می‌بریم:

۱- نامه‌های اداری (مکتوب‌ها)

۲- نامه‌های دوستانه

۳- نامه‌های عاطفی

۴- نامه‌های اشخاص به دفترهای رسمی

۵- نامه‌های دفاتر رسمی به اشخاص (مکتوب‌ها)

۶- نامه‌های آگاهی‌بخش و غیره

با درنظرداشت همهٔ موارد یادشده، در مجموع نامه‌ها به دو دستهٔ عمومی تقسیم می‌شوند:

۱ - نامه‌های خصوصی

۲ - نامه‌های اداری (مکتوب‌ها)

املا و نگارش

۱- متنی را که معلم گرامی به خوانش می‌گیرد در کتابچه‌های تان املا بنویسید.

۲- با درنظرداشت قواعدی که در آیین نامه‌نگاری خواندید در کتابچه‌های تان یک نامهٔ دوستانه بنویسید.



۱- بیدل در کجا تولد شده است؟

۲- بیدل در کدام سال تولد در کجا و در کدام سال وفات کرده است؟

۳- در بارهٔ آثار منظوم بیدل چه می‌دانید؟

۴- در بارهٔ آثار منثور بیدل چه می‌دانید؟

۵- نیاکان بیدل در اصل از کجا بودند؟

۶- یکی از عمده‌ترین خصوصیات شعر بیدل را با ارائهٔ مثال بیان نمایید.

۷- انواع نامه‌ها را نام بگیرید.



۱- خلاصهٔ زنده‌گی‌نامهٔ بیدل را بنویسید و با خود در صنف بیاورید.

۲- این بیت را به حافظه بسپارید:

بیدل از معناطرازی بر کمال خود ملاف   گرد ساحل باش کاین موج از محیط دیگر است

۳- متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.

درس هفتم

سؤال‌های آتی از شاگردان پرسیده شود:
۱- ضرب‌المثل چیست؟
۲- در بارهٔ دوبیتی‌ها چه می‌دانید؟
۳- آیا ضرب‌المثل‌ها جزء ادبیات فولکلور و فرهنگ مردم اند؟ توضیح دهید.
٤- آیا دوبیتی‌ها جزء اشعار محلی و عامیانه اند؟ توضیح دهید.

ضرب‌المثل‌ها و دوبیتی‌ها

ضرب‌المثل‌ها جمله‌های کوتاه و زیبایی اند که در میان مردم و از تجارب زنده‌گانی مردم پدید آمده و با زنده‌گی مردم پیوند ناگسستنی دارند. این جمله‌های کوتاه زیبا، مولود اندیشه و دانش مردم بوده و میراثی از غنای معنوی نسل‌های گذشته است که دست به دست و زبان به زبان به آینده‌گان می‌رسد و آنان را با آمال و آرزوها، غم و شادی، عشق و محبت ایمان و صداقت گذشته‌گان آشنا می‌سازد.

زبان شیرین دری، از لحاظ ضرب‌المثل‌ها و امثال و حکم، از غنی‌ترین زبان‌های زندهٔ دنیا به شمار می‌رود. امثال و حکم عامیانه از دیرباز در ادبیات منظوم و منثور کشورهای دری‌زبان راه باز کرده است و کمتر شاعری دری‌زبان است که در سخنان خود این ضرب‌المثل‌ها را به کار نبرده باشد.

ضرب‌المثل‌ها و اصطلاحات، جزء لاینفک هر زبان و فرهنگی است و هر کس که خواهان فراگیری زبان باشد، ناگزیر از آموختن آن‌ها نیز است. ضرب‌المثل‌ها، منعکس‌کنندهٔ حکمت و اخلاق یک ملت است که در طی قرون و اعصار به وجود آمده و حوادث و عوامل روانی و تاریخی در آن نفوذ داشته است و گنجینه‌یی است که در سال‌های طولانی، تجربیات و حکمت یک قوم را در خود جمع نموده و از همین ضرب‌المثل‌ها می‌توان به سجایای اخلاقی و سوابق تاریخی اقوام پی برد.

از آن‌جایی که ضرب‌المثل‌ها کوتاه و به یاد ماندنی استند، افرادی که حتا سواد خواندن و نوشتن را ندارند صدها ضرب‌المثل را در گفتار خود به کار می‌برند. از سویی، کوتاهی ضرب‌المثل ها باعث گردیده تا زودتر در حافظه جای گرفته و از یک نسل به نسل دیگری و از یک زبان

به زبان دیگری راه پیدا کند. وقتی به بررسی و جمع‌آوری آن‌ها همت گماشته شود، مشاهده می‌گردد که تشابه فراوانی بین امثال و حکم یک زبان با زبان دیگری موجود هست. به طور مثال مشابهت زیادی بین ضرب‌المثل‌های زبان فارسی دری و انگلیسی و یا عربی و دیگر زبان ها دیده می‌شود. این مسأله در کشورهای همجوار بیشتر به چشم می‌خورد؛ البته غافل از این مسأله نباید بود که جوهر وجود انسان‌ها در همه جا تقریباً یکی است و در بسیاری از مسایل مشترک است؛ مانند: محبت، گرسنه‌گی، تشنه‌گی و دیگر مفاخر و مصایب زنده‌گی که تشابه زیادی با هم دارند؛ بنابر آن در زبان آن‌ها نیز نزدیکی‌های فراوان و مشارکت‌های گوناگون دیده می‌شود. ضرب‌المثل‌ها در اصل، بخشی از ادبیات فولکلور و چیزی است که اغلب در زنده‌گی روزمره به کار می‌رود و مبین استمرار تجربیات بشر برای نسل‌های آینده است. توجه کنید به نمونه‌یی از ضرب‌المثل‌ها:

۱- آتشت ما را گرم نکرد؛ ولی دودت ما را کور کرد.
۲- آن‌چه برای خود نمی‌پسندی، برای دیگران مپسند.
۳- ابروگشاده باش، چو دستت گشاده نیست.
۴- احتیاج، مادرِ ایجاد است.
۵- سالی که نکوست از بهارش پیداست.
۶- زیر کاسه، نیم‌کاسه است.
۷- دایهٔ دل‌سوزتر از مادر و کاسهٔ داغ‌تر از آش.
۸- با یک گل بهار نمی‌شود.
۹- از تو حرکت، از خدا برکت.
۱۰- چاه‌کن در چاه است.
۱۱- با دوستان مروت، با دشمنان مدارا.
۱۲- با کهنهٔ خود بساز که نو مردم گران است.

دوبیتی: شعری است در دو بیت که با رباعی در قافیه‌بندی یکی؛ اما در وزن فرق دارد. به عبارت دیگر، دوبیتی از هر جهت؛ مانند «رباعی» است، با این تفاوت که رباعی بر وزن «لاحول و لاقوة اِلاّ بِالله» می‌باشد. رباعی بیشتر برای بیان اندیشه‌های فلسفی، عرفانی و عشقی به کار می‌رود. دوبیتی بیشتر به گونهٔ اشعار محلی و عامیانه سروده می‌شود و حکایت

از عشق و محبت دارد؛ بیشتر برای بیان احساسات بی‌شایبه و عشق‌های ساده و بی‌ریا با کلمات شکسته و محاوره‌یی مناسب است. دوبیتی را گاه افراد غیر شاعر هم به اقتضای احساسات و هیجانات درونی خویش سروده اند که از نظر فرهنگ‌ها و ادبیات عامیانه ارزش فراوانی دارد. دوبیتی را ترانه نیز گفته اند.

البته در مجموع، رباعی و دوبیتی برای بیان مضامین و مطالب کوتاه و مختصر به کار می‌رود.

مثال‌هایی از دوبیتی

ز دست دیـــده و دل هــر دو فریاد	کـــه هر چه دیده بیند دل کند یاد
بسـازم خنجـــری نیشش ز فولاد	زنم بـــر دیده تـــا دل گـردد آزاد

***

مکـن کـــاری که بر پا سنگت آید	جهان بـــا این فـــراخی تنگت آید
چو فردا، نامـه‌خواهان نامه خواهند	تو را از نـــامـه‌خـــواندن ننگت آید

***

شـرار تیغ در خـــــون هشته پهلو	بـــه‌جـــان زنده‌گی آذر کشیده
ز صحـــراها ستیغ کـــوهســـاران	چو فریادش به گردون سر کشیده

***

شبـــی از ســوز دل گفتم قلـــم را	بیـــا تحـــریر کـــن درد دلم را
قلـم گفتا بـــرو بیچاره عـــــاشق	نـــداری طاقت این کـــوه غم را

***

بـــه سر غلتان بـــه هر سو بـادپایی	ز بس بـــاران تیـــر و زخم زوبین
ز هـــر سو درخم پیچـــان کمندی	سواری ســـرنگـون از کوههٔ زین

***

بـــه ســوی قرن‌های دور پنـــدار	روان هنـــگام‌ها از پـــی شتابـــان
جـــدا در دست هـــر هنگام شمعی	فروزنده بیابـــان تـــا بیـــابـــان



بیاموزیم

۱- ضرب‌المثل‌ها در میان مردم و از زنده‌گانی مردم پدید می‌آید و با زنده‌گی مردم پیوند ناگسستنی دارند.

۲- ضرب‌المثل‌ها جمله‌های کوتاه و زیبایی اند که مولود اندیشه و دانش مردم عام و میراثی از غنای معنوی نسل‌های گذشته می‌باشد.

۳- از روی ضرب‌المثل‌ها که انعکاس دهندهٔ حکمت و اخلاق یک ملت است، می‌توان به سجایای اخلاقی و سوابق تاریخی اقوام و ملل پی برد.

۴- جوهر وجود انسان‌ها در همه جا یکی است و در بسیاری از مسایل مشترک می‌باشد؛ مانند: محبت، گرفتاری، گرسنه‌گی، تشنه‌گی و دیگر مسایل و مصایب.

۵- دوبیتی، شعری است در دو بیت که با رباعی در قافیه‌بندی یکی بوده؛ اما در وزن فرق دارد.

۶- دوبیتی از هر جهت مانند رباعی است؛ با این تفاوت که بیشتر دوبیتی بر وزن (مفاعیلن مفاعیلن مفاعیل) و رباعی بر وزن (مفعول مفاعیل مفاعیلن فاع) یا «لاحول و لاقوة اِلاّ بالله» می‌باشد.



• نامه‌های خصوصی

چنانکه از نام‌شان پیداست، به نامه‌هایی گفته می‌شود که میان دوستان، نزدیکان و خویشاوندان مبادله می‌شود. نامهٔ خصوصی باید خشک و رسمی‌گونه نباشد و از هر گونه تعارف و تکلف و خودنمایی مبرا و مظهر صفا، صداقت و صراحت باشد؛ تا بر مهر و محبت بیفزاید، نه

این که از آن کدورتی به میان آید. نامه‌هایی که به بزرگ‌ترها می‌نویسیم، باید توأم با احترام و محبت باشد. نامه‌هایی که به کوچک‌ترها می‌نویسیم باید از عطوفت و مهربانی حکایت کند و بالآخره نامهٔ هم‌سالان و همپایه‌گان، باید آیینهٔ اخلاص و صمیمیت باشد.

رعایت ادب و حرمت در همهٔ انواع نامه‌ها ضروری است. هر یک از نامه‌های تسلیت، تبریک، دعوت و غیر آن، باید به مقتضای حال، نمایشگر همدردی یا خوشحالی نویسنده و شرکت وی در غم و شادی مخاطب باشد. در نامه باید از مقدمهٔ طولانی و پرگویی و بحث‌های بی‌مورد پرهیز نموده و نباید وقت خواننده را تلف کرد و نیز نباید نامه را چنان مختصر و تلگرافی نوشت که خواننده از فهم منظور عاجز بماند و یا دلالت بر سردی، کم‌مهری و بی‌اعتنایی نویسنده کند؛ همچنان از شکوه و شکایت و شرح ناکامی‌ها و ناسازگاری‌های روزگار و گرفتاری‌های شخصی حتی‌الامکان باید احتراز نمود.

کار گروهی و سخنرانی



۱- شاگردان به چند گروه تقسیم شوند و پیرامون ضرب‌المثل‌ها به بحث و گفتگو بپردازند؛ سپس از هر گروه یک نفر مقابل صنف آمده و نتیجه را به دیگران بیان کند.

۲- یک تن از شاگردان در بارهٔ دوبیتی‌ها معلومات دهد.

۳- در مورد این‌که انسان‌ها در بسیاری از مسایل، عواطف و احساسات مشترک دارند، گفتگو کنید.

۴- در مورد تصویر دو دقیقه در برابر صنف سخنرانی کنید.

املا و نگارش

۱- متنی را که معلم گرامی به خوانش می‌گیرد، در کتابچه‌های‌تان املا بنویسید.

۲- با درنظرداشت قواعدی که در آیین نگارش خواندید، در کتابچه‌های تان یک نامهٔ دوستانه به خواهر یا برادرتان بنویسید.



۱- در بارهٔ ضرب‌المثل‌ها چه می‌دانید؟ توضیح دهید.

۲- چند ضرب‌المثل بیان کنید.

۳- چند دوبیتی را که به یاد دارید بیان کنید.

۴- فرق میان دوبیتی و رباعی چیست؟ واضح سازید.

۵- نامهٔ خصوصی کدام نوع نامه را می‌گویند.

۶- تا به حال به کسی نامه نوشته اید؟ به کی و در چه مورد بیان کنید.



۱- چند دوبیتی و ضرب‌المثل در کتابچه‌های خود بنویسید.

۲- این بیت را به حافظه بسپارید.

در همه احوال به غم یا نشاط   هیچ‌گه از دست مده احتیاط

۳- متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.

درس هشتم



درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که
تشریحاتش جواب گوی پرسش‌های زیر باشد:

۱. نقش زنان در ادبیات از چه زمان آغاز گردید؟
۲. نخستین داستان‌نویس زن کی بود؟
۳. چه عواملی باعث کمرنگ بودن حضور زنان در عرصهٔ ادبیات شده بود؟
۴. نام چند تن از زنان شاعر و نویسندهٔ معاصر را به یاد دارید؟



نقش زنان در ادبیات معاصر دری افغانستان

حضور زنان در ادبیات ما با نام رابعهٔ بلخی آغاز می‌یابد که پس از او تا سده‌های متمادی، با نام زنان دیگر سخنور کمتر بر می‌خوریم. شاید همزمان با او و پس از او زنان سخنور دیگری هم بوده اند؛ اما نظر به دلایل گوناگون، نام آن‌ها ثبت تاریخ ادبیات نگردیده است. تنها در اواخر قرن نزدهم و آغاز قرن بیستم است که جسته و گریخته، نام چند شاعر زن؛ مانند: عایشهٔ درانی، آمنهٔ فدوی، محجوبهٔ هروی و مخفی بدخشی را در اوراق برخی از کتاب‌ها می‌بینیم،که محدودیت در تعداد این نام‌ها نیز وابسته به اوضاع و شرایط آن روزگار می‌تواند باشد.

در آن دورهٔ زمانی، محدودیت‌های اجتماعی، خانواده‌گی، تحصیلی و شغلی، فضا را برای ابتکارات زنان تنگ می‌کرد، زنان یا چنان گرفتار امور خانه بودند که نمی‌توانستند کارهایی را که توانایی آن را داشتند، انجام بدهند و یا هنوز در اندیشهٔ پرداختن به ادبیات نیفتاده بودند. برخی هم که می‌نوشتند، خود را در پشت نام‌های مستعار پنهان می‌کردند. فضا چنان بود که آنان به نوشتن ترغیب نمی‌شدند؛ زیرا امکانی برای نشر آثار خود نمی‌دیدند. زنان در آن دوره هنوز امکان گشایش درهای مراکز ادبی را به روی خود نیافته بودند و شرکت آنان در جنبش ادبی، بسته‌گی به موقعیتی داشت که در جامعه به دست می‌آوردند.

در اوایل سدهٔ بیستم میلادی، گروه کوچکی از زنان تحصیل‌کرده آغاز به گشودن مکتب‌های دختران و تدریس کردند. کانون‌های زنان را بنیاد نهادند و مجله‌های ویژهٔ

خود را منتشر کردند.

نخستین بار در زمان سلطنت امان الله خان بود که دختران و زنان در تاریخ شکل‌گیری و انکشاف معارف عصری افغانستان، وارد این عرصه شدند. اولین مکتب ابتدایی دختران در سال ۱۲۹۹هـ .ش. به نام «مکتب عصمت» توسط ملکه ثریا بنیان گذاشته شد؛ سپس در سال ۱۳۰۲هـ .ش. مکتب مستورات در شهرآرای کابل گشایش یافت. دخترانی که در خانه به طور خصوصی تحصیل کرده بودند، به صنوف بالاتر و دیگران به صنوف پایین‌تر شامل شدند و بعد از مدتی یک تعداد آن‌ها برای تحصیلات عالی به کشورهای ترکیه، آلمان و فرانسه اعزام گردیدند. در همین سال با تلاش و ابتکار ملکه ثریا، مجلهٔ ویژهٔ زنان به نام ارشادالنسوان تأسیس گردید. مکتب مستورات که بعداً در سال ۱۳۲۱هـ .ش. به لیسهٔ ملالی تغییر نام داد، از آغاز تا امروز در تنویر افکـــــار زنان افغان، نقش شایسته‌یی را ایفا کرده است. تا آن‌جا که حتا بسیاری از زنان آگاه، منور، شاعر و نویسندهٔ معاصر ما از همین مکتب فارغ شده اند.

در اواسط سدهٔ بیستم بود که با پیدایش کانون‌های آموزشی جدید و برخورداری زنان از فرصت‌های آموزشی همسان با مردان و پدید آمدن نشریات ویژهٔ شان، ورود زنان به تدریج در عرصهٔ فعالیت‌های فرهنگی آغاز یافت و شخصیت زن در آثار ادبی نقش بارزتری پیدا کرد.

خوشبختانه ما امروز شاهد زنان بسیاری استیم که در عرصهٔ ادبیات افغانستان، موفقیت‌های چشم‌گیری به دست آورده و از اعتبار و موقعیت بسیار خوبی برخوردار گردیده اند و تقریباً همدوش و همراه با مردان در مراکز علمی، فرهنگی، هنری، اقتصادی، سیاسی و... حضور فعال دارند. نه تنها در عرصهٔ شعر و شاعری نام‌های ماندگاری را می‌بینیم که ما را به آینده امیدوارتر می‌سازد؛ بلکه در عرصهٔ داستان‌نویسی هم چهره‌های درخشانی عرض وجود کرده اند.

داستان‌نویسی

آغاز روند ادبیات داستانی افغانستان از زمان شکل‌گیری آن به شکل نو و سبک‌های رایج ادبی این صد سال اخیر، به سال ۱۳۰۰ هـ . ش. بر می‌گردد، که از آن زمان تاکنون فراز و فرودهای بسیاری در پیوند با تغییر نظام‌های سیاسی و متعاقب آن تغییرات اجتماعی و فرهنگی کشور داشته است. با نوشتن داستان«جهاد اکبر» در سال ۱۳۰۰هـ . ش. و چاپ آن در مجلهٔ معارف، داستان‌نویسی ظهور خود را در افغانستان آشکار و تا سال ۱۳۳۰هـ . ش. گاه‌گاهی به صورت تک‌جرقه‌هایی در مطبوعات، چهره‌نمایی کرد؛ پس از پایان دههٔ بیست و آغاز دههٔ سی، آهسته‌آهسته داستان‌نویسی با شیوهٔ نسبتاً جدید در مطبوعات جا باز نمود. با توجه به حرکت زمان و اوضاع جهانی، از دههٔ چهل تا اکنون با تمام دشواری‌های سیاسی و اجتماعی اوضاع افغانستان، داستان به رشد و بالنده‌گی خود ادامه داده است.

زنان از دههٔ چهل به این‌سو، مجدّانه به ادبیات داستانی روی آورده و در این عرصه قلم زده اند. نخستین داستانی که توسط یک نویسندهٔ زن «خانم ماگه رحمانی» نوشته شده بود، در سال ۱۳۴۰هـ . ش. انتشار یافت؛ پس از آن داستان‌های دیگری از نویسنده‌گان زن به وجود آمد که بسیاری از آن‌ها در داخل و خارج از مرزهای کشور منتشر شد، که این روند همچنان تا هنوز ادامه دارد.

بخوانیم و بدانیم

۱- حضور زنان در ادبیات ما با نام«رابعهٔ بلخی» آغاز می‌یابد که پس از او تا سده‌های متمادی، با نام دیگر زنان سخنور کمتر بر می‌خوریم.

۲- در اواخر قرن نزدهم و آغاز قرن بیستم، نام چند شاعر زن دیگر؛ مانند: عایشهٔ درانی، آمنهٔ فدوی، محجوبهٔ هروی و مخفی بدخشی را در اوراق برخی از کتاب‌ها می‌بینیم.

۳- اولین مکتب ابتدایی دختران در سال ۱۲۹۹هـ . ش. به نام «مکتب عصمت» توسط ملکه ثریا تأسیس شد و در ۱۹جدی ۱۳۰۰هـ . ش. مکتب مستورات در شهرآرای کابل گشایش یافت.

۴- در اواسط سدهٔ بیستم بود که ورود زنان به تدریج در عرصهٔ فعالیت‌های فرهنگی آغاز یافت و شخصیت زن در آثار ادبی نقش بارزتری پیدا کرد.



• بخش‌های اصلی نامه‌های خصوصی

معمولاً نامه‌های خصوصی دارای بخش‌هایی اند که ترتیب آن به صورت زیر است:

۱- آدرس گیرنده (آدرس مرسل الیه)

۲- تاریخ

۳- عنوانی که در خطاب به گیرندهٔ نامه نوشته می‌شود.

۴- آغاز نامه (عبارت و جمله‌های احترامی آغازی)

۵- متن نامه

۶- پایان نامه (عبارت احترامی پایانی)

۷- نام و نام خانواده‌گی نویسنده و ذکر مشخصات او

۸- آدرس فرستنده (آدرس مرسل)

۹- امضا (در صورت لزوم)

معمولاً بخش‌هایی از آن‌چه گفتیم، فقط بر روی پاکت نوشته می‌شود؛ مانند: آدرس فرستنده و گیرنده و بخش‌هایی هم بر روی پاکت و هم روی نامه نوشته می‌شود؛ مانند: مشخصات نویسندهٔ نامه، تاریخ و عنوان گیرنده.

کار گروهی و سخنرانی

۱- شاگردان در مورد راه‌های رشد داستان‌نویسی زنان باهم گفتگو کرده، نکات پیشنهادی خود را در ورقه‌یی یادداشت کنند؛ سپس یک تن شان در مورد آن به سخنرانی بپردازد.

۲- شاگردان به دو گروه تقسیم شده، گروه اول در مورد ویژه‌گی‌های آثار ادبی مردان و گروه

دوم در مورد ویژه‌گی‌های آثار ادبی زنان با هم به گفتگو پرداخته، نکات مورد نظر را یادداشت نموده و بعد یک تن از هر گروه در برابر صنف قرار گرفته و در مورد آن صحبت کند.

۳- شاگردان در مورد مفهوم بیت‌های زیر سخنرانی کنند:

زنی که گوهر تعلیـم و تربیت نخریـد — فـروخـت گوهـر عمـر عزیـز را ارزان

برای گردن و دست زن نکـو پروین — سزاست گوهر دانش، نه گوهـر الـوان

پروین اعتصامی

املا و نگارش

۱- متنی را که معلم محترم می‌خواند در کتابچه‌های تان املا بنویسید.

۲- تصویر را با موضوع زنان و دانش‌های نوین ارتباط داده، در مورد آن متن ادبی بنویسید.





۱- نقش زنان در ادبیات ما از کدام زمان آغاز یافته است؟

۲- کدام شاعران زن در آغاز قرن بیستم، در ادبیات ما درخشیده است؟

۳- کدام عوامل باعث شده است که در گذشته‌ها، زنان به کارهای ادبی نپرداخته و در عصر کنونی دراین عرصه بیشتر بدرخشند؟

۴- نخستین مکتب ابتدایی دختران در افغانستان، در کدام زمان، با چه نام و توسط چه کسی افتتاح گردید؟

۵- در کدام زمان، ورود زنان در عرصهٔ فعالیت‌های فرهنگی آغاز یافت و شخصیت زن در آثار ادبی نقش بارزتری پیدا کرد؟

۶- بخش‌های اصلی نامه‌های خصوصی را نام بگیرید.



۱- در مورد راه‌های رشد فعالیت‌های زنان در عرصهٔ ادبیات متنی بنویسید که از ده سطر کم نباشد.

۲- بیت‌های زیر را به حافظه بسپارید:

ای برده‌ها ز خویش بلالی برآورید / از کاروان روح کمالی بـــرآوریـــد

ای دختران بادیه، ای همرهان من / از هجر سرنوشت وصالی برآوریـد

خالده فروغ

۳- متن کامل درس نهم را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.

درس نهم

شاگردان به پرسش‌های آتی پاسخ دهند:
۱- شعر علم و عقل از کدام شاعر است؟
۲- اولین بیت سطر علم و عقل چه معنا دارد؟
۳- از مفهوم کلی بیت چه‌آموختید؟

علم و عقل

خـــاتم مُـــلک سلیمان اسـت علـم — جمله عالم صورت و جان است علم
آدم خـــاکی ز حـق آمـــوخت علـم — تـــا بـــه هفتم آسمان افروخت علم
هین مکش تـو بر هوی این بار علم — تـا شوی راکب تـــو بـــر رهوار علم
علم‌هـای اهـــل دل حمـال شـــان — عـلم‌هـای اهـــل تن احمال شـــان
علم چـــون بر دل زنـــد یاری شود — علم چـــون بـــر تن زند ماری شود
علـم دریـایی‌ست بی‌حـــد و کنـــار — طالب علـــم است غـــواص بحـــار
صیقل عقلـــت بدان داده است حـق — کـــه بـــدو روشن کنی دل را ورق
گفت پیغمبر که احمق هر کـه است — او عـــدوی ما و غول و رهزن است
هر که او عاقل بود، او جـان مـاست — رُوح او و رَوح او ریحـــان مـــاست
آفت مـــرغ است چشم کـــام‌بیـــن — مخلص مـــرغست عـقل دام‌بیـــن

عقل خـــود با عقل یاری یار کن
«اَمْرُهُمْ شُوْری» بخوان و کار کن

از مولانای بلخی



* علم در لغت به معنای یقین‌کردن، دانستن، معرفت و دانش است و در اصطلاح معرفت

دقیق و بادلیل بر کیفیات معین و یا حضور معلوم در نزد عالم.

* عقل در لغت دریافتن، دانستن، قوتِ ادراک حسن اعمال و تمییز نیک و بد امور را گویند و در اصطلاح، عقل جوهری است مجرد که غایبات را به وسیلهٔ وسایط و محسوسات را به وسیلهٔ مشاهده درک می‌کند و نیز گویند چیزی که حقایق اشیا را دریابد.

* خاتم سلیمان: انگشتری‌یی که سلیمان علیه‌السلام در دست داشت و به وسیلهٔ آن بر انسان‌ها و تمام دیوان و جانوران پادشاهی می‌کرد. صنعت تلمیح آن است که گوینده در ضمن شعر به قصه یا مثلی معروف اشاره کند.

«و اَمْرُهُمْ شُوْری بینهم» اشاره به آیهٔ ۳۸ سورهٔ شوری است.

ترجمه: و کار شان در میان شان مشورت است.

بیت دوم: اشاره است به آیهٔ ۳۱ سورهٔ بقره.

«وَعَلَّمَ آدَمَ الأَسْمَاء كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلاَئِكَةِ فَقَالَ أَنبِئُونِي بِأَسْمَاء هَـؤُلاء إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ»(۳۱)

ترجمه: و [خدا] همه [معانی] نام‌ها را به آدم آموخت؛ سپس آن‌ها را بر فرشته‌گان عرضه نمود و فرمود اگر راست می‌گویید از اسامی این‌ها به من خبر دهید.

نظر به فحوای آیهٔ کریمه استنباط می‌شود که مقام آدم علیه السلام بلندتر از ملایک است.

بیاموزیم

۱- آموختن و آموختاندن علم و دانش باعث سرافرازی انسان در دنیا و آخرت می‌گردد و روح انسان را جاویدان می‌سازد. بر ما لازم است تا در کسب علم و دانش کوشش نماییم و اندوخته‌های خویش را در راه خیر و فلاح مردم و کشور خود به کار بریم.



• بخش‌های اصلی نامهٔ شخص به دفتر رسمی

این گونه نامه، نوع دیگری از نامه‌هاست، که ما آن را به نام عریضه و درخواست می‌شناسیم. این‌گونه نامه‌ها چه در بیان تقاضا و طلب باشد و چه در بیان آگاهی و یا پرسش، دارای بخش‌هایی است مانند بخش‌های اصلی نامه‌های خصوصی با اندکی تفاوت که در زیر به شرح آن می‌پردازیم:

۱- نشانی کامل فرستنده (کنار راست در بالای صفحه)

۲- نشانی کامل گیرنده (کنار چپ در بالای صفحه)

۳- تاریخ (کنار چپ صفحه در زیر نشانی گیرنده)

۴- موضوع (کنار چپ صفحه در زیر تاریخ)

۵- عنوان که در خطاب به گیرندهٔ نامه نوشته می‌شود.

۶- آغاز نامه (عبارت و جمله‌های احترامی آغازی)

۷- متن نامه

۸- پایان نامه (عبارت احترامی پایانی)

۹- نام و نام خانواده‌گی نویسنده و ذکر مشخصات او (کنار چپ صفحه)

۱۰- امضا (حتمی است)

۱۱- ذکر ضمیمه‌ها با تعداد اوراق آن (کنار راست صفحه، سه سانتی متر پایین‌تر از امضا)

۱۲- گذاشتن حد اقل پنج سانتی‌متر فاصلهٔ سفید در پایین صفحه به منظور ارجاع، ملاحظه، یادداشت و....

کار گروهی و سخنرانی

۱- شاگردان به چند گروه تقسیم شوند و پیرامون مفهوم شعر به بحث و گفتگو بپردازند؛ سپس از هر گروه، یک نفر، مقابل صنف آمده و نتیجه را به دیگران بیان نماید.

۲- یک تن از شاگردان در برابر صنف آمده در بارهٔ هدف کلی شعر «علم و عقل» معلومات ارائه کند.

املا و نگارش

۱- متنی را که معلم گرامی به خوانش می‌گیرد، به صورت املا در کتابچه‌های تان بنویسید.

۲- با درنظرداشت قواعدی که در آیین نامه‌نگاری خوانده اید، در کتابچه‌های تان، متن کامل نامهٔ یک شخص را به دفتر رسمی بنویسید.



۱- از شعری که خواندید چه آموختید؟

۲- مفهوم کلی درس را بیان نمایید.

۳- شاعر در شعر «علم و عقل» کدام مفاهیم را بیان کرده است؟

۴- مفهوم بیت زیر را بیان کنید:

علم چون بر دل زند یاری شود   علم چون بر تن زند ماری شود

علم دریـایی است بی‌حد و کنار   طالب علم است غواص بــحار

مولانا جلال‌الدین بلخی

۵- نامهٔ شخصی به دفتر رسمی شامل کدام بخش‌ها می‌باشد؟



۱- در بارهٔ علم و عقل یک مقاله در هفت سطر بنویسید.

۲- این بیت را به حافظه بسپارید:

عقل دل را به عــلم بــنگارد   عــلم جــان را به آسمان آرد

اوحدی

۳- متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.

درس دهم

شاگردان به پرسش‌های زیر پاسخ دهند:

۱- اندرز چه معنا دارد؟
۲- پند و اندرز چه نقش را در تربیت جوانان ایفا می‌کند؟
۳- گشاده‌دست باش؛ اما زیاده‌روی مکن، یعنی چه؟ توضیح دهید.
٤- چند اندرز سودمندی را که به خاطر دارید بگویید.

اندرزهای سودمند

اندرزهای سودمند، نتیجهٔ یک عمر تلاش، تفکر و تجربهٔ انسان‌های سخت‌کوشی است که با آگاهی از آن‌ها می‌توان در مسیر زنده‌گی، راحت و عاقلانه‌تر قدم برداشت.

- داناترین مردم کسانی اند که از مردم نادان فرار کنند.
- دانا زنده است؛ اگر چه بمیرد و نادان مرده است؛ هر چند که زنده باشد.
- زیبایی سخن در کوتاهی و اختصار آن است.
- همدردی، سرآغاز توانایی است.
- انسان والا همیشه به شرافت می‌اندیشد و انسان عادی به آسایش خود.
- بهترین انسان، کسی است که در حق همه نیکی کند.
- بهترین مردم، کسانی اند که خیر شان به دیگران برسد.
- مشورت کردن، عین هدایت است؛ هر کس به رأی خود اکتفا کند خود را به خطر انداخته است.
- گشاده‌دست باش؛ اما زیاده‌روی مکن.
- دانش، ارثی است ارزنده؛ ادب، زیوری است پاینده و تفکر آیینه‌یی است تابنده.
- نیرومند، کسی است که بر خویشتن مسلط شود.
- یا درست حرف بزن، یا عاقلانه سکوت کن.
- با مردم نیکو سخن بگویید تا پاسخ نیکو و پسندیده بشنوید.
- علم، نعمت بزرگی است که در زنده‌گی تاج افتخار و پس از مرگ یادگار درخشان خواهد بود.
- خردمند به کار خویش تکیه می‌کند و نادان به آرزوی خویش.
- حرف‌زدن بدون فکر، مانند تیراندازی بدون هدف است.
- با راستی است که گفتار زینت پیدا می‌کند.
- صبور باش که صبوری ترازوی عقل و نشانهٔ توفیق است.
- از قضاوت‌های تند و عجولانه بپرهیزید.

– داناترین مردم، کسی است که دانش مردم را به دانش خود جمع کند.
– توانگر واقعی کسی است که چشمش به دیگران نباشد.
– تفاهم از محبت و تفاوت از عداوت سرچشمه می‌گیرند.
– فرصت‌ها را از دست دادن اندوه به بار می‌آورد.
– نخستین نیکی به دیگران، روی باز و خندان داشتن است.
– تا توانی دلی به دست آور، دل شکستن هنر نمی‌باشد.
– انسان باوقار بزرگ است و انسان متکبر کوچک.
– اگر پیری پند ده و اگر جوانی پند گیر.
– نخست خواهند پرسید هنرت چیست؛ نگویند پدرت کیست.
– در انجام کارهای خوب از یکدیگر پیشی جویید.
– در نیکی و تقوا یکدیگر را یاری نمایید. (۱)
– در رفتارت میانه‌روی پیشه کن و سخن به نرمی و آرامی بگو.
– مؤمن، کسی است که از سخنان بیهوده دوری جوید.
– کسی که می‌خواهد خدا با او سخن گوید قرآن بخواند.

در ادبیات فارسی دری پند و اندرز در زبان شعر نیز متجلی گردیده است، که هدف از آن تعلیم و تربیت و رهنمایی انسان‌ها به راه نیک است. از میان گنجینه‌های بزرگ نظم و نثر دری چند بیتی از نظامی گنجه‌یی را برگزیده ایم که محتوای آن‌ها پند و اندرز است.

عیب کسان منگر و احسان خویش — دیده فرو بر به گریبان خویش
آیینه روزی که بگیری به دست — خود شکن آن روز مشو خودپرست
عمر به خوشنودی دل‌ها گذار — تا ز تو خوشنود شود کردگار
گرم شو از مهر و ز کین سرد باش — چون مه و خورشید جوان‌مرد باش
هر که به نیکی عمل آغاز کرد — نیکی او روی بدو باز کرد

نظامی گنجه‌یی

بیاموزیم

۱– در نیکی و تقوا یکدیگر را یاری نمایید. اشاره است به آیهٔ مبارکهٔ: «وَتَعَاوَنُواْ عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى»



• نکات ضروری در نامهٔ شخص به دفتر رسمی

وقتی برای اداره، دفتر رسمی و یا شخص مهمی نامه می‌نویسیم که رابطهٔ کاری با او داریم؛ در چنین مواردی نمی‌شود از روش نامهٔ دوستانه استفاده کرد و این کار نوعی توهین به شخص گیرنده محسوب می‌شود. نوشتن این گونه نامه‌ها مستلزم رعایت یک سلسله نکات ضروری است که در زیر به توضیح آن‌ها می‌پردازیم:

۱– نامه باید از یک طرف صفحه به شکل منظم نوشته شود و نباید در حاشیهٔ آن چیزی بنویسیم.

۲– متن نامه باید با نهایت دقت در صحت مطالب تهیه شود.

۳– متن نامه باید شایستهٔ فرد گیرنده باشد و پست و مقام شغلی فرد گیرنده در نظر گرفته شود.

۴– در نامه باید شیوایی بیان و روانی مطلب نیز در نظر گرفته شود و نباید از لغت‌های نامانوس استفاده گردد.

۵– از حشو (به کار بردن کلام زاید) خودداری شود.

۶– در نامهٔ رسمی به هیچ وجه نباید از کلمه‌ها و جمله‌های عامیانه استفاده کرد.

۷– نشانه‌های نگارشی (کامه، سمیکولن، نقطه و...) را باید درست و در جای آن به کار برد.

۸– در نوشتن نامه باید از استفادهٔ جمله‌های توهین‌آمیز، تهدیدآمیز و مشکل‌آفرین خودداری کرد.

۹– نامه باید در کاغذ مناسب نوشته شود تا امکان ارجاع و حاشیه‌نویسی در آن وجود داشته باشد.

۱۰– نامه تا حد امکان باید تایپ شود یا حد اقل با خط خوانا نوشته شود.

۱۱– سلسلهٔ مراتب باید رعایت شود. عدم رعایت سلسلهٔ مراتب، توهین تلقی می‌شود.

۱۲– اگر مخاطب نامه را نمی‌شناسیم، نامه را باید با یک عنوان کلی بنویسیم؛ در هر اداره یک سیستم تفکیک نامه وجود دارد که باعث ارسال نامه به مکان مورد نظر می‌شود.

۱۳– اگر نامه به وسیلهٔ انترنت مکاتبه شود:

الف) از رنگ‌های ملایم (مثل آبی) استفاده گردد.   ب) نامه باید با فونت بزرگ تایپ نگردد؛ زیرا نوعی توهین محسوب می‌شود.

ج) ارسال تعداد زیاد ایمیل برای یک مکان کار درستی نیست.

کار گروهی و سخنرانی

۱- شاگردان به چند گروه تقسیم شوند و پیرامون اهمیت اندرزهای مفید و سودمند به بحث و گفتگو بپردازند؛ سپس از هر گروه یک‌یک نفر مقابل صنف آمده و نتیجه را به دیگران بیان نمایند.

۲- یک تن از شاگردان در برابر صنف آمده، چند اندرز مفید و سودمند را شرح و توضیح دهد.

۳- چند شاگرد پیرامون بیت‌های زیر صحبت نمایند:

گرم شو از مهر و ز کین سرد باش   چون مه و خورشید جوان‌مرد باش
هر که به نیکی عمل آغاز کرد   نیکی او روی بدو باز کرد

املا و نگارش

۱- متنی را که معلم گرامی به خوانش می‌گیرد، به صورت املا در کتابچه‌های‌تان بنویسید.

۲- با درنظرداشت قواعدی که خواندید، یک نامهٔ رسمی و کامل در کتابچه‌های‌تان بنویسید.



۱- اندرزها و نصایح چه معنا و مفهومی را ارائه می‌کنند؟

۲- سه اندرز مفید و سودمندی را که خواندید به انتخاب خود توضیح دهید.

۳- برای کسانی که به اندرزها و نصایح سودمند بزرگان گوش فرا نمی‌دهند، چه مشوره می‌دهید؟

۴- چند نکتهٔ عمدهٔ نامهٔ شخص به دفتر رسمی را بیان کنید.

۵- بیت زیر چه مفهوم را ارائه می‌کند:

عیب کسان منگر و احسان خویش   دیده فرو بر به گریبان خویش



۱- در بارهٔ نصایح و اندرزهای مفید و سودمند و نقش آن‌ها در جامعه چند سطر بنویسید.

۲- این بیت را به حافظه بسپارید:

آسایش دو گیتی تفسیر این دو حرف است   با دوستان مروت با دشمنان مدارا
حافظ

۳- متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.

درس یازدهم

شاگردان به پرسش‌های زیر پاسخ دهند:

۱- داستان کوتاه چیست؟

۲- ویژه‌گی‌های داستان کوتاه را بیان دارید.

۳- در بارهٔ داستان بلند یا رمان چه می‌دانید؟

٤- خیال‌پردازی در داستان چه نقش دارد؟ بیان دارید.

داستان کوتاه



داستان، بیان سرگذشت انسان یا انسان‌هاست. در طول زمان و بر محور توالی حادثه یا حوادثی که شکل‌دهندهٔ آن زنده‌گی است و به طور عمده به بررسی روابط علت و معلول می‌پردازد و یا رعایت روابط علت و معلول در آن ملحوظ است. داستان دست انسان را می‌گیرد و به زوایای تاریک روح بشر می‌برد و حوادث را به نحوی بیان می‌کند که یا موجب عبرت شود و یا به قول ارسطو به پالایش روان بینجامد؛ این حوادث به صورت داستان بیان می‌شود. داستان اگر طولانی باشد به نام رومان و اگر طولانی نباشد به نام داستان کوتاه یاد می‌شود.

داستان کوتاه شرح ماجرایی است که غالباً پیرامون یک موضوع یا یک شخص معین در کمال ایجاز. به عبارت دیگر در داستان کوتاه، نویسنده یکی از جنبه‌ها یا نمودهای زنده‌گانی قهرمان یا شخصیت مورد نظر خود را تحلیل می‌کند و اعمال و گفتار او را که بنابر انگیزه‌یی در خلال حادثه‌یی به منصهٔ ظهور رسیده است، در نظر خواننده مجسم می‌نماید. از ویژه‌گی‌ها و لوازم یک داستان کوتاه خوب، تازه‌گی موضوع، هیجان‌انگیزی، زیبایی و دیگر ظرافت‌های هنری؛ همچنان عمق اندیشه و قدرت تخیل نویسنده در ساخت و پرداخت واقعه مورد نظر است.

برخی از منتقدان هنری به داستانی که کمتر از دو هزار و پنجصد کلمه داشته باشد، داستان کوتاه و به داستانی که بیش از دو هزار و پنجصد کلمه و بین ده تا پانزده هزار واژه دارد، داستان بلند و از پانزده هزار کلمه بیشتر، رمان کوتاه و از پنجاه هزار کلمه به بالا را رمان بلند گفته اند.

ویژه‌گی‌های داستان کوتاه

۱- طرح داستان: عبارت از شالودهٔ اصلی داستان، در حقیقت طرح نقشهٔ کار برای نویسنده است که در آن می‌تواند به روابط افراد و کشش موضوع و کل حوادث بر اساس پیوسته‌گی روابط علت و معلول، به ویژه ایجاد احساس انتظار در خواننده، بپردازد.

۲- شخصیت‌پردازی: یعنی شناخت دقیق شخصیت در داستان برای خود نویسنده که موجب می‌شود بتواند آن را برای خواننده به خوبی به تصویر بکشد و خواننده آن را شناخته و به درستی در مسیر حوادث قرار گیرد.

۳- زاویهٔ دید: چگونه‌گی روایت داستان، نکته‌یی برجسته در نگارش داستان است. این که نویسنده، داستان را از زبان چه کسی روایت کند، بسیار اهمیت دارد. هر نویسنده‌یی برای بیان داستان، شیوه‌یی را که متناسب با هدف و شخصیت‌های داستان است، انتخاب می‌کند. داستان، گاه داستان از زبان یکی از قهرمانان بیان می‌شود؛ گاه نویسنده به عنوان راوی، قصه را بیان می‌کند؛ گاه داستان از زبان شخص اول بیان می‌شود؛ اما در طول داستان، راوی تغییر می‌کند؛ گاه به صورت یادداشت روزانه نگارش می‌یابد و گاه به صورت نامه‌نگاری بین دو یا چند نفر. انتخاب درست و سنجیدهٔ زاویهٔ دید و شکل روایت داستان بسیار مهم است.

۴- خیال‌پردازی: وسعت دید خواننده را گسترش می‌دهد و نویسنده نیز با استفاده از تخیل به بررسی شخصیت‌های داستان می‌پردازد.

۵- پیام داستان: پیام یک داستان، همان روح حاکم بر داستان و درون‌مایهٔ آن است. نتیجه‌یی کلی که داستان آن را به طور واضح بیان کرده است یا ما نتیجه را از آن استنباط می‌کنیم.

۶- سمبول و کنایه: مراد از سمبول آن است که یک واژه یا مفهوم سمبولیک معنا و مفهومی فراتر از معنای ظاهری خود داشته باشد و می‌تواند به اشکال گوناگون رخ نماید. داستان‌نویس می‌تواند از انواع کنایه به این شرح استفاده کند:

الف) تجربیات پیچیدهٔ خود را بیان کند.
ب) داستان را به طور غیر مستقیم و سنجیده، ارزیابی کند.
ج) اختصار را رعایت نماید. کنایه نیز مانند سمبول، به نویسنده امکان می‌دهد تا بدون این که مفاهیم را صریح بگوید، آن‌ها را به خواننده منعکس کند.

۷- احساس و طنز: ادبیات داستانی، عواطف خفتهٔ ما را بیدار کرده، به غلیان می‌آورد و از این راه درک ما را از مسایل سرشارتر و عمیق‌تر می‌کند. برخی از داستان‌ها مــــا را می‌خنداند؛ برخی هم می‌گریاند و بعضی هم ما را به وحشت می‌اندازد. با همهٔ این‌ها، داستانی در واقع پرمعنا است که احساس را به طور غیر مستقیم در خواننده برانگیزد نه به طور مستقیم. در ضمن گاه از شنیدن لطیفه‌یی به خنده می‌افتیم و داستانی هم که در آن همهٔ نیرو به کار رفته تا ما را بخنداند، احتمال دارد هم مطبوع باشد و هم موجب رنجش کسی نشود. طنز چه در قالب سخنان دلنشین که متضمن شوخی باشد و چه نیشدار و گزنده و انتقادآمیز؛ تنها هنگامی ارزشمند خواهد بود که ناشی از برداشت صحیح از زنده‌گی باشد.

در ادبیات دری، نگارش داستان، سابقه‌یی طولانی دارد و از ادوار گذشته داستان‌هایی؛ چون اسکندرنامه و داراب‌نامه به جا مانده است؛ اما پیشینهٔ نوشتن رمان و داستان کوتاه به مفهوم اروپایی آن مطابق ضوابط ادبی‌یی که نویسنده‌گان مغرب‌زمین رعایت می‌کنند از صد سال اخیر تجاوز نمی‌کند و از این زمان است که در زبان دری رمان و داستان کوتاه جای قصه‌ها و افسانه‌های کهن را می‌گیرد. به طور کلی، داستان کوتاه قالبی است که در عرصهٔ نویسنده‌گی امروز جهان دارای جایگاهی والاست و تنوع موضوع در آن از هر نوع ادبی دیگر بیشتر است و به واسطهٔ عدم رغبتی که نسل امروز به مطالعهٔ آثار مفصل و نوشته‌های بلند پیدا کرده اند، به تدریج انواع رمان یا داستان‌های بلند، جای خود را به داستان‌های کوتاه سپرده است.



* هنر: شناسایی همهٔ قوانین عملی مربوط به شغل، فن و یا معرفت امری توأم با ظرافت و ریزه‌کاری می‌باشد.

* اسکندرنامه: یکی از پنج مثنوی معروف نظامی گنجه‌یی است که شامل دو قسمت می‌باشد، یکی شرف‌نامه و دیگری اقبال‌نامه است.

بیاموزیم

۱- داستان کوتاه، شرح ماجرایی است غالباً پیرامون یک موضوع یا یک شخص معین و در کمال ایجاز نوشته می‌شود.

۲- از ویژه‌گی‌های یک داستان کوتاه خوب: تازه‌گی موضوع، هیجان‌انگیزی، زیبایی و دیگر ظرافت‌های هنری؛ هم‌چنین عمق اندیشه و قدرت تخیل نویسنده در ساخت و پرداخت واقعهٔ مورد نظر است.

۳- از ویژه‌گی‌های داستان کوتاه می‌توان طرح داستان، شخصیت‌پردازی، زاویهٔ دید یا چگونه‌گی روایت داستان، خیال‌پردازی، پیام داستان، را نام برد.

۴- داستان کوتاه، قالبی است که در عرصهٔ نویسنده‌گی امروز جهان، دارای جایگاه والای است.



• آدرس‌نویسی روی پاکت نامه‌ها

نوشتن آدرس یا نشانی در زبان دری دقیقاً برخلاف بسیاری از زبان‌ها، از جمله انگلیسی است. بدین معنا که از موارد بزرگ‌تر به سمت موارد کوچک‌تر می‌رود؛ به ترتیب زیر:

۱- نام کشور ۲- نام ولایت ۳- نام ولسوالی ۴- نام قریه ۵- نام ناحیه ۶- نام یا شمارهٔ سرک ۷- نام یا شمارهٔ کوچه ۸- شمارهٔ منزل ۹- نام و نام خانواده‌گی گیرنده.

تفصیلات

۱- در همه زبان‌هایی‌که از راست به چپ نوشته می‌شوند (دری، پشتو، عربی، اوزبیکی و...)، قاعده همان است که در بالا گفتیم؛ یعنی از موارد بزرگ آغاز و به سوی موارد کوچک باید رفت.

۲- اگر نامه به کشور فرستاده می‌شود که ترتیب نوشتاری آن کشور از راست به چپ است، در آن صورت، عین قاعدهٔ بالا بر آدرس گیرنده و فرستنده تطبیق می‌شود.

۳- اگر نامه به داخل کشور فرستاده می‌شود، دیگر نوشتن نام کشور ضروری نیست.
۴- اگر نامه از مرکز یک ولایت به مرکز ولایت دیگری فرستاده می‌شود، طبیعی است که نام ولسوالی و قریه نوشته می‌شود.
۵- آدرس فرستنده به ترتیبی که گفتیم، در سمت چپ، کنار بالایی پاکت نوشته می‌شود.
۶- آدرس گیرنده به همان ترتیب در سمت راست، کنار پایینی پاکت نوشته می‌شود.

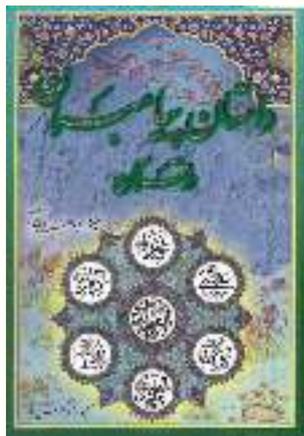
محل نصب
تکت پستی

فرستنده: کابل - قلعهٔ فتح الله خان، ناحیهٔ دهم،
سرک ۸، منزل شماره (۳۱۱)، انجنیر رحیم گل.

گیرنده: بامیان- ولسوالی پنجاب، قریهٔ تگاب برگ،
پهلوی مکتب ذکور، منزل احمد حسین خان.

کارگروهی و سخنرانی

۱- شاگردان به چند گروه تقسیم شوند و پیرامون داستان کوتاه و ویژه‌گی‌های آن به بحث و گفتگو بپردازند؛ سپس از هر گروه یک یک نفر مقابل صنف آمده و نتیجه را به دیگران بیان کند.



۲- یک تن از شاگردان در برابر صنف آمده، پیرامون طرح داستان، شخصیت‌پردازی، زاویهٔ دید، خیال‌پردازی و پیام داستان توضیحات لازم را ارائه کند.
۳- چند شاگرد تصویر را با موضوع درس ارتباط داده، در مورد آن سخنرانی کنند.

املا و نگارش

۱- متنی را که معلم گرامی به خوانش می‌گیرد در کتابچه‌های خود املا بنویسید.
۲- آدرس‌نویسی را با درنظرداشت قواعدی که خواندید، در کتابچه‌های‌تان تمرین کنید.



۱- در طرح داستان کدام نکات در نظر گرفته می‌شود؟
۲- زاویهٔ دید در داستان چقدر مهم پنداشته می‌شود؟
۳- در بارهٔ آدرس‌نویسی روی پاکت نامه‌ها معلومات دهید.
۴- یک شاگرد، آدرس‌نویسی بالای پاکت مراسلات را روی تخته تمرین کند.

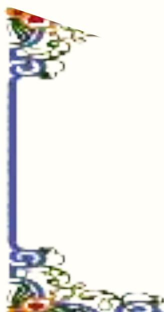


۱- در بارهٔ ویژه‌گی‌های داستان، معلومات لازم تحریر بدارید.
۲- این بیت را به حافظه بسپارید:

ای مهـــر رخت صیقـــل آیینـــهٔ جان‌ها   سودای تو در قلب یقین‌ها و گمان‌ها
در صحن چمن نـارون و سوسـن و سنبل   از بهـــر ثنای تو گشـودنــد زبان‌ها

سیدای کُرخی

۳- متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.



درس دوازدهم

شاگردان به پرسش‌های زیر پاسخ دهند:
۱- مقصود از محتوای شعر چیست؟
۲- اشعار حماسی به چه نوع اشعار گفته می‌شود؟
۳- کدام کتاب نظامی گنجه‌یی در زمرهٔ آثار حماسی به شمار می‌رود؟
٤- شعر غنایی چه نوع شعری است؟



انواع شعر دری از لحاظ محتوا



مقصود از محتوای شعر، موضوعات شعری و نوع افکار، عواطف، حالات و تجربیات شاعران و مقاصدی است که آنان در کلام منظوم یا آفرینش‌های شعری خود بیان داشته اند.
هر چند که مقاصد و نیات شاعران نامحدود است و گاه یک مقصود ممکن است خود مرکب از موضوعات مختلف و متأثر از تجربیات گوناگون باشد، با وجود این، شاید در بررسی اشعار دری از نظر محتوا و موضوعات شعری و نوع اندیشه و احساس گوینده‌گان آن‌ها بتوان تقسیم‌بندی زیر را ارائه کرد:

۱- **اشعار حماسی:** که در آن‌ها از جنگ‌ها و دلاوری‌ها سخن می‌رود و علاوه بر توصیف پهلوانی‌ها، شجاعت‌ها در میدان‌های جنگ، عقاید و آرای اخلاقی، آداب و رسوم، مظاهر فرهنگ و تمدن یک ملت نیز در آن‌ها منعکس می‌شود؛ نمونهٔ کامل شعر حماسی در زبان دری، شاهنامهٔ فردوسی است.

منظومه‌های حماسی خود به سه نوع تقسیم می‌شوند: حماسه‌های اساطیری و ملی، نظیر شاهنامه، حماسه‌های تاریخی، مانند اسکندرنامهٔ نظامی گنجه‌یی و حماسه‌های دینی، نظیر خاوران‌نامهٔ ابن حسام خوسفی ۸۷۵ هـ . ق. و غیره.

۲- **اشعار غنایی:** که موضوع آن‌ها، لذت‌ها، شادی‌ها و غم‌ها است. در قلمرو شعر دری، وسیع‌ترین افق معنوی و عاطفی از آن اشعار غنایی است و بارزترین نوع شعر غنایی، غزل است؛ که خود به دو نوع عاشقانه وعارفانه تقسیم می‌شود.

در غزلیات دری، غیر از بیان حالات گوناگون عشق و آرزومندی و شرح ایام هجران و وصل، معانی دیگری از جمله توصیف مناظر زیبای طبیعت، بهار، پاییز، شب، صبح و نظایر آن اظهار می‌گردد. غزلیات شاعرانی؛ مانند: مولوی، سعدی، حافظ و مثنوی‌های عاشقانه‌یی؛ چون: خسرو و شیرین و لیلی و مجنون نظامی گنجه‌یی و رباعیات خیام، نمونه‌های ممتاز از شعر غنایی در زبان دری است.

۳- **اشعار مدحی:** که موضوع آن‌ها ستایش از خصلت‌ها و صفات نیک کسی است. در این نوع شعر، شاعر سجایای اخلاقی ممدوح را می‌ستاید و از رفتار و موفقیت‌های او تمجید می‌کند.

اشعار مدحی غالباً در قالب قصیده بیان می‌شوند و شاعر بیشتر قصیده را با تغزل و تشبیب آغاز می‌کند و سرانجام آن را با دعای ممدوح، ختم می‌کند؛ مانند قصاید شاعرانی؛ چون: عنصری، منوچهری، فرخی سیستانی، امیر معزی، انوری و غیره. در اشعار مدحی ممدوح شاعر، سلطان، امیر و قدرتمندی سیاسی است یا شخصیتی؛ چون پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم و سایر بزرگان دین و دانش اند.

٤- **اشعار دینی:** شامل سروده‌هایی است که محتوای آن‌ها موضوعات دینی نظیر توحید باری تعالی، یا سرگذشت پیشوایان دین و مناقب و مصایب آن‌هاست. دیباچهٔ اغلب دیوان‌های شاعران دری که اختصاص به ستایش خداوند و نعت رسول اکرم ﷺ دارد و آثاری که در منظومه‌های شاعرانی؛ چون: فردوسی، ناصر خسرو قبادیانی، سنایی غزنوی، خاقانی شروانی، نظامی گنجه‌یی، جلال‌الدین بلخی، سعدی، عبدالرحمان جامی، محتشم کاشانی و از شعرای متأخر؛ مانند ادیب الممالک فراهانی و ملک الشعراء بهار وجود دارند و در بارهٔ موضوعات مختلف مذهبی سروده شده اند، جزء این دسته اشعار محسوب می‌شوند.

٥- **اشعار انتقادی:** در این گونه اشعار، شاعر معایب و نارسایی‌های اخلاقی و رفتاری فرد یا اجتماع را به صورت هجو یا هزل و طنز و یا به زبان غیر جدی بیان می‌کند. در آثار شاعرانی؛ چون ناصر خسرو قبادیانی، انوری، خاقانی، خواجوی کرمانی، سعدی، ظهیر فاریابی و جمال‌الدین اصفهانی به بیت‌ها، قطعه‌ها و قصیده‌های بر می‌خوریم که اندیشه‌های انتقادی قوی در آن‌ها دیده می‌شود؛ همچنان در بسیاری از رباعیات خیام نیشاپوری. انتقاد به صورت هجو و هزل در دیوان‌های شاعرانی؛ چون: سوزنی سمرقندی، حکیم جلال کوشکی قاینی، انوری و سنایی نیز وجود دارد. از میان شاعران زبان دری که به سرودن اشعار انتقادی پرداخته اند، آثار نویسنده و شاعر خوش‌ذوق قرن هشتم هجری نظام‌الدین عبید زاکانی قزوینی ۷۷۱ هـ . ق. مشهور است. او با لهجهٔ ادبی بسیار دلچسپ انتقادات تندی را نسبت

به جامعه و محیط خویش بیان داشته است. شعر انتقادی پس از عبید، توسط شاعرانی، چون: قاآنی، یغمایی جندقی و در دورهٔ معاصر به وسیلهٔ گوینده‌گانی نظیر: سید اشرف‌الدین گیلانی، میرزا زادهٔ عشقی، ایرج میرزا، دهخدا و ملک الشعرا بهار دنبال شده است.

۶- اشعار مرثیه: مرثیه، نوعی شعر است که به یاد مرده و در ذکر محاسن او و تأسف از مرگ وی سروده می‌شود؛ به ویژه اشعاری که در ذکر مصایب و شرح شهادت پیشوایان دین می‌باشد. در آثار شاعران دری‌زبان از قدیم‌ترین زمان‌های تاریخ ادبیات دری تا کنون مرثیه‌های فراوانی وجود دارد که گوینده‌گان آن‌ها در سوگ فرزند، دوست، ممدوح خود و یا پیشوایان مذهبی سروده اند و مشهورترین آن‌ها آثار زیر اند:

مرثیهٔ رودکی سمرقندی در مرگ امیر اسماعیل سامانی و شعری که در فوت شهید بلخی گفته است، مرثیهٔ حکیم ابوالقاسم فردوسی در غم مرگ پسر سی و هفت ساله‌اش و مرثیهٔ فرخی سیستانی در فوت سلطان محمود غزنوی.

۷- اشعار تهنیت: تهنیت به معنای مبارک‌باد و خوش‌آمد گفتن است و از لحاظ مضمون، عکس مرثیه و تعزیت است؛ زیرا شاعر تهنیت‌گو، ضمن شعر خود، شادمانی و نشاطش را از رویدادی خوش نظیر: فرا رسیدن اعیاد مذهبی و ملی و ایام فرخنده‌یی چون: سالروز میلاد پیامبر اکرم ﷺ و... ابراز می‌دارد.

در آثار منظوم دری تهنیت‌های زیادی که غالباً در قالب قصیده سروده شده، در شعر شاعرانی، چون: نظیر مسعود سعد سلمان، ظهیر فاریابی، انوری، سعدی، حافظ، خاقانی، سید حسن غزنوی و... وجود دارد.

۸- اشعار بث‌الشکوی: درد دل و شکایت کردن از رخدادهای رنج‌آور زنده‌گی است. هر شعری که محتوای آن برخاسته از دردهای درونی و اسرار غم‌انگیز شاعر و هدف از بیان آن عقده‌گشایی یا خبر کردن دیگران از حال شخص باشد، از نوع بث‌الشکوی محسوب می‌شود؛ مانند: شکایت از روزگار، گلایه از بی‌وفایی معشوق و هجران او و گله‌مندی از ناسپاسی و قدرناشناسی مردم زمانه.

۹- اشعار وصفی: در این گونه اشعار، شاعر گاه از طریق مشاهدهٔ مستقیم و عینی، صفات ظاهری اشخاص، مناظر طبیعت، فصل‌های سال و اشیا، یا به صورت کلی، عالم خارج و زیبایی‌های طبیعت را شرح می‌دهد و گاه به مدد نیروی تخیل و اندیشه به بام علم معنا و باطن آدمی بر می‌آید.

۱۰- اشعار قصصی: قصص جمع قصه است و قصه‌ها شامل رویدادهای خیالی یا واقعی از

زنده‌گی انسان‌هاست، که گاه به مدد نیروی تخیل شاعر برای حیوانات، پرنده‌گان، حتی اشیا نیز ساخته می‌شود و بسته به محتوا و درون‌مایهٔ خود و شیوهٔ بیان قصه‌پرداز به انواع رزمی و پهلوانی، بزمی، عاشقانه، عرفانی، اخلاقی، تاریخی، مذهبی (نظیر قصص قرآن مجید)، سیاسی، عامیانه، کودکانه، مطایبه‌آمیز و خنده‌آور و... تقسیم می‌شود. بهترین نمونه‌های آن را در آثار زیر در می‌یابیم:

ویس و رامین، حدیقةالحقیقه، منطق‌الطیر، مثنوی معنوی، پنج‌گنج، بوستان، هفت‌اورنگ و....

۱۱- **مناظره:** مناظره، گفتگویی است میان دو نفر که هر طرف سعی می‌کند با استدلال، برتری و حقانیت خود را بر دیگری به اثبات برساند.

مبتکر این نوع شعر در زبان فارسی دری، ابونصر علی بن احمد اسدی طوسی(۴۶۵) هـ . ق. سرایندهٔ گرشاسب‌نامه می‌باشد. مناظرات پنج‌گانهٔ اسدی که عبارت از مناظرهٔ عرب و عجم، آسمان و زمین، نیزه و کمان، شب و روز و مغ و مسلمان است، در قالب قصیده به نظم در آمده است.

۱۲- **شعرهای عامیانه و محلی:** محتوای این گونه شعرها، فرهنگ و ادب عامه است، که مجموعهٔ عقاید، اندیشه‌ها، آداب و رسوم عامهٔ مردم می‌باشد. اشعار عامیانه و محلی دری بیشتر در قالب دوبیتی و ترانه‌های عاشقانه سروده شده و موضوع آن‌ها: چیستان‌ها، ضرب‌المثل‌ها، لالایی‌ها و یا منظومه‌هایی است در قالب غزل، مثنوی، قطعه و چهارپاره‌های پیوسته، که در مراسمی چون: تعزیت، مولودی، عروسی، میلهٔ سمنک و دعای سفره خوانده می‌شود.



* شعر، سخن منظومی که دارای تخیل وزن و قافیه باشد.
* توحید: یکتا قرار دادن، خدا را یگانه دانستن و به یگانه‌گی خدا ایمان آوردن.
* مرثیه: شعر یا سخنی که در سوگواری و در مدح میت خوانده شود؛ مراثی جمع آن است.

بیاموزیم

شعر دری از لحاظ محتوا انواع و اقسام زیاد دارد که مهم‌ترین آن‌ها قرار زیر است:

۱- اشعار حماسی ۲- اشعار غنایی ۳- اشعار مدحی ۴- اشعار تعلیمی ۵- اشعار دینی ۶- اشعار انتقادی ۷- اشعار مرثیه ۸- اشعار تهنیت ۹- اشعار بث الشکوی ۱۰- اشعار وصفی

۱۱- اشعار قصصی ۱۲- مناظرات ۱۳- اشعار عامیانه و محلی.
اشعار عامیانه و محلی، دارای محتوای فرهنگ و ادب عامه است، که مجموعهٔ عقاید، اندیشه‌ها، آداب و رسوم عوام مردم را در بر می‌گیرد. اشعار عامیانه و محلی دری بیشتر در قالب دوبیتی و ترانه‌های عاشقانه و عارفانه سروده شده است.



• آدرس‌نویسی روی پاکت نامه‌های خارجی

نوشتن آدرس در زبان‌هایی که از چپ به راست نوشته می‌شوند، برخلاف زبان دری است؛ یعنی همیشه باید از موارد کوچک شروع و به طرف موارد بزرگ رفت. به ترتیب زیر:
۱- نام و نام خانواده‌گی گیرنده ۲- شمارهٔ منزل ۳- نام یا شمارهٔ عمارت ۴- نام یا شمارهٔ کوچه ۵- شمارهٔ سرک ۶- نام روستا ۷- نام شهر ۸- نام ایالت یا ولایت ۹- کود پستی ۱۰- نام کشور.

From: افغانستان، کابل، کارتهٔ نو،
حوزهٔ هشتم، سرک ۳، کوچهٔ
ششم، منزل شماره ۴۲
احمد
Afghanistan

محل نصب
تکت پستی

To: Mrs. Kim Jennifer
1066 - 22 Lawrence St.
Scarborough, Ontario
M7X 3K8
Canada

تفصیلات

۱- اگر نامه به کشوری فرستاده می‌شود، که ترتیب نوشتاری آن کشور از چپ به راست است، در آن صورت، آدرس فرستنده مطابق قاعدهٔ دری نوشته شده و آدرس گیرنده مطابق به قاعدهٔ زبان‌های چپ به راست نوشته می‌شود.
۲- جاهای نوشتن آدرس فرستنده و گیرنده روی پاکت، تغییر نمی‌یابد؛ یعنی آدرس فرستنده در سمت چپ، کنار بالایی پاکت نوشته می‌شود و آدرس گیرنده در سمت راست، کنار پایینی آن.
۳- بهتر است در پایین آدرس فرستنده، کلمهٔ «Afghanistan» را با حروف لاتین بنویسیم؛ زیرا اگر گیرندهٔ نامه در آن کشور پیدا نشود، شرکت پستی کشور خارجی به آسانی

بداند که این نامه را به کدام کشور مسترد نماید و از مفقود شدن آن جلوگیری به عمل آید.

کار گروهی و سخنرانی

۱- شاگردان به چند گروه تقسیم شوند و پیرامون انواع شعر از لحاظ محتوا به بحث و گفتگو بپردازند؛ سپس از هر گروه یک نفر، مقابل صنف آمده و نتیجه را به دیگران بگوید.
۲- یک تن از شاگردان در برابر صنف آمده، فرق اشعار حماسی، غنایی و تعلیمی را به گونهٔ مختصر ارائه کند.

املا و نگارش

۱- متنی را که معلم گرامی به خوانش می‌گیرد، به صورت املا در کتابچه‌های تان بنویسید.
۲- مشخصات روی پاکت نامه‌های خارجی را با درنظرداشت قواعدی که در آیین نگارش خوانده اید، در کتابچه‌های‌تان بنویسید.



۱- مهم‌ترین انواع شعر، از لحاظ محتوا را نام بگیرید.
۲- مناظره به چه نوع شعری اطلاق می‌شود؟ توضیح دهید.
۳- شعرهای مدحی به چه نوع شعرهای گفته می‌شود؟
۴- فرق میان شعر از لحاظ قالب و شکل و از لحاظ محتوا چیست؟
۵- یک شاگرد مشخصات پاکت مراسلات خارجی را روی تخته بنویسد.



۱- در بارهٔ شعر دینی و شعر انتقادی در ده سطر معلومات دهید.
۲- این بیت را به حافظه بسپارید:

دلت را راست کن از راستکاری   که هست از راستکاری رستگاری

ناصر خسرو بلخی

۳- متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.

درس سیزدهم

شاگردان به پرسش‌های زیر پاسخ دهند:
۱- مولانا جلال‌الدین بلخی کی بود؟
۲- او از شمس تبریز چه الهام گرفت؟
۳- مهم‌ترین آثار او را نام ببرید.

مولانا جلال‌الدین محمد بلخی

مولانا جلال‌الدین محمد بلخی فرزند سلطان‌العلما بهاءالدین محمد بن حسین‌الخطیبی از بزرگترین شاعران متصوف و عارف افغانستان به سال ۶۰۴ هـ . ق. در بلخ که از مراکز فرهنگ و ادبیات منطقه شمرده می‌شد، تولد یافت. پدرش محمد بن حسین ملقب به بهاءالدین ولد بر حسب روایت، نوهٔ دختری علاءالدین خوارزمشاه بود و از فضلا، مشایخ و عرفا محسوب می‌شد که پیش خوارزمشاه تقرب داشت و در اثر نفوذ و شهرتی که پیدا کرده بود، مخالفان تصوف از او سعایت نمودند؛ پس مجبور به مهاجرت شد و با پسرش جلال‌الدین به تاریخ ۶۱۷ هـ . ق. از راه بغداد قصد سفر حج نمود. در این زمان، جلال‌الدین ۱۴ ساله بود.

بهاءالدین ولد در نیشاپور به دیدار شیخ فریدالدین عطار نایل آمد و او جلال‌الدین را در آغوش کشید و دعا خواند و مثنوی اسرارنامه را به او هدیه کرد. اولین تعلیم و تربیت و ارشاد جلال‌الدین در نزد پدرش بود و یک سال بعد از وفات او که به سال ۶۲۸ هـ . ق. اتفاق افتاد؛ سید برهان‌الدین محقق ترمذی که از شاگردان سابق بهاءالدین ولد بود و در این موقع در سلک خواص و اولیای اهل طریقت مقامی داشت، به قونیه آمد و جلال‌الدین از مجالس درس او کسب فیض نمود، جلال‌الدین نه سال تمام تحت ارشاد آن مرد عارف بود. بعد به عزم سیاحت و اخذ معرفت و درک مجلس اصحاب طریقت، مسافرت شام اختیار کرد تا روزی گردش روزگار او را با یکی از بزرگان زمان و نوادر دوران به یکجا آورد و این ملاقات در حیات جلال‌الدین تأثیر عظیم بخشید. این شخص کس دیگری نبود جز شمس‌الدین بن علی بن ملک داد تبریزی که ژولیده‌پیری از پیران صوفیه بود و نفسی گرم و جاذبهٔ بزرگ و بیان مؤثر داشت و از شهری به شهری راه می‌پیمود و با اهل راز و ریاضت و درویشان و عارفان انس و الفت می‌نمود تا این‌که در این موقع که سال ۶۴۲ هجری باشد به سراغ جلال‌الدین به قونیه آمد و در اولین نگاه بارقهٔ عشق و حقیقت را در چهرهٔ او دید و او را شیفتهٔ معنویت خود کرد و در بقیه عمر مرشد و قاید روحانی او گردید. از تعظیم و احترامی که جلال‌الدین در اشعار و اقوال خود نسبت به شمس ابراز نمود، نیک پیداست که تأثیر نفس او در جهان‌بینی جلال‌الدین بس عمیق بوده است.

ایــن نفس جـان دامنم بـرتافتست	بــوی پیراهــن ز یــوسف یــافتست
کــز بــرای حـق‌صحبـت سـال‌ها	بــازگو رمــزی از آن خـوش‌حـال‌ها
من چه گویم یک رگم هشیار نیست	شرح آن یــاری کـه آن را یـارنیست
خــود ثنا گفتن ز من تــرک ثناست	کـاین دلیل هستی و هستی خطاست
شرح این هجران و این خـون جگر	این زمــان بگــذار تــا وقـت دگـر
گفتمش پــوشیده خــوشتر سر یار	خــود تو در ضمن حکایت گوش دار
خــوشتر آن بــاشد کـه سر دلبران	گفتــه آیــد در حــدیث دیــگران

مثنوی معنوی نه‌تنها بزرگترین میوهٔ افکار و بهترین جلوهٔ اشعار مولانا جلال‌الدین است؛ بلکه بزرگترین اثر عرفانی و تمثیلی در زبان دری می‌باشد.

تأثیر مولانا جلال‌الدین در افکار و اذهان، بسیار و پیروان و مقلدان او بی‌شمار است، نه تنها نفوذ معنوی و ادبی استاد در افغانستان، ایران، هند و آسیای صغیر به کمال است؛ بلکه شهرتش به مغرب‌زمین هم رسیده و اشعارش به زبان‌های مختلف دنیا ترجمه گردیده است.

سبک و افکار: مولانا جلال‌الدین در سرایش شعر خود از حیث رسایی مقصود و اتفاق مطلب، لطافت معنا، باریکی اندیشه و صفا و پخته‌گی فکر عرفانی داد سخن داده است.



تصوف: طریقه‌یی که پیروان آن معتقد اند به وسیلهٔ تصفیهٔ باطن و تزکیهٔ نفس انوار حقایق بر قلب شخص اشراق کند. این طریقه در ادیان مختلف وجود دارد و در اسلام در قرن دوم هجری ظهور نموده است.

عرفان: در لغت به معنای شناختن و شناخت حق‌تعالی می‌باشد و یک پدیدهٔ اجتماعی و فرهنگی است که پایه‌های آن را احساس و عاطفهٔ انسانی می‌سازد و آن‌چه در عرفان مطرح است، روح و روان آدمی و عشق و شناخت حقیقت است.

بیاموزیم

۱- مولانا جلال‌الدین محمد بلخی در سال ۶۰۴ هـ. ق. در بلخ چشم به جهان هستی گشود.

۲- مثنوی معنوی بزرگترین اثر جلال‌الدین محمد بلخی بوده و کامل‌ترین دیوان عرفانی در زبان دری است که به تعداد بیست و شش هزار بیت و در ضمن شش دفتر در بحر رمل سروده شده است.



• کلمه‌های عنوانی و پایانی

بیشتر نامه‌ها با خطاب آغاز می‌شوند. در خطاب، نویسنده باید شأن و مقام مخاطب و وضع و موقعیت او را به کار برد و از کلمات درخور و مناسب استفاده نماید. همین کلمات و واژه‌های احترام‌آمیزی را که در آغاز نامه به مثابهٔ خطاب می‌آیند، به نام کلمه‌های عنوانی یاد می‌کنند؛ همچنان کلمه‌های احترامانه‌یی که پس از تمام شدن متن نامه، در پایان نامه می‌آیند، کلمه‌های پایانی نام دارند.

کلمه‌های عنوانی و کلمه‌های پایانی هر یک بار عاطفی خاصی دارند، که اگر هر یک از آن‌ها در جای مناسب خویش به کار نرود، یا خنده‌دار خواهد بود و یا توهین به گیرندهٔ نامه تلقی می‌شود و او را ناراحت می‌کند؛ پس باید از درست بودن آن اطمینان کامل حاصل کرد.

۱. در نامه‌های خانواده‌گی: پدر گرامی و گرانقدرم، پدر مهربانم، مادر عزیز و مهربانم، مادر شیرین‌تر از جانم، پدر بزرگوارم، فرزند عزیزم، دختر نازنینم فرزند گرامی‌ام.

۲. در نامه‌های دوستانه: دوست گرامی‌ام، رفیق شفیقم، دوست بسیار عزیزم، دوست گرانقدرم.

۳. در نامه‌های اداری: محترم رئیس جمهور...، محترم وزیر...، رئیس محترم ادارهٔ...، رئیس محترم محکمهٔ...، جناب محترم مدیر...، به مقام محترم ولایت...، استاد معظم جناب (تخلص)، جناب محترم معاون اداری ریاست....

کلمه‌های پایانی

همان‌گونه که ذکر شد، در پایان نامه پس از تمام شدن متن و قبل از امضا یا نوشتن نام، لازم است چند کلمه‌یی که حاکی از احترام یا محبت نسبت به مخاطب نامه باشد، ذکر شود، که همین کلمه‌ها را به نام کلمه‌های پایانی یاد می‌کنند. کلمه‌های پایانی را مانند کلمه‌های عنوانی، مناسب با مقام و سن و شخصیت مخاطب باید نوشت. جای نوشتن کلمهٔ پایانی معمولاً یک سطر پایین‌تر از متن و سمت چپ آخرین سطر آن است. در زیر برخی از کلمه‌های پایانی را نام می‌بریم:

۱- در نامه‌های خانواده‌گی: به امید دیدار، آرزومند سلامتی شما، به امید نامه‌های پرمحبت شما.

۲- در نامه‌های اداری: با تقدیم شایسته‌ترین احترامات، سپاسگزارم، با تشکر و سپاس فراوان، با عرض احترام.

۳- در نامه‌های دوستانه: دوست‌دار تو، به امید دیدار، آرزومند دیدار تو، آرزومند خوشبختی

تو، ارادت‌مندت، دوست همیشه به یادت.

کار گروهی و سخنرانی

۱- شاگردان به چند گروه تقسیم شوند و پیرامون شخصیت، افکار و اندیشهٔ مولانا جلال‌الدین محمد بلخی به بحث و گفتگو بپردازند؛ سپس از هر گروه یک نفر مقابل صنف آمده و نتیجه را به دیگران بیان نماید.

۳- چند شاگرد در مورد تصویر صحبت کنند.



املا و نگارش

۱- متنی را که معلم گرامی به خوانش می‌گیرد، به صورت املا در کتابچه‌های تان بنویسید.

۲- با درنظرداشت قواعدی که خواندید در کتابچهٔ تان یک نامهٔ خانواده‌گی بنویسید.



۱- چرا مولانا را در بیشتر نقاط جهان مردم می‌شناسند؟

۲- در مورد آثار مولانا معلومات دهید.

۳- در بارهٔ شمس‌الدین تبریزی چه می‌دانید؟

۴- مولانا به کجاها مسافرت کرد؟

۵- در بارهٔ سبک و طرز فکر مولانا چه می‌دانید؟

۶- کلمات عنوانی و پایانی کدام کلمه‌ها را می‌گویند؟



۱- یک نمونهٔ از شعر مولانا را انتخاب نموده، در کتابچه‌های تان بنویسید.

۲- این بیت‌ها را به حافظه بسپارید.

ای آبشار! نوحه‌گر از بهر چیستی — چین بر جبین فگنده در اندوه کیستی

دردت چه درد بود که چون من تمام شب — سر را به سنگ می‌زدی و می‌گریستی

۳- متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.

درس چهاردهم

شاگردان به پرسش‌های زیر پاسخ دهند:
۱- ورزش چیست؟
۲- در بارهٔ ورزش بزکشی چه می‌دانید؟
۳- در بارهٔ شنا و دَوش چه می‌دانید؟
٤- در بارهٔ نامه‌های اداری معلومات دهید.
۵- آیا می‌دانید که ریسمان‌کشی چگونه یک بازی است؟

ورزش‌های باستانی کشور ما افغانستان

همان‌گونه که می‌دانید ورزش برای صحت و تندرستی، نهایت مفید می‌باشد؛ چنانکه شاعری چه زیبا گفته است:

ز نیرو بـــود مـــرد را راستی　　　ز سستی کژی زاید و کاستی

بزکشی، تیراندازی، نیزه‌بازی، دوش، شنا یا آب‌بازی، چوگان‌بازی، شکار، توپ‌دنده، ریسمان‌کشی و کُشتی، از جملهٔ ورزش‌های باستانی کشور ما افغانستان عزیز و گرامی است که به شرح و معرفی برخی از آن‌ها می‌پردازیم:

بزکشی

بزکشی ورزش ملی و یکی از بازی‌ها و مسابقات گروهی وعنعنوی است. این ورزش بیشتر بین مردم صفحات شمال کشور مروج بوده و به مناسبت‌هایی گوناگون گاه‌گاهی در کابل، پایتخت کشور نیز انجام می‌یابد. نحوهٔ انجام این ورزش و بازی به صورتی است که عده‌یی از سوارکاران برای کنترول لاشهٔ یک گوسالهٔ تازه ذبح‌شده باهم به رقابت می‌پردازند. سوارکاران باید لاشهٔ بز را در حین سوارکاری از روی زمین بر داشته و آن را با پیشی‌گرفتن از رقبا در محل مشخصی که معمولاً یک دایرهٔ علامت‌گذاری‌شده در میدان مسابقه و زمین بازی است، بر زمین بگذارند. بازی گران بزکشی چاپ‌انداز نامیده می‌شوند. این بازی به مناسبت‌های مختلف در جشن‌ها، روزهای ملی و ایام عید برگزار می‌گردد و تیم‌های چند ولایت با هم یکجا شده در ولایت‌های بزرگ و زون‌های کشور و هم در مرکز، در چمن حضوری کابل به مسابقه می‌پردازند.

افغان‌ها داستان‌های زیادی را از اسپ‌های افسانوی، مردان سوارکار نامی و نبردهای بزرگی که در آن شرکت می‌کردند، به یاد دارند. بزکشی به عنوان یک بازی شناخته‌شده به صورت ارثی به افغان‌های امروزی رسیده است. مردم بدخشان، تخار، کندز، بغلان، سمنگان، بلخ، جوزجان و فاریاب به عنوان مردمانی شناخته می‌شوند که در این رشتۀ ورزشی مهارت زیادی دارند. ورزش‌کاران بزکشی با لباس‌های دراز، کلاه ضخیم، چپن و قاقمه به همراه کفش‌های بزرگ ساق‌دار بزکشی، ملبس اند.

بازی بزکشی توسط دو نفر حکم، اداره می‌گردد که یکی از آن‌ها در داخل میدان و دیگر آن‌ها در خارج میدان بزکشی داوری می‌کند. در دو گوشۀ میدان دو دایره که در وسط آن یک‌یک بیرق به رنگ سرخ و آبی که نشان‌دهندۀ دو تیم می‌باشد، موجود است و یک دایره در بین این دو دایره مایل به وسط میدان با بیرق سفید است که بیانگر دایرۀ شروع می‌باشد. یک بیرق بزرگ با پایۀ بلند در اخیر میدان است. هر تیمی که گوساله را از دایرۀ شروع برداشته و بعد از عبور از بیرق به دایرۀ حلال انداخت برندۀ یک امتیاز شناخته می‌شود. اسپ‌های بزکشی اسپ‌های معمولی نبوده؛ بلکه دارای جسامت قوی، هیکل بلند، پاهای قوی و بلند، گردن افراشته و نسل عالی می‌باشند.

ورزش کُشتی

ورزش کشتی، مانند بزکشی از ورزش‌های مشهور باستانی کشور ماست. کشتی، همچون بزکشی به طور معمول در روزهای ملی و جشن‌ها برگزار می‌شود. این ورزش در نقاط مختلف افغانستان رایج است. در مسابقه مردان جوان، لباس‌های مخصوصی را می‌پوشند و با رقیبان‌شان به رقابت می پردازند.

ریسمان‌کَشی

یکی از جملۀ بازی‌های عنعنوی در افغانستان ریسمان‌کشی است. این بازی میان جوانان در ولایت‌های مختلف افغانستان رواج دارد و آن را در ایام تعطیل انجام می‌دهند. این بازی جهت رشد قدرت و توازن و هماهنگی میان افراد مورد استفاده قرار می‌گیرد. وسیلۀ

این بازی، یک ریسمان به طول ۲۰ متر و یا اضافه‌تر از آن می‌باشد. شروع ریسمان‌کشی باید تدریجی باشد. این ورزش در صورت مداومت نه تنها باعث تقویت قلبی و تنفسی می‌شود؛ بلکه استقامت عضلاتی را نیز افزایش می‌دهد.

دوش

دوش، نیز یکی از ورزش‌های باستانی کشور و از متداول‌ترین فعالیت‌هایی است که به منظور افزایش آماده‌گی عمومی و تندرستی مورد استفادهٔ افراد قرار می‌گیرد؛ همچنان در بیشتر ورزش‌ها برای آماده‌گی جسمانی ورزشکاران کاربرد دارد. دوش می‌تواند تمام بدن و عضلات را فعال بسازد؛ بنابراین هدف از دوش حفظ سلامتی و برخوداری از نتایج مثبت آن می‌باشد.

شناوری یا آب‌بازی

یکی دیگر از ورزش‌های باستانی کشور شنا یا آب‌بازی است که از جملهٔ فعالیت‌های مناسب برای آماده‌گی قلبی و تنفسی می‌باشد. مزایای فیزیولوژیکی شنا شبیه دوش است؛ ولی تفاوت‌هایی نیز بین آن‌ها وجود دارد که باید به آن‌ها توجه شود. نخستین تفاوت این است که در شنا علاوه بر مصرف انرژی برای حرکت دست و پا، مقدار انرژی دیگر باید صرف شناوری بدن شود تا باعث بهبود قدرت و استقامت عضلاتی گردد.

نیزه‌بازی

نیزه‌بازی، نیز یکی از بازی‌ها و ورزش‌های باستانی است که در مناطق جنوبی وطن عزیز ما افغانستان، مثل غزنی، پکتیکا، پکتیا، لوگر، خوست و غیره رواج دارد. نیزه‌بازی از جملهٔ عنعنات خاص این مردم است و اسپ‌ها را برای نیزه‌بازی از وزیرستان می‌آورند که به نام اسپ‌های وزیری یاد می‌شود. این اسپ‌ها دارای گردن‌های بلند، گوش‌های تیز و باریک و اندام متناسب می‌باشند. نیزه‌ها، نوک تیز دارند که از آهن و فولاد محکم ساخته شده و به نوک چوب بانسی دو سه متره نصب می‌شوند. نیزه‌بازان سوار بر اسپ خود در حالی‌که با

دست چپ لگام اسپ و با دست راست نیزه را می‌گیرند، به نوبت به محل بازی رفته به هدف برداشتن میخ با نوک نیزه، اسپ خود را به سوی آن می‌تازند و دهل‌چی‌ها غرض تهییج سوارکاران و اسپها دهل می‌زنند. سوارکاران نوک نیزه را با قوت به میخ چوبی می‌کوبند و آن را با مهارت و سرعت، بلند می‌کنند. هر یک از نیزه‌بازان اشتراک‌کننده به نوبت این فعالیت را انجام می‌دهند و هر که موفقیت بیشتر کسب کند به مرحلهٔ دوم راه می‌یابد. اجرای مسابقه غالباً دو سه ساعت را در بر می‌گیرد.

همین طور تیراندازی، چوگان‌بازی (در منطقهٔ پامیرها)، شکار و توپ‌دنده از جملهٔ ورزش‌ها و بازی‌های باستانی در کشور ماست.



قاقمه: نوعی لباس است که بیشتر به رنگ زرد بوده، سخت و محکم می‌باشد و در بزکشی و دیگر کارهای شاقه آن را می‌پوشند.

بیاموزیم

۱- ورزش برای صحت و تندرستی مفید می‌باشد.

ز نیرو بود مرد را راستی ز سستی کژی زاید و کاستی

۲- بزکشی، نیزه‌بازی، تیراندازی، چوگان‌بازی، ریسمان‌کشی، دوش، شنا یا آب‌بازی و توپ‌دنده از بازی‌ها و ورزش‌های باستانی کشور ماست.

۳- ورزش بزکشی در اکثر ولایات کشور اعم از بدخشان، تخار، کندز، بغلان، سمنگان، بلخ، جوزجان، سرپل و فاریاب صورت می‌گیرد.



• نامه‌های اداری (مکتوب‌ها)

تمام مکتوب‌هایی که در داخل یک ارگان، اداره و سازمان یا خارج از آن با ارگان، اداره و یا سازمان دیگری به منظور انجام یافتن کارهای اداری و در شکل و فورم مخصوص همراه با تشریفات اداری مبادله می‌گردد، نامۀ اداری نامیده می‌شود. نامۀ رسمی اداری به منزلۀ سند اداری است. اسناد اداری تمام سندهایی را می‌گویند که به امور ارگان، اداره و یا سازمان و همچنین اسناد و سوابقی که به صورت نوشتۀ (نامه‌های اداری و دوسیه‌ها، نقشه‌ها، عکس‌ها، تصاویر و....) و اسناد صوتی و تصویری ثبت‌شده (کست‌ها و سی‌دی‌ها) و مانند این‌ها در هر ارگان، اداره و سازمان به منظور اجرای وظایف اداری رسماً ایجاد، دریافت و یا صادر می‌گردند.

کار گروهی و سخنرانی

۱- شاگردان به چند گروه تقسیم شوند و پیرامون ورزش‌های باستانی کشور به بحث و گفتگو بپردازند؛ سپس از هر گروه یک نفر مقابل صنف آمده و نتیجه را به دیگران بیان کند.

۲- یک تن از شاگردان در برابر صنف آمده در بارۀ آب‌بازی و نیزه‌بازی معلومات دهد.

۳- چند شاگرد در مورد تصویر سخنرانی کنند.



املا و نگارش

۱- متنی را که معلم گرامی به خوانش می‌گیرد به صورت املا در کتابچه‌های تان بنویسید.

۲- با درنظرداشت قواعدی که در آیین نگارش خواندید، متن کامل یک نامهٔ اداری را بنویسید.



۱- ورزش برای انسان چه فایده دارد؟

۲- ورزش‌های باستانی مشهور کشور را نام ببرید.

۳- در بارهٔ نیزه‌بازی و ریسمان‌کشی چه می‌دانید؟ توضیح دهید.

۴- در بارهٔ نامه‌های اداری معلومات دهید.



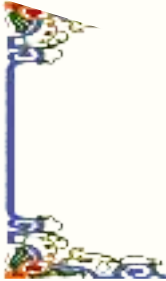
۱- نقش ورزش را در صحت و تندرستی انسان چگونه ارزیابی می‌کنید؟ بنگارید.

۲- این بیت را به حافظه بسپارید:

که چون کاهلی پیشه گیرد جوان — بماند تنش پست و تیره روان

فردوسی

۳- متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.



از شاگردان خواسته شود تا به پرسش‌های آتی پاسخ دهند:
۱- نصیحة الملوک اثر کی است و در کدام سال نوشته شده است؟
۲- کیمیای سعادت نوشتهٔ کیست؟
۳- کتاب نصیحة الملوک توسط کی به عربی ترجمه شده است؟ نام بگیرید.

نصیحةالملوک

نصیحةالملوک از جملهٔ آثار معتبر امام غزالی رحمه‌الله بوده و به زبان دری نوشته شده است. وی آن را در حدود سال ۵۰۳ هـ . ق. برای سلطان سنجر نوشت. تألیف این کتاب در اواخر حیات حجةالاسلام ابو حامد محمد بن محمد غزالی صورت گرفته و توسط صفی‌الدین ابوالحسن علی بن مبارک، شاعر و نویسندهٔ ذواللسانین قرن ششم، به عربی ترجمه شد. این اثر متضمن اندیشه‌های غزالی در پایان زنده‌گانی است. موضوع این کتاب حکمت عملی می‌باشد که البته بر مبنای دین بنا شده است. غزالی این کتاب را در هدایت و راهنمایی پادشاه و درباریان نوشته است، نخست از اصول اعتقاد و ایمان سخن گفته و آن‌گاه باب‌هایی در سیرت شاهان، وزیران، دبیران و در حکمت دانایان آورده و در آغاز کتاب چنین آمده است:

«قال الشیخ الامام، بعد بدان ای ملک مشرق که خدای تعالی بر تو نعمت‌های بسیار کرامت کرده است و شکر این بر تو واجب و لازم است و هر که نعمت خدای عزوجل را شکر نکند نعمت بر وی زوال آید و در تشویر و خجلت و تقصیر بماند در قیامت و هر نعمت که به مرگ سپری شود آن نعمت را نزدیک خردمندان قدری نباشد، اگر چه عمر دراز بود، چون سپری شود چه سود دارد... قدر نعمتی را بود که باقی و جاویدان بود، آن نعمت جاویدان ایمان بود، که ایمان نعمت جاویدان است و ایزد تعالی ترا این نعمت داده است و تخم ایمان در سینهٔ پاک و دل عزیز تو نهاده است و پرورش آن تخم به تو گذاشته است....»

این اثر دارای یک مقدمه و هفت باب است که در مجموع تمام بخش‌های کتاب نصیحةالملوک مبین دستورهای حکیمانهٔ حکما و بزرگان منطقه و کارنامهٔ دانایان گذشته بوده و نیز موضوعاتی؛ چون: عدالت اجتماعی، رسوم، مساوات و برادری، آزادی اجتماعی، بیان قصص و امثال، حکایات مربوط به سلف و روزگاران گذشتهٔ این مرز و بوم که مهد

پرورش و ظهور مفاخر تاریخی است را در بر دارد. نصیحة الملوك در حقیقت روشنگر درجهٔ فکر و ترقیات روحی و اخلاقی، فرهنگ و تمدن فروزندهٔ باستانی این سرزمین می‌باشد؛ همچنان امام محمد غزالی در این اثر در مورد آیین کشورداری و کشورگشایی، گسترش عدل و داد، آیین آزادی و برابری عموم طبقات مردم و تابعیت تمام مردم از قانون شریعت بحث‌های باارزشی نموده است.

این کتاب می‌نمایاند که نثر دری غزالی شیوا و ساده بوده و در عباراتش صراحت و روشنی خاصی متجلی است. این اثر نمایان‌گر توانایی امام غزالی در نویسنده‌گی است و با آنکه او در نثر عربی هم نویسندهٔ چیره‌دستی بود، کاربرد واژه‌های زبان عربی در آثار دری او به هیچ وجه از معاصرانش بیشتر نیست.



* ذواللسانین: کسی که به دو زبان شعر بسراید، نویسنده‌گی کند و تکلم نماید.
* شریعت: راه و روش و آیینی که خداوند برای بنده‌گان خود روشن ساخته است.
* فلسفه: حکمت، که در مبادی و حقایق اشیا و علل وجود آن‌ها بحث می‌کند.

بیاموزیم

۱- غزالی از مشهورترین متکلمان و عالمان دین اسلام در قرن پنجم و اوایل قرن ششم می‌باشد. وی علوم دینی و ادبی را در زادگاهش فرا گرفت؛ سپس به نیشاپور رفت و به تحصیل علم پرداخت و در بیست و هشت ساله‌گی در علوم متداول دینی زمان خود استاد گردید. وی گذشته از مقام بزرگش در علوم مختلف، در نثر دری هم مقام خاصی دارد و در آوردن لغت‌ها و اصطلاحات جدید به طریق ساده و درخور فهم عوام قدم‌های تازه‌یی در نثر دری برداشته است.

۲- از آثار معتبر دری غزالی رحمه‌الله نصیحةالملوک است که در حدود سال ۵۰۳ هـ .ق. به درخواست سلطان سنجر سلجوقی نوشته شده است.

۳- نصیحةالملوک به زبان عربی ترجمه شده است.

۴- امام غزالی یکی از نوابغ متفکر بشر و از جملهٔ ائمه و پیشوایان مصلح بزرگ اجتماع است که در فنون، فقه، حدیث و تفسیر قرآن، فلسفه، کلام، عرفان و معارف اسلامی دانشمند

محقق و عالم صاحب‌نظر و دارای درجهٔ اجتهاد مطلق بود.
۵- غزالی در حدود هفتاد کتاب و رساله در علوم دین، اصول کلام، حدیث، اخلاق، فلسفه، منطق و تصوف تألیف کرده است که مشهورترین آثار دری وی کیمیای سعادت، نصیحة‌الملوک و مکاتیب فارسی دری است.
۶- نثر دری غزالی در نوشته‌هایش، به ویژه نصیحة‌الملوک فصیح، شیوا و ساده است و در عباراتش صراحت و روشنی خاصی دیده می‌شود که نمایان‌گر توانایی او در نویسنده‌گی می‌باشد.



• انواع نامه‌های اداری (مکتوب‌ها) از نظر شکل

نامه‌های اداری از نظر شکل، موضوع، ماهیت و چگونه‌گی استفاده و ارسال، به انواع مختلفی تقسیم می‌شود که برخی از آن‌ها به شرح زیر است:
۱- نامه‌های وارده: تمام نامه‌هایی است که از خارج اداره، سازمان و یا مؤسسه دریافت شده باشد و در دفترهای اداره یا سازمان، شماره‌یی وارده به آن تعلق می‌گیرد.
۲- نامه‌های صادره: نامه‌هایی که از سازمان یا اداره به خارج آن فرستاده می‌شود و شمارهٔ صادره به آن تعلق می‌گیرد.
۳- نامه‌های محرمانه: مکاتباتی که دسترسی و اطلاع به مفاد و محتوای آن‌ها برای همه کس مجاز نیست و فقط افراد خاصی در هر اداره و یا سازمان، می‌توانند از متن آن آگاه شوند.
۴- نامه‌های سِرّی و کاملاً سِرّی: نامه‌های سِرّی اسنادی است که افشای آن به امنیت مملکت و مصالح دولت، لطمهٔ بسیاری وارد می‌کند و آن را به خطر می‌اندازد. این‌گونه نامه‌ها در جاهای مخصوص نگهداری شده و از آن‌ها حفاظت خاص به عمل می‌آید.

کار گروهی و سخنرانی

۱- شاگردان به چند گروه تقسیم شوند و پیرامون کتاب نصیحة‌الملوک به بحث و گفتگو بپردازند؛ سپس از هر گروه یک‌یک نفر مقابل صنف آمده و نتیجه را به دیگران بیان کنند.
۲- یک تن از شاگردان در برابر صنف آمده، پیرامون ویژه‌گی‌های نویسنده‌گی امام غزالی معلومات ارائه کند.
۳- در مورد این سخن سقراط در برابر صنف صحبت کنید:
سقراط گفت: که این همه عالم به عدل مُرَکبست، چون جور در آمد، عدل پایدار نباشد.

املا و نگارش

۱- متنی را که معلم گرامی به خوانش می‌گیرد، در کتابچه‌های خود املا بنویسید.

۲- با درنظرداشت تصویر، یک پارچه متن ادبی بنویسید.





۱- در مورد امام غزالی چه می‌دانید؟

۲- سه اثر معروف امام غزالی را نام ببرید.

۳- نصیحة‌الملوک به درخواست چه کسی و پیرامون چه موضوعاتی تحریر یافت؟

۴-نثر کتاب نصیحة‌الملوک امام غزالی کدام خصوصیات را در خود دارد؟



۱- در بارۀ ویژه‌گی‌های کتاب نصیحة‌الملوک معلومات تان را در چند سطر بنویسید.

۲- این بیت را معنا کرده و به حافظه بسپارید:

محیط دایره آن کس به سر تواند برد
که پای جهد چو پرکار استوار کند

قاآنی

۳- متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.

درس شانزدهم

به پرسش‌های زیر از شاگردان پاسخ گرفته شود:
۱- حیدری وجودی کیست؟
۲- آثار مطبوع حیدری وجودی را نام ببرید.
۳- حیدری وجودی کدام مقاله‌ها را به رشتهٔ تحریر در آورده است؟
٤-اشعار حیدری وجودی را چه کسانی نقد و اصلاح می‌کردند؟

حیدری وجودی



حیدری وجودی فرزند مولانا شفیع‌الله در سال ۱۳۱۸ هـ . ش. در یکی از دهکده‌های زیبای درهٔ پنجشیر دیده به جهان گشود. نخست قاعدهٔ بغدادی و قرآن مجید را در مسجد در محضر علمای دینی آن وقت فرا گرفت و در سال ۱۳۲۶هـ. ش. شامل مکتب ابتدایی رخهٔ پنجشیر شده و در پهلوی درس‌های مکتب به طور خصوصی یک سلسله کتاب‌های فقهی را خوانده است. حیدری وجودی در صنف پنجم مکتب بود که در رؤیا از اثر حادثهٔ روحانی حالش دگرگون شد؛ پس از فراغت از صنف ششم از اثر همین دگرگونی حالش نتوانست به آموزش‌های رسمی ادامه دهد.

حیدری وجودی در اوایل سال ۱۳۳۳ هـ . ش. به کابل آمد و در روزهای نخست آمدنش در کابل به مناسبت سرایش شعر و فعالیت‌های ادبی با مولانا خال محمد خسته، صوفی عشقری و شایق جمال آشنا شد. خسته و شایق در نقد و اصلاح سروده‌هایش توجه فراوانی داشتند.

در سال ۱۳۴۳ هـ . ش. در چوکات وزارت معارف انجمنی به نام «انجمن شعرای افغانستان» تأسیس شده بود که حیدری وجودی در آن انجمن به حیث محرر موظف شد. بعد مسؤول بخش جراید و مجله‌های کتابخانهٔ عامه گردید. نخستین سرودهٔ حیدری وجودی مصراع زیر است:

«چه بودی رو نمودی دل ببردی بیدلم کردی»

کار و مسؤولیت‌های فرهنگی

۱- معاون کانون دوست‌داران مولانا

۲- عضو مؤسسان بنیاد فرهنگ افغانستان

۳- رئیس بنیاد غزالی

۴- رئیس کانون فرهنگی سیمرغ

نمونهٔ کلام وجودی

شاهد حال

شاهد حال زار ما چهرهٔ زرد و زار ماست — داغ دل نگار ما شمع سر مزار ماست

دستگه جلال تو، جلوه‌گه وصال تو — آیینهٔ جمال تو این دل بی‌غبار ماست

روضهٔ عالم صفا، غنچهٔ گلشن وفا — باغ و گل و بهارها سینهٔ داغدار ماست

روح امید و آرزو جان و جهان جستجو — شام و سحر به یاد او خاطر بی‌قرار ماست

موجهٔ رودبارها زمزمهٔ هزارها — نغمهٔ آبشارها دیدهٔ اشکبار ماست

سد رهِ وفای ما خار هوس نمی‌شود — مست الست می‌روم عشق و امید یار ماست

راز جهان زنده‌گی سر نهان زنده‌گی — عظمت و شان زنده‌گی بر دل کوهسار ماست

زنگ درای کاروان گرمی و سیر رهروان — مستی و حال عاشقان نالهٔ موجدار ماست

صلح و صفا و یاوری مهر و وفای حیدری — با همه‌کس برادری در همه‌جا شعار ماست

***



شاهد: شهادت‌دهنده، گواهی‌دهنده، کسی که امری یا واقعه‌یی را به چشم خود دیده باشد و گواهی بدهد. در زبان دری به معنای معشوق و محبوب هم آمده است.

بیاموزیم

۱- حیدری وجودی در سال ۱۳۱۸ هـ . ش. در یکی از دهکده‌های درهٔ پنجشیر دیده به جهان گشود.

۲- حیدری وجودی با شاعران معاصر، چون خال محمد خسته، صوفی عشقری و شایق جمال آشنا گردید و اشعارش توسط ایشان نقد و اصلاح می‌شد.

۳- حیدری وجودی از اول اسد ۱۳۴۳ هـ. ش. بدین‌سو ۱۳۸۹ هـ. ش. مسؤول بخش جراید و مجله‌های ریاست کتابخانهٔ عامهٔ کابل می‌باشد.



• انواع نامه‌های اداری (مکتوب‌ها) از نظر موضوع

نامه‌های اداری از نظر موضوع به سه دسته تقسیم می‌شوند:

۱- نامه‌های شخصی- اداری: نامه‌هایی که از طرف مردم برای مراجع رسمی، دستگاه‌های دولتی، نهادها، سازمان‌ها، شرکت‌ها، مؤسسات و... فرستاده می‌شود. مقصود ازین مکتوب‌ها، انجام شدن امور شخصی است.

۲- نامه‌های اداری- شخصی: نامه‌هایی است که از طرف مراجع رسمی، دستگاه‌های دولتی، نهادها، سازمان‌ها، شرکت‌ها، مؤسسات و... برای اشخاص فرستاده می‌شود.

۳- نامه‌های اداری- اداری: نامه‌هایی که بین قسمت‌ها و اداره‌های مختلف هر وزارت‌خانه و سازمان‌های دولتی و غیر دولتی مبادله می‌شود.

• انواع نامه‌های اداری (مکتوب‌ها) از نظر ماهیت

نامه‌های اداری از نظر ماهیت کار نیز به گونه‌های سه‌گانهٔ زیر تقسیم می‌شوند:

۱- نامه‌های خبری: این نامه‌ها نتیجهٔ اقدامات انجام کاری را به اطلاع می‌رساند. در واقع، این نامه‌ها شروع یا پایان کاری را به گیرنده اطلاع می‌دهد.

۲- نامه‌های بازدارنده: نامه‌هایی اند که از انجام کار یا بروز حادثه‌یی جلوگیری می‌کنند.

۳- نامه‌های دستوری یا درخواستی: دستور یا درخواست انجام کار یا نتیجهٔ آن از مراجع رسمی، دستگاه‌های دولتی، نهادها، سازمان‌ها، شرکت‌ها، مؤسسات و یا افراد است.

کار گروهی و سخنرانی

۱- شاگردان به چند گروه تقسیم شوند و پیرامون شخصیت و کارنامه‌های ادبی حیدری وجودی به بحث و گفتگو بپردازند؛ سپس از هر گروه یک نفر مقابل صنف آمده و نتیجه را

به دیگران بگوید.
۲- چند تن از شاگردان در برابر صنف آمده، شعر زیر را تحلیل نموده و مفهوم آن را توضیح دهند:

آیینـــه‌ها بشکستـــه ام با اصــــل خـــود پیوستــــه ام
از دام و صورت رسته ام از لفظ افزون گشـــــــته ام

املا و نگارش

۱- متنی را که معلم گرامی به خوانش می‌گیرد به صورت املا در کتابچه‌های تان بنویسید.
۲- بیت زیر را اساس قرار داده، پیرامون آن چند سطر بنویسید:

دستگه جلال تـــو، جلوه‌گه وصال تو　　　آیینهٔ جمال تو این دل بی‌غبار ماست



۱- حیدری وجودی در کدام سال و در کجا چشم به جهان هستی گشود؟
۲- حیدری وجودی با کدام شعرا و نویسنده‌گان معروف کشور آشنا شد؟
۳- آثار چاپ شدهٔ حیدری وجودی را نام ببرید.
۴- نامه‌های اداری - شخصی چه نوع نامه‌ها را گویند؟



۲- غزل «شاهد حال» حیدری وجودی را به نثر ساده برگردانید.
۳- این بیت را به حافظه بسپارید:

فارغ نشسته ایم همـــه در کنـــار عمر　　　چون تندباد مـــی‌گـــذرد نـــوبـــهـــار عمر
از بس‌که بی‌ثبات بود هیچ‌کس نچید　　　هرگز گلی به کام دل از شاخسار عمر

سیدای کُرخی

۴- متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.

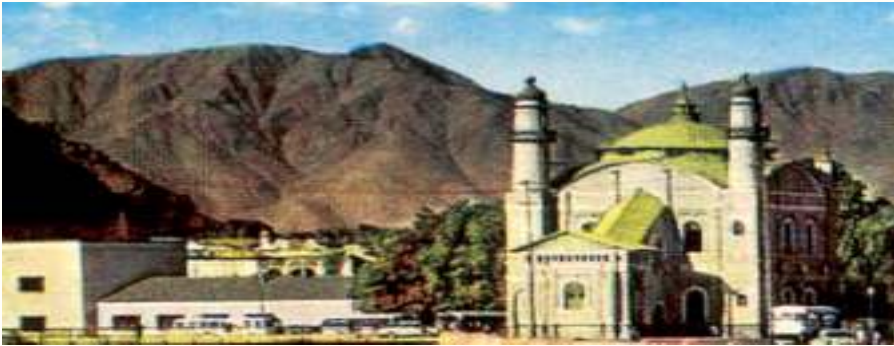
درس هفدهم

شاگردان به پرسش‌های زیر پاسخ دهند:

۱- در مورد پیام داستان بنای باد آن‌چه می‌دانید بیان دارید.
۲- کلمه‌های عامیانه‌یی که در داستان بنای باد به کار رفته، کدام‌ها اند؟
۳- آیا می‌توانید چند کلمهٔ عامیانه را از لابه‌لای متن داستان نام بگیرید؟
٤- در مورد نویسندهٔ داستان آن‌چه می‌دانید بیان نمایید.

بنای باد

از دکتور اکرم عثمان



ما زیر صندلی نشسته بودیم. در پتهٔ بالا مادرم، در پتهٔ پایین من و خواهرم مریم و در پتهٔ دیگر شهناز و شاه بوبو دختران کاکای پدرم. در روی سرای برف می‌بارید، برفی سفید و پنبه‌مانند. انگار ندافی در آن بالا بر تخت عاجگون ابرها نشسته است و هی با کمان و دستهٔ ندافی پنبه‌های آسمان را باد می‌زند و ندافی می‌کند.

برف‌ها نه یک، نه دو، نه سه، بل هزارها از آسمان، یک‌نواخت و آرام پایین می‌آمدند و بر روی سرای و پشت بام‌ها بر سر یکدیگر می‌نشستند.

من از شیشه‌ها بیرون را نگاه می‌کردم؛ برف را که از آمدن خسته نمی‌شد و باد را که آواز می‌خواند و به چـــشم نمی‌آمد. من از باد و برف هر دو خوشم می‌آمد. باد را بیشتر می‌پسندیدیم چه مثل آدم‌ها زبان داشت و گپ می‌زد. شب‌ها همین‌که سگ‌ها در سیاهی داد و بیداد می‌کردند گمان می‌بردم که باد با بال‌های بَردار و رنگ دودیش برای جانوران وحشی آواز می‌خواند و آن‌ها را به کشتی و مستی فرا می‌خواند.

باد مثل همیشه پشت شیشه‌های خانه می‌آمد. درهای بسته را باز و درهای باز را بسته می‌کرد؛ با وز وز زنبورمانندی پشت پرده‌ها مخفی می‌شد و مرا با اشارت‌های... فرا می‌خواند و همین‌که می‌خواستم پیدایش کنم و از پشت پرده‌ها بیرونش بیاورم مثل جن ناپدید می‌گشت و با یک جست نامریی بر نوک بالاترین شاخچه‌ها می‌نشست و باز نجواها و قصه‌هایش را از

سر می‌گرفت.
سرانجام به ستوه آمدم و در آن روز برفی که همه دور صندلی جمع بودیم از مادرم پرسیدم:
«بوبو جان! خانهٔ باد ده کجاست؟ چرا صدایشه می‌شنویم و خودش را نمی‌بینیم؟»
مادر کمی از سؤال متعجب شد و پس از چرتی کوتاه جواب داد: «جان مادر! باد، خانه نداره، از هر طرف که دلش بخواهد می‌وزه.»
شاه بوبو که رو به روی مادرم در پتهٔ دیگر نشسته بود گفت: «چرا بچه ره بازی میتی؟ مه خانیشه دیدیم، خانیش ده کوه آسمایی است، ده مابین یک غار تاریک که سر و آخرش معلوم نیست. او نصف شوها از خو می‌خیزه و غلغله‌کنان به طرف شهر می‌آیه.» بعد با سرانگشت آن کوه بلند را نشانم داد، دهانم باز ماند و چشمم به کوه افتاد.
مریم خواهرم دخترک شوخ و هوشیار، بی‌محابا، انگشتش را در دهانم فرو برد و خنده‌کنان گفت: «غار دیگی‌شام اینجه اس.»
بی‌اندازه برآشفتم و چنان انگشتانش را با نیش‌های دندانم جویدم که چیغ و پیغش به هوا بلند شد و مادرم سیلی آب‌داری به گوشم زد و گفت: «باد بخوریت! کته بچه، آدم نمیشی.»
با این توبیخ بیشتر به فکر باد افتادم. به فکر بادی که لابد دهان گشادی دارد، آدم‌خوار است و در یکی از مغاره‌های تاریک و ترسناک کوه آسمایی زنده‌گی می‌کند.
از آن‌گاه به بعد، همواره شاهد بازی بادها با زمانه‌ها استم. گوشم به پشت در است، به پشت شیشه‌های اُرسی. باد با زبانی روان و افسونگر در گوشم آرام، آرام لالایی می‌خواند و می‌گویدکه: «دم غنیمت دان، با زمانه سخت مگیر، چه زنده‌گی بر بنای باد آباد شده، تا به خود بجنبی خانهٔ ریگی با توفان شبانه هموار می‌شود و از هستی نشانی نمی‌ماند....»



* تخت عاج‌گون: عبارت تشبیهی، عاج به معنای دندان فیل و از لحاظ سفید بودن رنگ، ابر به آن تشبیه گردیده است.
* کوه آسمایی: کوهی است در مرکز شهر کابل. به سبب ارتفاع زیادی که دارد از این کوه به عنوان برج مخابراتی استفاده می‌شود و فرستنده‌های متعدد تلویزیونی و رادیویی کابل روی این کوه قرار دارد.
* دکتور اکرم عثمان در سال ۱۳۱۶ هـ . ش. در شهر هرات به دنیا آمده است. وی در رشتهٔ حقوق و علوم سیاسی تحصیل نموده و در همان رشته دکتورای خویش را از دانشگاه تهران

به دست آورده است. وی سال‌ها گوینده و نویسندۀ برخی از برنامه‌های ادبی و اجتماعی رادیو تلویزیون بوده و چندگاهی مسؤولیت ادارۀ هنر و ادبیات آن مؤسسه را به عهده داشته است و مدتی را در اکادمی علوم افغانستان به عنوان مسؤول انستیتوت‌های تاریخ و حقوق کار کرده است. آخرین ماموریتش در پست‌های مختلف وزارت امور خارجه بود. آثار وی عبارت اند از: مجموعه‌های داستانی تحت عناوین مردا ره قول اس، قحطسالی، بازآفریده و رمان کوچۀ ما در دو جلد می‌باشد. بر اساس داستان «مردا ره قول اس و نقطۀ نیرنگی» فلم نیز تهیه گردیده و تعدادی از داستان‌های وی به زبان‌های آلمانی، روسی، سویدنی و بلغاری ترجمه و به نشر رسیده اند.

بیاموزیم

۱- داستان‌های دکتور اکرم عثمان نمونه‌یی از داستان‌نویسی معاصر در افغانستان است.

۲- مشهورترین داستان وی داستان «مردا ره قول است» می‌باشد.

۳- اکرم عثمان نه تنها در حلقه‌های داخلی ادبی؛ بلکه در گروه نویسنده‌گان برخی از کشورهای اروپایی نیز نام شناخته شده است.



• **پیشنهاد:** پیشنهاد نیز نوع دیگری از نامه‌های اداری‌ست. این نوع نامه دارای شکل و چوکات ویژه بوده و در اداره‌های کشور ما معمول است. پیشنهاد وقتی به کار گرفته می‌شود که شخصی از مقامات پایین‌رتبه از آمر خویش درخواست می‌کند تا امر اجرا و پی‌گیری آن را صادر نماید، تا این مقام پایین‌رتبه نظر به دستور کتبی آمر خویش و به رؤیت این ورقه، در مورد موضوع مربوط اقدام لازم نماید. بخش‌های اصلی پیشنهاد نیز عین مکتوب اداری بوده و قابل رعایت می‌باشد؛ با این تفاوت که پیشنهاد دارای جدول بوده، تمام مقتضیات پیشنهاد در میان خانۀ سمت راست نوشته می‌شود و خانۀ سمت چپ جدول به منظور نوشتن امر مقام بالایی،

سفید گذاشته می‌شود.

کار گروهی و سخنرانی

۱- شاگردان به گروه‌ها تقسیم شوند و پیرامون چگونه‌گی و خصوصیت داستان کوتاه بحث نمایند؛ سپس از هر گروه یک نفر نتیجهٔ بحث گروه خویش را به دیگران بیان دارد.

۲- یک تن از شاگردان پیرامون واژه‌های عامیانه‌یی که در داستان (بنای باد) به کار برده شده است، معلومات دهد.

املا و نگارش

۱- متنی را که معلم گرامی به خوانش می‌گیرد، به صورت املا در کتابچه‌های تان بنویسید.
با درنظرداشت قواعدی که در آیین نامه‌نگاری خواندید درخواست کار را در کتابچه‌های خود تمرین نموده، روز آینده با خود بیاورید.



۱- هدف و خلاصهٔ داستان را بیان نمایید.
۲- داستان «بنای باد» از آثار کدام نویسنده است؟
۳- اکرم عثمان کیست و در کجا به دنیا آمده است؟
۴- به اساس کدام داستان‌های اکرم عثمان، فلم هنری ساخته شده است؟
۵- چند اثر دکتور اکرم عثمان را نام گرفته و بگویید که داستان‌های وی به کدام زبان‌ها ترجمه گردیده است؟

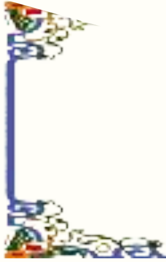


۱. بیت زیر را عنوان قرار داده، در مورد آن چند سطر بنویسید:

منشین با بدان که صحبت بد　　گرچه پاکی ترا پلید کند
آفتابی بدین بزرگی را　　ذرهٔ ابر ناپدید کند

سنایی

۲. متن کامل درس بعدی را خوانده، برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.



شاگردان به پرسش‌های زیر پاسخ‌های مناسب ارائه بدارند:

۱- مثنوی را تعریف کنید.

۲- مثنوی منسوب به چیست و چه معنا می‌دهد؟

۳- مثنوی‌سرایان بزرگ را نام ببرید.



مثنوی و مثنوی‌سرایان بزرگ



مثنوی، منسوب به مثنی (دو دو، یا دوتا دوتا) یکی از قالب‌های شعری است که ابیات آن متحدالوزن و دو مصراع هر بیت آن بر یک قافیه است. مثنوی را مزدوج هم می‌گویند. در ساختن مثنوی چون هر بیت بر قافیهٔ خاص و جداگانه است و با ابیات قبل و بعد خود فرق دارد و دست شاعر در آوردن قوافی مختلف باز می‌باشد؛ از این‌رو تعداد بیت‌های آن، گاهی به چندین هزار بیت می‌رسد و بدین جهت، برای سرودن مطالب مفصل و نظم داستان‌های تاریخی، رزمی، بزمی، اخلاقی و عرفانی و اکثر غرض‌های شعری به کار می‌رود؛ مانند: شاهنامهٔ فردوسی، گرشاسپ‌نامهٔ اسدی طوسی، مثنوی معنوی مولانا جلال‌الدین محمد بلخی، منطق‌الطیر فریدالدین عطار، حدیقةالحقیقهٔ سنایی، بوستان مصلح‌الدین سعدی، خمسهٔ نظامی گنجوی، هفت‌اورنگ مولانا نورالدین عبدالرحمان جامی و....

نوع مثنوی، ابداع خراسان‌زمین بوده و قدیم‌ترین نمونهٔ آن بیت‌های پراکنده‌یی است که از شاهنامهٔ مسعودی مروزی (اواخر قرن سوم هـ.) باقی مانده است.

نمونه‌هایی از مثنوی

به نام خداوند جان و خرد — کزین برتر اندیشه بر نگذرد

خداوند نام و خداوند جای — خداوند روزی‌ده رهنمای

خداوند کیوان و گردان‌سپهر — فروزندهٔ ماه و ناهید و مهر

ز نام و نشان و گمان برتر است — نگارندهٔ برشده گوهر است

به بینندگان آفریننده را — نبینی، مرنجان دو بیننده را

فردوسی

بشنو از نی چون حکایت می‌کند — از جدایی‌ها شکایت می‌کند

کز نیستان تا مرا ببریده اند — وز نفیرم مرد و زن نالیده اند

سینه خواهم شرحه‌شرحه از فراق — تا بگویم شرح درد اشتیاق

هر کسی کو دور ماند ز اصل خویش — باز جوید روزگار وصل خویش

مولوی

خدایا به عزت که خوارم مکن — به ذل گنه شرمسارم مکن

مسلط مکن چون منی بر سرم — ز دست تو، به گر عقوبت برم

به‌گیتی نباشد بتر زین بدی — جفا بردن از دست هم‌چون خودی

مرا شرمساری ز روی تو بس — دگر شرمسارم مکن پیش کس

گرم بر سر افتد ز تو سایه‌ای — سپهرم بود کمترین پایه‌ای

اگر تاج بخشی سر افرازدم — تو بردار تا کس نیندازدم

سعدی

بیا ای جگرگوشه فرزند من — بنه گوش بر گوهر پند من

صدف‌وار بنشین دمی لب خموش — چو گوهر فشانی به من دار گوش

شنــو پنــد و دانش به آن بـــار کن — چــــو دانستی آن‌گه بـــرو کار کن

جامی

شد جـــــوانی پیش پیری نـــامـــدار — دیـــد او را کـــرده در کنجی قـــرار

بـــود تنها هیچ کس بـــا او نبـــود — یـک نفس یک همنفس با او نبـــود

گفـت تـنهـا می‌نـگـــردی تنـــگدل — پیــر گفتش ای جـــوان سـنگ‌دل

بـا خـــدای خـــویش دایم در حضور — چـــون توان شد تنگدل از پیش دور

هـر کـــه او بـــا همـــدم خـود همبر است

یک دم از ملک دو کـــونش خوش‌تر است

عطار

بیاموزیم

۱- مثنوی، منسوب به مثنی (دو دو، یا دوتا دوتا)، شعری است که بیت‌های آن متحدالوزن و دو مصراع هر بیت آن بر یک قافیه است. مثنوی را مزدوج هم می‌گویند.

۲- تعداد بیت‌های مثنوی به چندین هزار می‌رسد.

۳- مثنوی برای سرودن نظم و داستان‌های تاریخی، رزمی، بزمی، اخلاقی، عرفانی و... به کار می‌رود.

۴- از مثنوی‌سرایان بزرگ مولانا جلال‌الدین محمد بلخی، فردوسی، عطار، سنایی، سعدی، نظامی، جامی و... را می‌توان نام برد.



- **طرح نامه‌ها (مکتوب‌های) رسمی دولتی**

نامه‌های رسمی دولتی از نظر شکلی دارای ساختار ویژه‌یی اند که این طرح و ساختار، نماینده‌گی



از رسمی بودن آن‌ها می‌کند. بخش‌های اصلی طرح نامهٔ رسمی دولتی به شرح زیر است:

۱- نشان رسمی دولت (دوسانتی‌متر پایین‌تر از کنارهٔ بالایی صفحه)

۲- نام کامل دولت و کشور (در سطر اول)

۳- نام عالی‌ترین مقام همان ارگان (وزارت، ریاست مستقل و.... در سطر دوم)

۴- نام ریاست (در سطر سوم)

۵- نام مدیریت (در سطر چهارم)

۶- شمارهٔ دفتری (در سطر پنجم)

۷- تاریخ (در سطر ششم)

۸- آدرس و شماره‌های تماس (نیم سانتی‌متر بالاتر از کنارهٔ پایینی صفحه، با خط کوچک)

تفصیلات

۱- در زبان‌هایی که شیوهٔ نوشتاری آن‌ها از راست به چپ است، نشان دولتی در سمت راست صفحه قرار می‌گیرد و در زبان‌هایی که شیوهٔ نوشتاری شان از چپ به راست است، نشان دولتی در سمت چپ صفحه قرار می‌گیرد.

۲- کشورهایی که دارای دو زبان رسمی اند، نشان دولتی شان در وسط صفحه قرار گرفته و موارد دیگر، با هر دو زبان، در دو کنار نشان دولتی نوشته می‌شوند.

۳- برخی از اداره‌های دولتی دارای نشان خاص خود می‌باشند که در این صورت، نشان دولتی در جای اصلی خود قرار می‌گیرد و نشان آن اداره در سمت دیگر صفحه. موارد دیگر، با هر دو زبان در وسط هر دو نشان نوشته می‌شود.

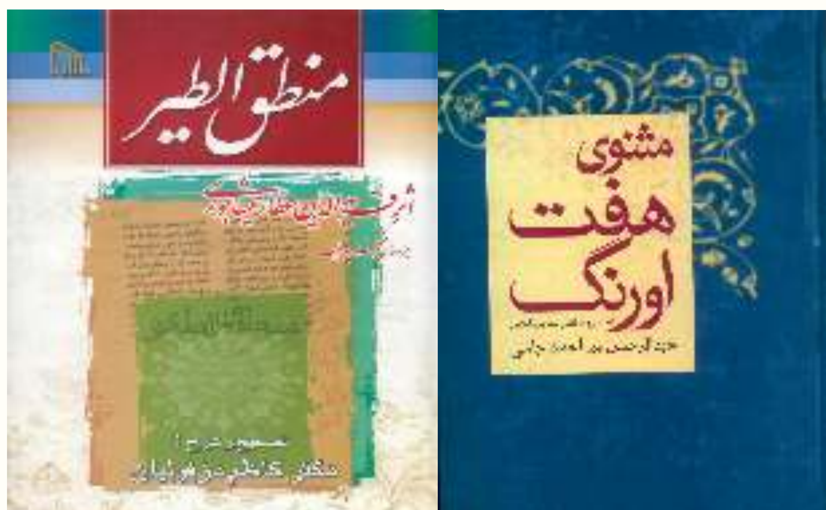
۴- در گذشته‌ها اداره‌های دولتی ما، نامه‌های مورد نیاز را قبلاً چاپ کرده و در دفترها نگهداری می‌کردند؛ اما امروز بسیاری از ادارات، یک طرح کامل نامهٔ رسمی را در کمپیوترهای خود ذخیره دارند؛ هنگامی که نامه‌یی نوشتند، یک کاپی آن را گرفته و در روی همان طرح سفید کمپیوتری نصب می‌کنند؛ سپس آن را توسط ماشین چاپ(پرنتر) به چاپ رسانده، به مرجع مربوط می‌فرستند.

کار گروهی و سخنرانی

۱- شاگردان به چند گروه تقسیم شوند و پیرامون مثنوی و مثنوی‌سرایان بزرگ به بحث و گفتگو بپردازند؛ سپس از هر گروه یک نفر مقابل صنف آمده و نتیجه را به دیگران بیان نماید.

۲- یک تن از شاگردان در برابر صنف آمده، پیرامون مثنوی‌سرایی توضیحات لازم را ارائه دهد.

۳- چند تن از شاگردان در مورد تصویرهای زیر، چند دقیقه صحبت کنند.



املا و نگارش

۱- متنی را که معلم گرامی به خوانش می‌گیرد، به صورت املا در کتابچه‌های خویش بنویسید.

۲- با درنظرداشت قواعدی که در آیین نگارش خواندید متن یک مکتوب رسمی کامل را بنویسید.



۱- مثنوی نوع قالب شعری است؟

۲- چند تن از مثنوی‌سرایان مشهور را نام ببرید.

۳- این بیت را معنا نمایید:

خداوند کیوان و گردان‌سپهر   فروزندهٔ ماه و ناهید و مهر

۴- در بارهٔ نامه‌های رسمی دولتی چه می‌دانید؟ بیان کنید.

۵- تعداد بیت‌های مثنوی به چند بیت می‌رسد؟



۱- بیت زیر را عنوان قرار داده، در مورد آن چند سطر بنویسید:

مده ناخوب را بر خاطرِ راه   بدار از ناپسندم دست کـــوتاه

۲- این نقل قول را به حافظه بسپارید:

داناترین مردم، کسی است که از مردم نادان فرار می‌کند.

(حضرت محمد ﷺ)

۳- متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.

درس نزدهم

برای پرسش‌های زیر از شاگردان پاسخ گرفته شود:

۱- در مورد رسانه‌ها چه می‌دانید؟ توضیح دهید.

۲- در بارهٔ فواید و ضررهای رسانه‌های بین‌المللی در جامعهٔ سنتی افغانستان چه می‌دانید؟

۳- نقش رسانه‌ها را در انعکاس واقعیت چگونه ارزیابی می کنید؟

٤- کدام رسانه‌ها بیشتر موفق استند؟

نقش رسانه‌ها در بیداری اذهان عامه

رسانه، وسیله‌یی است که اخبار و اطلاعات را به وقت و زمانش به مردم می‌رساند. رسانه‌ها به چند نوع اند: رسانه‌های چاپی؛ مانند: روزنامه، جریده مجله و رسانه‌های برقی- صوتی تصویری؛ مانند: رادیو، تلویزیون و شبکه‌های انترنتی. در جهان امروز رسانه‌ها با انتقال اطلاعات و معلومات جدید و مبادلهٔ افکار و عقاید عمومی، در راه پیشرفت فرهنگ و تمدن بشری نقش بزرگی را بر عهده دارند؛ به طوری که بسیاری از دانشمندان، عصر کنونی را «عصر ارتباطات» و «عصر رسانه‌ها» نامیده اند. تمرکز گروه‌های وسیع انسانی در شهرهای بزرگ، شرایط خاص، تمدن خاص صنعتی و پیچیده‌گی وضع زنده‌گی اجتماعی، وابسته‌گی‌ها و همبسته‌گی‌های ملی و بین‌المللی، ناامنی، بحران‌ها، تحول نظام‌های سیاسی و اجتماعی، دگرگونی مبانی فرهنگ و به خصوص بیداری وجدان اجتماعی همه از جملهٔ عواملی استند که روز به روز نیاز انسان را به آگاهی از تمام حوادث و وقایع جاری محیط زنده‌گی بیشتر می‌سازند؛ تا جایی که پیشرفت رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی و توسعهٔ اقتصادی، اجتماعی و تفاهم بین‌المللی لازم و ملزوم یکدیگر شده اند؛ در این جوامع افراد کوشش می کنند همیشه در جریان همهٔ امور و مسایل اجتماعی قرار داشته باشند تا بتوانند به طور مستقیم یا غیر مستقیم نقش خاص خویش را در زنده‌گی گروهی ایفا کنند. به همین جهت، آگاهی اجتماعی از مهم‌ترین تقاضاهای زمان معاصر به شمار می‌رود و همین آگاهی است که انسان را به زنده‌گی فردی و جمعی علاقه‌مند می‌سازد و توجه او را به آزادی‌ها و مسؤولیت‌های وی جلب می‌کند. نقش‌هایی که برای یک رسانه می‌توان بر شمرد عبارت اند از:

الف) رسانه و اعتمادسازی: اعتمادسازی در زمینهٔ سیاست‌های کلی یک جامعه و نظام، یکی از وظایف و نقش‌های مهم رسانه است. رسانه از این طریق می‌تواند در ترسیم اهداف، اولویت‌ها و تبیین برنامه‌ها و هم‌چنین بسیج نیروهای جامعه نقشی به سزا داشته باشد. با این امر اجرای برنامه‌ها با آگاهی کامل مردم و همراهی عمومی ایشان با کمترین مشکل و درگیری‌ها قابل اجرا خواهد بود.

ب) رسانه و انعکاس واقعیت‌ها: انعکاس واقعیت‌های اقتصادی و اجتماعی بدون تردید یکی از ملزومات فعالیت‌های رسانه‌یی است. در این راه رسانه باید به هیچ وجه جانب گروه‌ها و نهادهای خاص و مختلف را نگیرد و برای مخالفان و موافقان فرصت کافی برای ابراز نظر را زمینه‌ساز شود.

ج) رسانه و نقد سازنده: نگاه واقع‌بینانه به مسایل جامعه، به خصوص مسایل اجتماعی و اقتصادی خود یک نقد سازنده است. اگر رسانه‌یی بتواند نقش خود را در انعکاس بدون کم و کاست و واقعی یک اتفاق و ماجرای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی رعایت کند، خود گام مهمی در تنویر افکار عمومی برای نقد مسایل به حساب می‌رود.

د) رسانه و پیش‌بینی بحران: یک رسانه زمانی موفق‌تر از بقیه رسانه‌های هم‌طراز خود خواهد بود که بتواند قبل از هر کس بحران‌های قریب‌الوقوع را تشخیص، تحلیل و پیش‌بینی نماید و برای برخورد با آنان و تغییر جریان آن راهکارها و طرح‌های جدید ارائه دهد.

هـ) رسانه و اعتبار: هر رسانه برای اعتبار بخشیدن به خود، ناچار است اصول اولیهٔ خبررسانی را که شامل شهرت، صحت و تازه‌گی اخبار می‌شود رعایت کند. توجه به درستی و سرعتی که در انتشار آن باید در نظر گرفته شود، نقش مهمی را در ایجاد اعتبار برای رسانه ایفا می‌کند.

رسانه‌ها یکی از ضرورت‌های اساسی جوامع بشری استند و از آن جمله رسانه‌های تصویری از پدیده‌های عصر جدید است که در کشور ما و سایر نقاط جهان بیننده‌های زیادی دارد.

رسانه‌های تصویری در دنیای اطلاعات شور و غوغا بر پا کرده است. کار و فعالیت رسانه‌ها، به خصوص رسانه‌های تصویری تنها در اطلاع‌رسانی خلاصه نمی‌شود؛ بلکه ارائه برنامه‌های علمی، تفریحی، خانواده‌گی و نمایش حوادث و رویدادها، درامه‌ها، سریال‌ها و فلم‌های مختلف نیز شامل کار رسانه‌های تصویری می‌گردد. امروز کمپیوتر نیز یکی از رسانه‌های تصویری مهم به شمار می‌آید. بدون تردید، رسانه‌ها در تنویر اذهان مردم نقش زیادی دارند و مردم را از حوادث جهان مطلع می‌سازند، بر معلومات شان افزوده می‌شود و از انکشافات، ترقی، پیشرفت علوم و تکنالوژی بهره‌مند می‌گردند؛ البته رسانه‌ها، از جمله رسانه‌های تصویری و تماشای آن‌ها دارای فواید و ضررهایی نیز می‌باشد.

رسانه‌ها بزرگ‌ترین منبع گزارش خبر استند و اخبار را به صورت مستند و گاه مستقیم پخش می‌کنند.

تلویزیون یک آموزشگاه است و از جمله درس‌های قرآن کریم، تجوید و سایر علوم و نیز درس‌های مکتب را می‌توان از طریق تلویزیون فراگرفت. به این طریق تلویزیون اذهان بیننده‌گان و شنونده‌گان را روشن می‌سازد. از رسانه‌ها با توجه به ارزش‌ها، مقدسات و عنعنات و رسم و رواج‌های پسندیدۀ کشور و مردم ما، باید استفادۀ درست صورت گیرد. در قدم اول بزرگان خانواده متوجه این امر باشند و نگذارند فرزندان شان برنامه‌های مبتذل رسانه‌ها را ببینند و دولت نیز در امر توجه به رسانه‌ها مسؤولیت دارد، تا برنامه‌های رسانه ها را کنترول کند و برنامه‌ها را مطابق به نیاز جامعه ما سازگار بسازد.



• تلویزیون: یک اختراع تخنیکی پیشرفته، سمعی و بصری و جوانترین پدیدۀ معاصر می‌باشد که در نتیجۀ تجربیات علمی فراوان در زمینۀ علوم، به ویژه الکترونیک در قرن بیست متداول شد. عمر این رسانۀ جمعی به شصت سال نمی‌رسد. با وجود این همه ویژه‌گی‌های تلویزیون

از جمله فراگیر بودن و توانایی برقراری ارتباط مستقیم تصویری با مخاطبان بی‌شمار خود، توانایی فراوانی در عرصهٔ استفاده از ارتباطات بخشیده است.

بیاموزیم

۱- رسانه، وسیله‌یی است که اخبار و اطلاعات را به مردم می‌رساند؛ مانند: روزنامه، جریده، مجله، رادیو، تلویزیون و شبکه‌های انترنتی.

۲- رسانه‌ها بر دو نوع اند: ۱- رسانه‌های چاپی ۲- رسانه‌های برقی

۳- نقش‌هایی که برای یک رسانه می‌توان برشمرد، عبارت اند از: اعتمادسازی، انعکاس واقعیت‌ها، نقد سازنده، پیش‌بینی بحران‌های احتمالی و اعتبار.

۴- کار رسانه‌ها تنها به اطلاع‌رسانی خلاصه نمی‌شود؛ بلکه ارایهٔ برنامه‌های علمی، تفریحی، خانواده‌گی و نمایش حوادث و رویدادها، درامه‌ها، سریال‌ها و فلم‌های مختلف را نیز شامل می‌شود.

۵- نقش رسانه‌ها، به خصوص تلویزیون بسته‌گی به چگونه‌گی استفاده از آن دارد که می‌تواند مفید باشد و یا مضر. اگر ما با درنظرداشت احکام و ارشادات دین مقدس اسلام و رسم و رواج‌های پسندیدهٔ اسلامی و افغانی از رسانه‌ها استفاده نکنیم می‌تواند مضر واقع شود.



• بخش‌های اصلی نامهٔ اداری (مکتوب)

منظور از بخش‌های اصلی نامه‌های اداری، این است که چگونه یک نامهٔ کامل اداری را قالب‌بندی کرده و آن را روی کاغذ بیاوریم. این بخش‌ها بر اساس آن‌چه در اداره‌ها و مؤسسه‌های گوناگون، رایج و متداول و در عرف اداری نیز پذیرفته شده و تقریباً ثابت است، باید به شکل زیر باشد:

۱- آدرس یا نشانی فرستنده (اگر نامه چاپی باشد و آدرس دفتر در پایین آن باشد، نوشتن این قسمت لازم نیست.)

۲- تاریخ صدور نامه

۳– شمارهٔ دفتری یا صادره
۴– عنوان (خطاب به گیرندهٔ نامه)
۵– آغاز نامه (عبارت یا جملهٔ احترامانه در ابتدای نامه)
۶– متن نامه
۷– پایان نامه (عبارت یا جملهٔ احترامانهٔ پایانی)
۸– در قسمت ختم آخرین سطر نامه (نام و موقف دولتی امضاکننده)
۹– امضای مسؤول دفتر صادرکننده
۱۰– ذکر ضمیمه‌ها یا پیوست‌ها با تعداد اوراق آن (کنار چپ صفحهٔ اول)



کار گروهی و سخنرانی

۱– شاگردان به چند گروه تقسیم شوند و پیرامون نقش رسانه‌ها در بیداری اذهان مردم به بحث و گفتگو بپردازند؛ سپس از هر گروه یک نفر نتیجه را به دیگران بیان نماید.
۲– یک تن از شاگردان در برابر صنف آمده، انواع رسانه‌ها را توضیح دهد.
۳– چند شاگرد در مورد تصویر صحبت کنند.

املا و نگارش

۱– متنی را که معلم گرامی به خوانش می‌گیرد به صورت املا در کتابچه‌های خویش بنویسید.
۲– با درنظرداشت قواعدی که خوانده اید، بخش‌های اصلی یک نامهٔ اداری را در کتابچه‌های تان بنویسید.



۱- رسانه‌ها به چند نوع اند؟

۲- انواع رسانه را نام بگیرید.

۳- فواید و ضررهای رسانه‌ها را بر شمارید.

۴- رسانه‌های تصویری و غیر تصویری از هم چه تفاوت دارند؟

۵- در نوشتن یک نامۀ اداری کدام نکات را باید در نظر بگیریم؟



۱- در بارۀ رسانه‌ها و نقش آن‌ها در جامعه معلومات دهید که از هشت سطر کم نباشد.

۲- رسانه‌های چاپی و برقی را توضیح دهید.

۳- این بیت را به حافظه بسپارید:

ملکا ذکر تـــو گویم که تو پاکی و خدایی　　　نروم جز بـــه همان ره که توام راه نمایی

همه درگاه تو جویم همه از فضل تو پویم　　　همه توحید تو گویم که به توحید سزایی

سنایی

۴- متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.

درس بیستم

به پرسش‌های زیر شاگردان پاسخ دهند:
۱- طلاتپه در کجا واقع است؟
۲- آثار طلاتپه چگونه تا امروز نگهداری شده است؟
۳- آثار طلاتپه از چه نگاه ارزشمند است و چرا؟
٤- چرا آن را «طلاتپه» می‌گویند؟
۵- متخصصان، آثار طلاتپه را با کدام اثر تاریخی دیگر قابل مقایسه دانسته اند و آن اثر از کدام کشور به دست آمده است؟

طلاتپه

طلاتپه، در پنج کیلومتری شمال‌شرق شهر شبرغان و به طرف چپ شاهراه شبرغان- کابل موقعیت دارد. جوزجان یا شبرغان قدیم، در مسیر راه ابریشم قرار داشت و این راه از مسیر بلخ، اندراب، کوتل‌های خاواک پنجشیر و انجمن بدخشان می‌گذشت. یاقوت حموی در سال ۶۱۷ هـ . ق. مطابق ۱۲۳۸ میلادی و مارکوپولو (جهان‌گرد ایتالیایی) در قرن دوازدهم میلادی از توقف شان در جوزجان نوشته اند. براعظم آسیا، به ویژه سرزمین‌های آریایی، سرشار از منابع احجار کریمه و فلزات گران‌قیمت بود و بدان سبب توجه سیاحان، جهان‌گردان و تاجران را از طریق راه ابریشم به خود جلب نموده بود.

برخی از دانشمندان عقیده دارند که در دوره‌های باستان (در دوره‌های یونان و باختری)، کوشانی‌ها و عصر کنشکای کبیر، طلا به طریقهٔ ریگ‌شویی از دریاهای آمو و کوکچه به دست می‌آمد. بعد در کوره‌های بزرگ ذوب می‌شد و به دسترس جوهر سازان و زرگران قرار می‌گرفت و از طریق راه تجارتی ابریشم، به پایتخت پارت‌های قدیم رسانده می‌شد. طلای به دست آمده محصول زرکشان محلی بود.

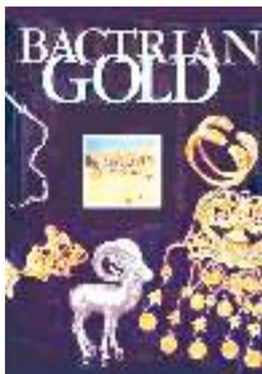


آثار حیرت‌انگیز طلاتپه، که از دو هزار سال بدین‌سو در زیر خاک مدفون بود، از داخل یک قبر در محلی کشف شد که این ناحیه را در گذشته‌های دور به نام باکتریان (باختر) یاد می‌کردند.

در حفریات سال ۱۹۷۸ میلادی، آثار تاریخی و گران‌قیمت از همین محل به دست آمد و در شهر کابل حفاظت و نگهداری می‌شد، در انتظار روزی که در بزرگترین نمایشگاه‌ها و موزیم‌های جهان به نمایش گذاشته شود و از این میراث باارزش و دست‌آورد بزرگ، صنعت‌گرانی

که در ساختن و تولید آن‌ها بیش از دو هزار سال قبل تلاش ورزیده بودند و از تاجران و رهروان راه ابریشم و آنانی که به این آثار ارزش غیر قابلِ سنجش داده اند، ابراز سپاس به عمل آید.

آثار کشف شده در سال‌های ۱۹۷۸و ۱۹۷۹ میلادی از همین ناحیه، شامل بیست هزار و ششصد قطعه آثار عتیقه از طلا، نقره، برونز، عاج، زیورات، مسکوکات، مجسمه‌ها، قبضه‌ها، جواهرات مختلف و غیره است که متخصصان باستان‌شناسی آن را با گنجینهٔ طوتان خامون مقایسه کرده اند که از آن کمتر نیست. همهٔ آثار توسط دو تن از عکاسان ماهر موزیم ارمیتاژ شهر سان‌پترس‌بورگ عکاسی گردیده و آلبوم نهایت زیبایی از آثار طلاتپه، زیر عنوان «طلای باختر»، درسال ۱۹۸۵م. ترتیب گردیده است.



این آلبوم تنها در موزیم قصر ریاست جمهوری افغانستان، که تنها دیپلومات‌ها، مهمانان خارجی و کارمندان ارشد دولتی می‌توانستند محتوای آن را مشاهده و مطالعه کنند، قرار داشت؛ حتی مجلهٔ معتبر«نشنل جیوگرافیک» عکس‌هایی از این آثار گران‌بها را به چاپ رسانیده و در زیر آن چنین نوشت: «این آثار حیرت‌انگیز را تماشا کنید! آیا بازدید مجدد آن‌ها نصیب ما خواهد شد؟... تاریخ این‌ها تنها به افغان‌ها و یونانی‌ها ارتباط ندارد؛ بلکه تاریخ همهٔ بشریت است که در صورت غفلت، نابود می‌گردد.»

در سال ۱۹۸۹م. همهٔ آثار طلاتپه، برای این که از تهدید دستبردهای زمان جنگ در امان بماند، به جای محفوظ در بانک مرکزی انتقال داده شد که خوشبختانه امروز در اختیار مردم افغانستان قرار دارد.



طوتان خامون: آثار باستانی مصر قدیم مربوط عصر فرعون یازدهم و سلسلهٔ رامِسس دوم است، که در سال ۱۹۲۲ میلادی کشف گردید.

بیاموزیم

۱- جوزجان یا شبرغان قدیم، که از جملهٔ ولایات معروف سمت شمال کشور است، در مسیر خط ابریشم قرار داشت.

۲- طلا در دوره‌های باستان (در دوره‌های یونان باختری)، کوشانی‌ها و عصر کنشکای کبیر، از طریق ریگ‌شویی از دریاهای آمو و کوکچه به دست می‌آمد.
۳- آثار حیرت‌انگیز طلاتپه، که از دو هزار سال بدین‌سو در زیر خاک مدفون بود، از داخل یک قبر در محلی کشف شد که این ناحیه را در گذشته به نام باکتریان (باختر) یاد می‌کردند.
۴- در حفریات سال ۱۹۷۸ میلادی، حدود بیست هزار و ششصد قطعه اثر تاریخی و گران‌قیمت از طلاتپه به دست آمد.



• **استعلام:** استعلام در لغت، معلومات خواستن، طلب معلومات کردن و آگاهی خواستن را می گویند و در اصطلاح نامه‌نگاری به نوع خاصی از نامه گفته می‌شود که دارای شکلی ویژه بوده و در آن اداره‌یی از ادارهٔ دیگری یا در میان خود همان اداره، در مورد موضوعی خواستار معلومات می‌شود؛ همچنان دفترهای مسؤول بازجویی از متهمان و مجرمان، پرسش‌های خویش را به صورت تحریری در همین نوع نامه نوشته و جواب اشخاص متهم یا مجرم را به صورت کتبی در آن گرفته و به حیث سند آن را مورد کاربرد مراجع قانونی قرار می‌دهند.

استعلام

سوال	جواب

بیشتر استعلام‌ها در کشور ما دارای چوکات و شکل مخصوص به خود بوده و تقریباً شکل آن در همه ادارات دولتی، یک‌سان است.

کار گروهی و سخنرانی



۱- چگونه می‌توان از آثار باستانی برای تقویت اقتصاد استفاده کرد؟ شاگردان در این مورد با هم گفتگو کنند و طرح‌های خود را از هر گروه یک نفر به دیگران بیان نماید.

۲- شاگردان به دو گروه تقسیم شوند و با درنظرداشت قواعدی که خوانده شد، گروه اولی یک دعوت‌نامه به عروسی و گروه دوم یک دعوتنامه به مجلس ترحیم بنویسند؛ سپس از هر گروه یک تن شان آن را خوانده، به روی تخته بنویسد و گروه مقابل آن را اصلاح کند.

املا و نگارش

۱- متنی را که معلم گرامی به خوانش می‌گیرد درکتابچه‌های تان املا بنویسید.

۲- در بارهٔ تصویرهای آثار طلاتپه با رعایت قواعد دستوری، املایی و نشانه‌های نگارشی، در کتابچه‌های‌تان یک متن بنویسید که از هفت سطر کم نباشد.



۱- طلا در دوره‌های باستان از چه طریق و از کدام قسمت‌های کشور ما به دست می‌آمد؟

۲- آثار طلاتپه، در کجا و کدام سال کشف شد؟ آن ناحیه را در گذ شته به چه نامی یاد می‌کردند؟

۳- آثار کشف شدهٔ طلاتپه متشکل از چند قطعه بوده و شامل چه چیزهایی است؟



۱- ارزش اقتصادی، تاریخی، تحقیقی و فرهنگی آثار طلاتپه را طی ده سطر بنویسید.

۲- این بیت را به حافظه بسپارید:

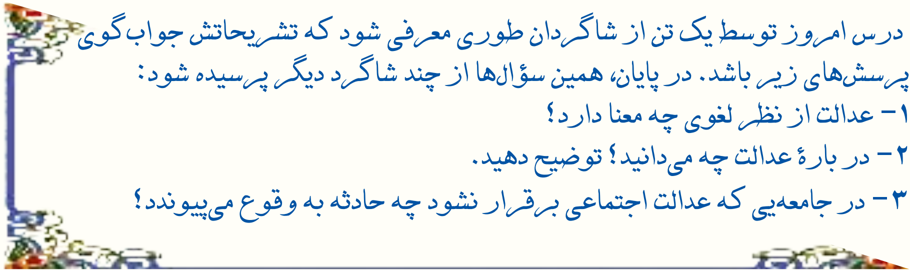
هر آن کو نماند از پسش یادگار ‌ ‌ ‌ درخت وجودش نیاورد بار

وگر رفت و آثار خیرش نماند ‌ ‌ ‌ نشاید پس مرگش الحمد خواند

سعدی

۳- متن کامل درس بیست و یکم را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.

درس بیست و یکم



درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که تشریحاتش جواب‌گوی پرسش‌های زیر باشد. در پایان، همین سؤال‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود:

۱- عدالت از نظر لغوی چه معنا دارد؟

۲- در بارهٔ عدالت چه می‌دانید؟ توضیح دهید.

۳- در جامعه‌یی که عدالت اجتماعی برقرار نشود چه حادثه به وقوع می‌پیوندد؟

عدالت اجتماعی

عدالت را از دو منظر می‌توان به بررسی گرفت؛ یکی این‌که عدالت را از فضایل اخلاق انسانی می‌توان شمرد و آن سرچشمه‌یی از حالات روحی فرد است و دانشمندان به این عقیده اند که عدالت حد وسط و حالت تعادل است میان ظلم و انظلام و این حالت فضیلت است؛ دوم بر مبنای حقوقی که جهت اصول تعادل افراد جامعه باید در میان آنان اجرا شود.

در نهایت تعریفی را که حقوق‌دانان و علمای حقوق و اخلاق بر آن موافق اند چنین است که گذاشتن هر چیزی در جای خودش عدالت است؛ بنابراین، عدالت رعایت حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی، آزادی بیان و اندیشه، حق کار و غیره و خلاصه دادن حق به حق‌دار است. مبنای برابری این است که انسان‌ها بر حسب گوهر و ذات برابر اند. پیامبر اکرم ﷺ در مورد عدالت فرموده اند: «مؤمن کامل شمرده نمی‌شود یکی از شما که دوست بدارد برای برادرش آن‌چه را که برای خود دوست نمی‌دارد.» از آیات و احادیث چنین بر می‌آید که عدالت یکی از شاخص‌ها و اهداف عمدهٔ دین مقدس اسلام می‌باشد و آنانی که به این هدف عالی پای‌بندی ندارند آنان را مؤمن کامل گفته نمی‌توانیم. اسلام دین وسط و اعتدال بوده و می‌خواهد که همه افراد اجتماع دارای حقوق مادی و معنوی باشند و از آن باید مستفید گردند. اسلام دین کامل بوده و در هر شرایط زمانی و مکانی از خود برنامه‌ها دارد و هیچ نوع تبعیض و تعصب را به رسمیت نمی‌شناسد. سیاه و سفید و عرب و عجم هیچ امتیاز و برتری یکی بر دیگری ندارند.

کار باید به اهل کار سپرده شود تا عدالت اجتماعی در یک جامعه تأمین شود و نیز دین اسلام حکم می‌کند که برای هر یک از انسان‌هایی که در یک جامعه زنده‌گی می‌نمایند باید

برای شان مقامی مطابق لیاقت و استعداد شان سپرده شود. عدالت اجتماعی افراد جامعه را به سوی اجرای اعمال شایسته سوق می‌دهد و از ارتکاب اعمال ناجایز و غیر انسانی برحذر می‌دارد. عدل و داد از خواست‌های اساسی دین به شمار می‌رود. در راستای برقراری عدالت اجتماعی از همان آغاز نزول قرآن مجید بر رسول خدا، قدم‌های مؤثر و استوار برداشته شد که همانند آن هیچ دین و مذهب و آیین دیگری چنان استوار گام ننهاده است و به صراحت اظهار می‌دارد که هیچ‌کس بر دیگری برتری ندارد؛ مگر به تقوا.

همچنان نظام حکومت در اسلام بر پایهٔ عدالت فرمان‌روایان و فرمان‌برداری افراد و مشورت بین آن دو بنا شده است که هر یک باید وجیبه‌های خود را به گونهٔ درست انجام دهند.

فرمان‌روایان عدالت را بین افراد برقرار داشته و در تطبیق آن از هیچ‌گونه تلاش دریغ نورزند؛ چنان‌که خداوندﷻ در این رابطه فرموده است: «وَإِذَا حَكَمْتُم بَيْنَ النَّاسِ أَن تَحْكُمُواْ بِالْعَدْلِ». آیهٔ ۵۸ سورة النساء

ترجمه: و چون میان مردم داوری می‌کنید، به عدالت داوری کنید.

محبوب‌ترین مردم نزد خداوندﷻ در روز قیامت در مقام و رتبه، پیشوای عادل است و از همهٔ مردم بدتر نزد خداوند در روز قیامت و مستحق شدیدترین عذاب، پیشوای ظالم است. این عدل مطلقی است که ترازوی آن با حب و بغض کج نمی‌شود، هیچ دوستی و دشمنی قواعد آن را تغییر نمی‌دهد، تحت تأثیر خویشاوندی افراد و دشمنی اقوام قرار نمی‌گیرد و افراد ملت اسلامی همه‌گی از آن بهره می‌برند و هیچ حسب و نسب و مال و مقامی باعث جدایی، بین آنان نمی‌شود؛ چنانکه ملت‌های دیگر نیز از آن بهره می‌گیرند. عدالت روشی است که هیچ قانون داخلی و بین‌المللی تا کنون به پای آن نرسیده است.

در رابطه به فرمان‌برداری افراد، اوامری از جانب خداوندﷻ فرستاده شده که عمل به آن سبب پیروزی در دنیا و آخرت گردیده و یکی از عواملی است که نظم جامعه بر پایهٔ آن برقرار است. از خداوندﷻ ، رسولﷺ و صاحبان امر خود اطاعت کنید. (نساء ۵۹) جمع بین خداﷻ ، رسول و صاحبان امر در آیهٔ مزبور شامل نکته‌یی در بارهٔ واقعیت این اطاعت و حدود آن است: اطاعت «اولو الامر» از اطاعت خدا و رسول کمک می‌گیرد؛ زیرا که ولی امر اسلامی ذاتاً مورد اطاعت نیست؛ بلکه به خاطر این‌که قیام بر شریعت و قوانین خداﷻ

و رسول نموده، اطاعت می‌شود و اطاعت او فقط منوط به اجرای شرع است و اگر از اجرای این شریعت منحرف شد، اطاعتش هم سقوط می‌کند و اجرای اوامرش واجب نیست.
عدالت، بزرگترین قاعده و رکن اسلام است؛ البته عدالت اجتماعی همیشه به حساب فرد نیست؛ بلکه اگر بخواهیم راه صحیح عدالت را در تمام صور و اشکال آن در حیات خود تحقق دهیم باید آن را هم برای فرد و هم برای اجتماع حساب کنیم. علاوه بر همهٔ این‌ها، هیچ کس یقین ندارد که سرکوب عوامل معقول طبیعی، نتیجهٔ خوبی به فرد یا اجتماع به بار می‌آورد و بدگمانی به فطرت و سرکوب این عوامل و ایستادن در مقابل آن‌ها راهی برای عدالت درست می‌کند. خلاصه، عدالت این نیست که برای همه‌گان همه چیز را مساوی بدهند؛ بلکه زمینهٔ رشد مساوی را برای افراد جامعه مساعد کنند، بعد هر کس طبق استعداد و سعی و تلاش خود به حق خود نایل آید. تبعیض در نظر گرفته نشود؛ حق به حق‌دار برسد؛ زمینهٔ پیشرفت و ترقی در امور مختلف آماده شود و هیچ شخص و گروهی تحت نام‌های زبان، سمت و نژاد مورد آزار و اذیت قرار نگیرند و یا این‌که تحت همین عناوین بدون در نظر گرفتن لیاقت و اهلیت کسی مورد نوازش قرار نگیرد. شایسته‌سالاری باید در جامعه حاکم گردد و در نتیجه، عدالت اجتماعی به مفهوم واقعی کلمه تأمین شود و بدین وسیله کشور از فقر و بدبختی نجات می‌یابد.



عدالت اجتماعی: عبارت از روش اعتدال و میانه‌روی است که باید حق هیچ فرد و گروه در جامعه تلف نگردد؛ حق به حق‌دار برسد؛ زمینهٔ رشد یک‌سان برای همه فراهم گردد و هر کس طبق استعداد و اهلیت به مقام خود نایل آید.

بیاموزیم

۱- عدل در لغت دادگری، ضد جور و ستم و امر میانه که دور از افراط و تفریط باشد.
۲- زمینهٔ رشد برای افراد جامعه مساعد گردد.
۳- برای تأمین عدالت اجتماعی هر نوع تبعیض باید از بین برود.

۴- عدالت حد وسط و حد تعادل میان ظلم و انظلام است.

۵- کار باید به اهل کار سپرده شود.



• نامه (مکتوب)های رسمی به شخص

عبارت از نامه‌هایی است که از سوی یک ادارهٔ رسمی دولتی برای یک یا چندین شخص یا سازمان یا شرکت فرستاده می‌شود. شکل و ساختمان این گونه نامه‌ها کمابیش همانند نامه‌های اداری است، با تفاوت‌های اندکی که در زیر به شرح آن خواهیم پرداخت. بر اساس آن‌چه در ادارات و دفاتر رسمی گوناگون، رایج و متداول است، و در عرف اداری کشور نیز پذیرفته شده و ثابت است، نامه‌های رسمی به شخص باید دارای اوصاف و شکل زیر باشد:

۱- آدرس یا نشانی فرستنده (اگر نامه چاپی باشد و آدرس دفتر در پایین آن باشد، نوشتن این قسمت لازم نیست.)

۲- تاریخ صدور نامه

۳- شمارهٔ دفتر

۴- عنوان (خطاب به گیرندهٔ نامه)

۵- آغاز نامه (عبارت یا جملهٔ احترامی در ابتدای نامه)

۶- متن نامه

۷- پایان نامه (عبارت یا جملهٔ احترامی پایانی)

۸- نام و مقام اداری نویسنده (کنار چپ صفحه)

۹- امضای نویسنده

۱۰- مهر اداره (در صورت ضرورت)

۱۱- ذکر ضمیمه‌ها با تعداد اوراق آن (کنار راست صفحه، دو سانتی‌متر پایین‌تر از امضا)

۱۲- نام شخص و یا اشخاص گیرنده (اگر گیرنده‌گان بیشتر از یک شخص باشد.)

تفصیلات

۱- نوشتن عبارت‌ها و جمله‌های احترامی مقدماتی و پایانی درین گونه نامه‌ها ضروری است.

۲- اگر گیرندهٔ نامه، دارای القاب و عناوین علمی؛ مانند: دکتور، انجنیر، استاد، سرمحقق، مؤلف و یا القاب اداری و نظامی؛ مانند: وزیر، رئیس، دگروال، جنرال و امثال این‌ها باشد، نوشتن این القاب و عناوین ضروری است.

۳- اگر نامه از طرف ارگان‌های قضایی برای یک مجرم نوشته می‌شود، عبارت‌ها و جمله‌های احترامی مقدماتی و پایانی و القاب و عناوین علمی، اداری و نظامی نباید نوشته شود؛ اما اگر نامه از طرف ارگان‌های قضایی برای یک متهم نوشته می‌شود، نوشتن عبارت‌ها و جمله‌های احترامی مقدماتی و پایانی و القاب و عناوین علمی، اداری و نظامی ضروری است.

۴- اگر در نامه از گیرنده تقاضای اجرای کاری در موعد معینی شده باشد، ذکر تاریخ نهایی آن حتمی است.

کار گروهی و سخنرانی

۱- شاگردان به چند گروه تقسیم شوند و پیرامون عدالت اجتماعی به بحث و گفتگو بپردازند؛ سپس از هر گروه یک نفر مقابل صنف آمده و نتیجه را به دیگران انتقال دهد.

۲- یک تن از شاگردان در برابر صنف آمده، پیرامون چند آیت در مورد عدالت اجتماعی توضیحات دهد.

۳- یک شاگرد در مورد مفهوم این شعر صحبت نماید.

بنی‌آدم اعضای یکدیگر انـــد　　　که در آفرینش ز یک گوهر اند

چو عضوی به درد آورد روزگار　　　دگـر عـضوها را نماند قـــــرار

تو کز محنت دیگران بی‌غـمی　　　نشـــایـد که نامت نهند آدمی

سعدی (رح)

املا و نگارش



۱- متنی را که معلم گرامی به خوانش می‌گیرد به صورت املا در کتابچه‌های تان بنویسید.

۲- در مورد تصویر مقابل، متنی بنویسید که از ده سطر کم نباشد.



۱- عدالت چه معنا دارد؟

۲- در بارۀ عدالت اجتماعی چه می‌دانید؟ توضیح دهید.

۳- صلاحیت، اهلیت و زمینۀ رشد افراد در تحقق عدالت اجتماعی چه نقشی دارد؟

۴- عدالت را در پرتو آیات قرآن توضیح دهید.

۵- فرق میان عدالت فردی و اجتماعی چیست؟

۶- در بارۀ نامه‌های رسمی به شخص، معلومات دهید.



۱- در بارۀ عدالت اجتماعی یک مقاله بنویسید که از ده سطر کم نباشد.

۲- آیا بدون رعایت عدالت اجتماعی، جامعه می‌تواند ترقی کند؟ توضیح دهید.

۳- این بیت را به حافظه بسپارید:

اظهار عجز پیش ستم‌پیشه ابلهی است　　　اشک کباب باعث طغیان آتش است

صائب

۴- متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.

درس بیست و دوم

پرسش‌های آتی را شاگردان پاسخ دهند:

۱- در شعر پایگاه انسان، سنایی مردم را به سوی چه فرا می‌خواند؟
۲- سنایی در سرایش اشعارش از کدام شاعران معروف الهام گرفته است؟
۳- پیرامون زنده‌گی‌نامه‌نویسی عصری و جدید چه می‌دانید؟ بیان دارید.

پایگاه انسان

پایه بسیار سوی بام بلند — تو به یک پایه چون شوی خرسند؟
از پی کارت آفریدستند — جامهٔ خلعتت بریدستند
تو به خلقان چرا شوی قانع؟ — چون نگردی بدان حلل طامع؟
مِلک و مُلک از کجا به دست آری — چون مه شصت روز بیکاری
غافلی سال و ماه و مغروری — دد و دیوی و ز آدمی دوری
آدمی کی بود گزنده چو تو؟ — دیو و دد کی بود درنده چو تو؟
سال و مه کینه‌جوی همچو پلنگ — خلق عالم ز طبع تو دلتنگ
آن جوانی که گرد غفلت گشت — آن نه عمر، آن فضول بود و گذشت
مرد عاقل ز لهو پرهیزد — زین چنین عمر عقل بگریزد
در رخ ماه نو کسی خندد — که ازو سود و مزد بربندد
پس تو باری چرا نگریی خون؟ — کت ازو جان کم است و وام فزون
مرد چون رنج برد گنج برد — مرغ راحت به باغ رنج پرد
هر که با جهل و کاهلی پیوست — پایش از جای رفت و کار از دست
خُردهمت همیشه خوار بود — عقل باشد که شادخوار بود
اندرین راه گرچه آن نکنی — دست و پایی بزن، زیان نکنی
رنج‌کش را نتیجه چه بود؟ گنج — بستر خواب راحت آمد رنج
به تمنا تو مرد ره نشوی — پاس خود دار تا تبه نشوی
به طلب یابی از بزرگان جاه — کز طلب خوبروی گردد ماه

حدیقهٔ سنایی



حکیم ابو المجد مجدود بن آدم سنایی از شاعران بلندرتبهٔ قرن ششم هجری است؛ ابتدا به دربار غزنویان راه یافته و شاهان غزنوی را مدح می‌گفت و پس از دگرگون گشتن حال و ملاقات با صوفیه و مشایخ بزرگ از مدح شاهان چشم پوشیده و عزلت‌گزینی را اختیار کرد؛ سپس سفرهایی به حج و شهرهای بلخ، سرخس، مرو و نیشاپور نموده و تا پایان عمر در غزنین ماند و در حدود سال ۵۲۹ هـ . ق. وفات یافت و مرقد وی در شهر غزنین است. سنایی را نخستین کسی می‌دانند که تصوف را وارد شعر ساخت. از سنایی آثاری چون، دیوان اشعار که شامل قصیده‌ها، غزل‌ها و قطعه‌ها است، کتاب حدیقةالحقیقه، سیرالعباد الی المعاد، طریق‌التحقیق، کارنامهٔ بلخ و مثنوی‌هایی به نام عشق‌نامه و عقل‌نامه را می‌توان نام برد.

اشعار دورهٔ اول سنایی تحت تأثیر سبک فرخی و مسعود سعد است و در دورهٔ دوم که سنایی وارد عالم عرفان شد مضامین مستقل و اشعار عارفانه دارد. او نخستین غزل‌سرای عارف است که افکار و اصطلاحات عرفانی را با مضامین عاشقانه آمیخته است.

۲–کت: مخفف (که ترا) است.

۳– خردهمت: کم‌همت

بیاموزیم

۱– مدارج رسیدن به مقام والای انسانیت بسیار است که با سعی و تلاش انسان، به دست می‌آید.

۲– غفلت و بی‌خبری و عدم سعی و تلاش، انسان را از مرتبهٔ اصلی‌اش پایین‌تر می‌برد.

۳– سنایی از جملهٔ شاعران عارف قرن ششم هجری است که در غزنین زاده شده و در همانجا وفات یافته است.

۴– آثار سنایی عبارت از مثنوی حدیقة الحقیقه، کارنامهٔ بلخ، سیرالعباد الی‌المعاد، طریق‌التحقیق، عقل‌نامه و عشق‌نامه می‌باشد.



• زنده‌گی‌نامه

وقتی در یک مؤسسهٔ دولتی یا غیر دولتی درخواست استخدام بدهیم، آن مؤسسه از ما چیزی به نام زنده‌گی‌نامه (CV) می‌خواهد که نوشتن آن نیز تابع قواعدی است به شرح زیر:

زنده‌گی‌نامه‌ها معمولاً دارای چهار بخش عمده اند: ۱- نام، آدرس و شمارهٔ تماس ۲- شرح تحصیلات ۳- وظایف قبلی ۴- توانایی‌ها.

بخش نخست شامل این نکته‌ها می‌باشد:

۱- نام و نام خانواده‌گی (در قسمت وسط صفحه با خط بزرگ) اندازهٔ خط: ۱۸ بولد (برجسته)

۲- آدرس مکمل محل سکونت یا آدرس پستی (در قسمت پایینی نام، با خط کوچک‌تر) اندازهٔ خط: ۱۶

۳- آدرس تماس: شمارهٔ تیلفون منزل/ موبایل / ایمیل (درقسمت پایینی آدرس) اندازهٔ خط: ۱۶

نکته‌های این بخش به شکل عمودی نوشته می‌شود.

بخش دوم (شرح تحصیلات) این نکته‌ها را در بر می‌گیرد: اندازهٔ خط: ۱۴

به شکل افقی: درجهٔ تحصیل/ رشتهٔ تحصیلی/ نام مؤسسهٔ تحصیلی/ آدرس کامل آن (با شهر و کشور)/ سال فراغت

توجه: درجهٔ تحصیل (از آخرین سند فراغت تحصیلی به طرف نخستین سند فراغت: دکتورا، ماستری، لیسانس، بکلوریا، دورهٔ متوسطه، دورهٔ ابتدائیه؛ یعنی در شمارهٔ نخست، آخرین شهادت‌نامه، در شمارهٔ دوم، سند فراغت قبل از آن و به همین ترتیب تا دورهٔ ابتدایی.)

بخش سوم (وظایف قبلی) شامل این نکته می‌شود: اندازهٔ خط: ۱۴

به شکل افقی: نام وظیفه/ مکلفیت‌ها/ نام مؤسسه/ آدرس مؤسسه (با شهر و کشور)/ از تاریخ / / تا تاریخ / /

بخش چهارم (توانایی‌ها) این نکته را در بر می‌گیرد: اندازهٔ خط: ۱۴

به شکل افقی: تجربه و تخصص در رشتهٔ کاری/ توانایی در خواندن و نوشتن (چند زبان)/ توانایی در بخش منجمنت و اداره/ توانایی استفاده از کمپیوتر و انترنت / و امثال این‌ها.

* یادداشت: ۱- تعداد مجموعی صفحات زنده‌گی‌نامه، نباید از دو صفحه تجاوز کند. ۲ – در زبان‌هایی که از چپ به راست نوشته می‌شوند، از جملهٔ چهار بخش، سه بخش آن به شکل معکوس نوشته می‌شوند؛ یعنی بخش اولی به جای خود باقی می‌ماند و سه بخش دیگر باید بدین ترتیب نوشته شود: (توانایی‌ها/ وظایف قبلی/ تحصیلات)

کار گروهی و سخنرانی

۱- شاگردان به چند گروه تقسیم شوند و پیرامون مفهوم کلی بیت‌های زیر مباحثه نموده، بعد از هر گروه یک نفر نتیجهٔ بحث گروه خود را به دیگران بگوید.

پایه بسیار سوی بــام بلند　　　تو به یک پایه چون شوی خرسند؟
از پی کارت آفــریــدستند　　　جــامهٔ خلـعتت بــریـــدستنـد
تو به خلقان چرا شوی قانع　　　چون نـــگردی بـدان حلل طامع؟

۲- یک تن از شاگردان در برابر صنف آمده، در مورد زنده‌گی، سبک اشعار و آثار سنایی توضیحات ارائه کند.

املا و نگارش

۱- متنی را که معلم گرامی به خوانش می‌گیرد به صورت املا در کتابچه‌های تان بنویسید.
۲- با درنظرداشت قواعدی که در آیین نامه‌نگاری خواندید، خلص سوانح خود را در کتابچه‌های تان بنویسید.



۱- سنایی در شعر «پایگاه انسان» مردم را به چه فرا می‌خواند؟
۲- سنایی در سرودن اشعارش از کدام شاعران الهام گرفته است؟
۳- مفهوم بیت زیر را بگویید:

هر که با جهل و کاهلی پیوست　　　پایش از جای رفت و کار از دست

۴- عبارت (خردهمت) در شعر سنایی به کدام مفهوم است؟
۵- در مورد زنده‌گی‌نامه‌نویسی به شیوهٔ عصری و جدید آن چه می‌دانید؟



۱- نظم پایگاه انسان را به عبارت خود به نثر تبدیل کنید.
۲- این بیت را به حافظه بسپارید:

مکن در جسم و جان منزل که این دونست و آن والا
قدم زین هر دو بیرون نِه، نه اینجا باش، نه آنجا

سنایی

۳- متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.

درس بیست و سوم

از شاگردان پاسخ‌های این پرسش‌ها پرسیده شود:

۱- محتشم کاشانی کی بود؟

۲- چه کسی را پدر مرثیه نگاری می‌خوانند؟

۳- کربلا چه معنا دارد؟

٤- در دشت کربلا حضرت امام حسین﵁ با چند تن از یارانش به شهادت رسیدند؟

محتشم کاشانی

محتشم کاشانی از شاعران عهد صفوی بوده، او را «پدر مرثیه‌سرایی» می‌نامند. از میان مرثیه‌های او مهم‌تر از همه ترکیب‌بندی است در رثای شهیدان کربلا و مربوط به واقعهٔ شهادت امام حسین﵁؛ هم‌چنین به مجموعهٔ غزل‌هایی به نام جلالیه، جامع اللطایف و نقل عشاق او می‌توان اشاره کرد.

محتشم کاشانی در کاشان به شغل بزازی سرگرم بود و به شعر علاقه داشت. محتشم کاشانی مدیحه‌یی مقارن جلوس شاه تهماسب به دربار او فرستاد و سلطان صفوی را واداشت تا شاعران را به ترک مدیحه‌سرایی توصیه کند و آنان را به نظم مرثیه‌های بزرگان دین ترغیب نماید. محتشم کاشانی خود از کسانی بود که به توصیهٔ شاه تهماسب به اشعار دینی روی آورد و با سرودن مرثیهٔ معروف در دوازده بند در بارهٔ واقعهٔ کربلا در مرثیه‌سرایی به جایگاه والایی دست یافت. وفات وی در سال ۹۶۶ هـ.ق. اتفاق افتاده است. اکنون ابیاتی از دو بند این مرثیه را می‌خوانیم:

بند اول

باز این چه شورش است که در خلق عالَم است

باز این چه نوحه و چه عزا و چه ماتم است؟

باز این چه رستخیز عظیم است کز زمین

بی‌نفخ صور خاسته تا عرش اعظم است؟

این صبح تیره باز دمید از کجا؟ کزو

کار جهان و خلق جهان جمله درهم است

گویا طلوع می‌کند از مغرب آفتاب

کاشوب در تمامی ذرات عالم است

گر خوانمش قیامت دنیا بعید نیست

این رستخیز عام که نامش محرم است

در بارگاه قدس که جای ملال نیست

سرهای قدسیان همه بر زانوی غم است

جن و مَلَک بر آدمیان نوحه می‌کنند

گویا عزای اشرف اولاد آدم است

خورشید آسمان و زمین نور مشرقین

پروردهٔ کنار رسول خدا حسین

بند دوم

کشتی شکست‌خوردهٔ توفان کربلا

در خاک و خون فتاده به میدان کربلا

گر چشم روزگار بر او فاش می‌گریست

خون می‌گذشت از سر ایوان کربلا

نگرفت دست دهر گلابی به غیر اشک

زان گل که شد شکفته به بستان کربلا

از آب هم مضایقه کردند کوفیان

خوش داشتند حرمت مهمان کربلا

بـــودنـــد دیو و دد همه سیـــراب و می‌مکید

خـــاتـــم ز قحـــط آب سلیمـان کـــربـــلا

زان تشنه‌گـــان هنـــوز بـــه عیوق می‌رســد

فـــریـــاد العطش ز بیـــابـــان کـــربـــلا

آه از دمی‌که لشـکر اعـــدا نـــکرد شـــرم

کـــردنـــد رو بـــه خیمهٔ سلطان کـــربـــلا

آنـــدم فلک بـــر آتش غیـــرت سپنـــد شد

کـــز خـــوف خصم در حـــرم افغـان بلند شد

محتشم کاشانی



• رستخیز عظیم: اشاره به واقعه و سانحهٔ کربلا که در آن حضرت امام حسین (ع) با هفتاد و دو تن از یارانش جام شهادت نوشیدند.

• کربلا: نام یکی از شهرهای عراق(بین‌النهرین) است که تا سال ۶۱ هـ . ق. بیابان بوده است و از آن به بعد بر اثر شهادت حسین بن علی (ع) آن محل مورد توجه قرار گرفته است.

بیاموزیم

۱– محتشم کاشانی از شاعران عهد صفوی است که به سال ۹۶۶ هـ . ق. وفات نموده است

۲– محتشم کاشانی را «پدر مرثیه‌سرایی» می‌نامند.

۳– واقعهٔ کربلا در سال ۶۱ هـ . ق. اتفاق افتاد.

۴– واقعهٔ کربلا، واقعه‌یی‌ست که میان سپاهیان حسین (ع) و سپاهیان یزید بن معاویه در محرم سال ۶۱ هـ . ق. اتفاق افتاد که به شهادت حسین (ع) و اسارت بقایای اهل بیت

وی انجامید.

۵– در واقعهٔ کربلا حضرت امام حسین رضی‌الله‌عنه با ۷۲ تن از یارانش به شهادت رسیدند.



نمونهٔ زنده‌گی‌نامه (CV)

نام «نام خانواده‌گی»

آدرس:............................ تیلفون:.......................ایمیل آدرس:.......................................

تحصیلات

شماره	درجهٔ تحصیل	رشتهٔ تحصیل	مؤسسهٔ تحصیلی	سال فراغت
۱	دکتورا	ژورنالیزم	دانشگاه تهران	۱۳۸۰
۲	ماستری	ادبیات دری	پوهنتون کابل	۱۳۷۶
۳	لیسانس	ادبیات دری	پوهنتون کابل	۱۳۷۳
۴	بکلوریا		لیسهٔ استقلال	۱۳۷۰
۵	متوسطه		لیسهٔ نادریه	۱۳۶۷
۶	ابتدایی		لیسهٔ نادریه	۱۳۶۰

اشتراک در ورکشاپ‌ها، سیمینارها و کورس‌های آموزشی

شماره	نام کورس	شهادتنامه	برگزارکننده	مدت
۱	زبان انگلیسی	Certificate		
۲	کمپیوتر	Certificate		

وظایف قبلی

شماره	نام وظیفه	مکلفیت‌ها	نام مؤسسه	از تاریخ	تا تاریخ
۱	استاد	تدریس	لیسهٔ استقلال	۷۶/۳/۲	۸۱/۶/۵
۲	مدیر	منجمنت	معارف شهر	۶-۷-۸۱	۸۹/۱/۱۲

آشنایی با زبان‌ها

شماره	زبان	خواندن	نوشتن	مکالمه
۱	دری	عالی	عالی	عالی
۲	پشتو	عالی	عالی	عالی
۳	عربی	خوب	متوسط	خوب
۴	انگلیسی	متوسط	متوسط	متوسط

کار گروهی و سخنرانی

۱- شاگردان به چند گروه تقسیم شوند و پیرامون واقعهٔ کربلا به بحث و گفتگو بپردازند؛ سپس از هر گروه یک نفر مقابل صنف آمده و نتیجه را برای دیگران بیان نماید.

۲- یک تن از شاگردان در برابر صنف آمده، پیرامون مرثیه‌نگاری در ادبیات دری معلومات ارائه کند.

۳- چند شاگرد در مورد بیت زیر دو دقیقه صحبت کنند.

ادب بهتر از گنج قـــارون بـــود
فـــزونتر ز مُلک فـــریدون بـود

املا و نگارش

۱- متنی را که معلم گرامی به خوانش می‌گیرد به صورت املا در کتابچه‌های تان بنویسید.

۲- با درنظرداشت قواعدی که در آیین نامه‌نگاری خواندید، زندهٔ‌گینامهٔ خود را در کتابچه‌های تان بنویسید.



۱- محتشم کاشانی را به نام چه یاد می‌کنند؟

۲- در مورد محتشم کاشانی چه می‌دانید؟

۳- دو اثر محتشم کاشانی را نام بگیرید.

۴- در واقعهٔ کربلا حضرت امام حسین رضی‌الله‌عنه با چند تن از یارانش شهید شدند؟

۵- در رثای حضرت امام حسین رضی‌الله‌عنه، واقعهٔ کربلا به قیامت دنیا تشبیه شده است، در این مورد توضیح دهید.



۱- پیرامون شخصیت حضرت امام حسین رضی‌الله‌عنه و کارنامه‌های شان یک مقاله بنویسید.

۲- این بیت را به حافظه بسپارید:

خورشید آسمان و زمین نور مشرقین

پـــروردهٔ کنـــــار رسول خدا حسین

محتشم کاشانی

۳- متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.

درس بیست و چهارم

به پرسش‌های زیر از شاگردان پاسخ خواسته شود:

۱- شعر میهن از سروده‌های کدام شاعر کشور ماست؟

۲- شعر میهن مبین چه نوع یک احساس است؟

۳- در مورد شخصیت مستغنی آنچه می‌دانید معلومات دهید.

میهنم

ای بـــاغ و بهـــار و ای بهشتـم | ای روز نـخـسـت سـرنـوشتـم
مهر تـــو به جان و دل سرشتم | تخـــم عشقت بـــه سینه کشتم
چشمم اول رخ تـــو دیـــده | گـــوشم سخـــن تـرا شنیـده
چیـــزی چـــو تو دلستان نباشد | هــرگــز چو تــو مهربان نباشد
ســودای تــرا زیــان نبــاشد | جــز سودم از این دکـان نباشد
درد همــه را دوا تـــو بــاشی | رنج همـــه را شفـــا تــو باشی
هر نشـــو و نمـــایم از تـو باشد | هــر گونه غـــذایم از تــو بــاشد
من چـــون به ره تــو سر نبازم | خـــاکم بــر سـر اگــر نـبـازم
ای از تـــو قـــرار و هـم شکیبم | ای مـــونس جـــان و ای حبیبم
دور از تـــو اگر بـــه بـــاغ باشم | چـــون لاله قـــرین داغ بـــاشم
مستغنی اگـــر وطـــن‌پـــرستی | بـا مهر وطـن چـــو عهد بستی

مستغنی



استاد عبدالعلی مستغنی فرزند ملارمضان در سال ۱۲۹۳ هـ . ق. در حوالی بالاحصار کابل پا به عرصهٔ حیات گذاشت و از سخنوران چیره‌دست عهد امیر حبیب الله خان است او تحصیلات ابتدایی را نخست از پدر محترمش فراگرفت؛ اما علوم متداولهٔ عصر از قبیل: مبادی منطق، فلسفه، فقه و غیره را در مدارس کسب نمود. چون ذوق و استعداد شعری در نهادش موجود بود، به زودی شهرت زیاد حاصل کرد. او به زبان‌های دری و پشتو اشعار شیرین و مورد نظر اهل علم و ادب سرود.

مستغنی مدت چندی مصحح جریدهٔ سراج‌الاخبار و مدتی به صفت استاد در لیسهٔ حبیبه مشغول تدریس بود و بقیهٔ عمرش در انجمن ادبی کابل سپری گردید. دیوان مستغنی مشتمل بر غزل‌ها، قصیده‌ها، مثنوی‌ها، ترکیب‌بندها، ترجیع‌بندها، رباعی‌ها و غیره می‌باشد که دارای مضامین اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و ملی است.

این شخصیت ادبی روز یک‌شنبه بیست و دوم برج حوت سال (۱۳۱۳ هـ . ش.) پس از یک هفته مریضی چشم از جهان بست و در شهدای صالحین به خاک سپرده شد.

بیاموزیم

۱- استاد عبدالعلی مستغنی فرزند ملا رمضان در سال ۱۲۹۳ هـ . ق. در حوالی بالاحصار کابل چشم به جهان گشود.

۲- وطن هر کس برایش شیرین‌تر از همه زیبایی‌های دنیاست و در برابر حفظ آن، مسؤولیت دارد.

۳- انسان در هر جایی از دنیا که باشد رابطهٔ قلبی با سرزمین خودش دارد.

۴- هیچ جایی در دنیا برای انسان راحت‌تر از وطن خودش بوده نمی‌تواند.



• دعوت‌نامه

نامه‌یی است که از طرف اشخاص، خطاب به شخص یا اشخاصی به منظور شرکت و حضور در نشستی خاص تنظیم می‌شود. دعوت‌نامه به صورت کلی دو نوع است:

۱- دعوت‌نامهٔ عمومی: که به صورت اطلاعیه یا آگهی بدون ذکر مخاطب از طریق روزنامه، نشریات و رسانه‌های گروهی به اطلاع مخاطبان خاص خود می‌رسد.

۲- دعوت‌نامهٔ خصوصی: به شخص خاص صادر می‌شود و این نیز دو نوع است:

الف) شخصی: که از سوی افراد به یکدیگر نوشته می‌شود.

ب) اداری: این‌گونه دعوت‌نامه‌ها به لحاظ جنبه‌های عاطفی و احترامی آن، باید از سوی بالاترین مقام اداری امضا شود، که معمولاً فاقد مُهر اداری است.

دعوت‌نامه‌ها دارای بخش‌هایی اند که ترتیب این بخش‌ها به صورت زیر است:

۱- عنوانی که در خطاب به گیرندهٔ نامه نوشته می‌شود.
۲- آغاز نامه (عبارت و جمله‌های احترامی مقدماتی)
۳- متن نامه
۴- پایان نامه (عبارت احترامی پایانی)
۵- نام و نام خانواده‌گی نویسنده و ذکر مشخصات او
۶- امضا (در صورت لزوم)
۷- زمان (ساعت، روز، تاریخ)
۸- آدرس کامل محل دعوت
۹- شمارهٔ تیلفون فرستنده (در صورت لزوم)

بیشتر بخش‌های «آدرس فرستنده و گیرنده» روی پاکت نوشته می‌شود.

کار گروهی و سخنرانی

۱- شاگردان باهم گفتگو کرده، معناهای واژه‌های: مطول و غیاث را از فرهنگ زبان بیابند؛ سپس یک تن از ایشان در برابر صنف قرار گرفته، شیوهٔ واژه‌یابی را به دیگران شرح دهد.

۲- شاگردان درمشوره با هم، دعوت‌نامه‌یی، جهت رفع نیازمندی‌های مکتب، به رئیس معارف ولایت شان بنویسند؛ سپس یک تن شان آن را در برابر صنف بخواند.



۳- چند شاگرد در مورد تصویر به نوبت سخنرانی نمایند.

املا و نگارش

۱- متنی را که معلم گرامی به خوانش می‌گیرد، به صورت املا در کتابچه‌های تان بنویسید.

۲- با درنظرداشت قواعدی که در آیین نگارش خواندید، متن یک دعوت‌نامهٔ کامل را عنوانی یکی از دوستان تان در کتابچه‌های خود بنویسید.



۱- استاد عبدالعلی مستغنی در کدام سال و در کجا چشم به جهان گشود؟

۲- دیوان اشعار مستغنی کدام قالب‌های شعری را در خود دارد؟

۳- در مورد فعالیت‌های ادبی و فرهنگی مستغنی آن‌چه می‌دانید، بیان کنید.

۴- دعوت‌نامه چیست؟

۵- دعوت‌نامهٔ عمومی و خصوصی از هم چه فرق دارد؟

کارخانه‌گی

۱- شعر میهن را به نثر تبدیل نمایید.

۲- این بیت را به حافظه بسپارید:

ای ستمگاران ستم جایز نمی‌باشد به شرع

گر دلی را شاد نتوانید غمگین چون کنید

رحمت

۳- متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.

درس بیست و پنجم

یک شاگرد، درس را طوری معرفی نماید که پرسش‌های زیر را پاسخ‌گو باشد:
۱- در مورد قناعت چه می‌دانید؟ بیان کنید.
۲-حکایت قناعت از نوشته‌های کیست؟
۳- همین پرسش‌ها از چند شاگرد در اخیر معرفی درس پرسیده شود.

قناعت

بازرگانی را شنیدم که صد و پنجاه شتر بار داشت و چهل بندۀ خدمت‌کار. شبی در جزیرۀ کیش مرا به حجرۀ خویش در آورد. همه شب نیارمید از سخن‌های پریشان گفتن که فلان انبازم به ترکستان است و فلان بضاعت به هندوستان و این قبالۀ فلان زمین است و فلان چیز را فلان ضمین. گاه گفتی خاطر اسکندریه دارم که هوایی خوش است. باز گفتی نه که دریای مغرب مشوش است. سعدیا سفری دیگرم در پیش است اگر آن کرده شود بقیت عمر خویش به گوشه‌یی بنشینم. گفتم: آن کدام سفر است؟ گفت: گوگرد پارسی خواهم‌بردن به چین که شنیدم قیمتی عظیم دارد و از آن جا کاسۀ چینی به روم آرم و دیبای رومی به هند و فولاد هندی به حلب و آبگینۀ حلبی به یمن و برد یمانی به پارس و زان پس ترک تجارت کنم و به دکانی بنشینم. انصاف از این مالخولیا چندان فرو گفت که بیش طاقت گفتنش نماند. گفت:

ای سعدی تو هم سخنی بگوی از آن‌ها که دیده ای و شنیده ای، گفتم:

آن شنیـدستی که در اقصای غور | بـــار ســـالاری بیفتاد از ستـــور
گفت: چشم تنگ دنیـــادوست را | یا قنـــاعت پـــر کند یا خاک گور

سعدی

به قطع راه دراز امـل غنی نشوی | بر آستان قناعت مگـــر مقـــام کنی
به نان خشک حلالی کزو شود حاصل | قناعت از شکرین‌لقـمۀ حـــرام کنی
وگر کفاف معاشت‌نمی‌شود حاصل | روی و قرص جَوی، از جهـــود وام کنی
هزار بار از آن به که بامداد و پگاه | کمر ببندی و بر چون خودی سلام کنی

ابن یمین



۱- جزیرهٔ کیش: از معروفترین جزایر خلیج فارس می‌باشد، از نگاه آب و هوا در بین جزایر خلیج فارس به خویس معروف است، جمعیت آن ۴۱۷۷ تن و بهترین مرواریدها از اطراف این جزیره به دست می‌آید.

۲- ترکستان: یکی از مناطق آسیای مرکزی که از شمال به سایبریا، از مغرب به بحر خزر، از جنوب به افغانستان، هند و تبت و از مشرق به مغولستان محدود است.

۳- حلب: شهری است در سوریه (شام) که مرکز تجارت و صنعت (نساجی) می‌باشد.

۴- یمن: کشوری که در جنوب‌غربی شبه‌جزیرهٔ عربستان کنار دریای احمر واقع می‌باشد.

۵- مشرف‌الدین مصلح بن عبدالله سعدی شیرازی از بزرگان و نوابغ شعر و ادب که در حدود سال ۶۰۶ هـ . ق. در شیراز متولد شده و تحصیلات خود را در همان شهر آغاز کرده است؛ سپس به بغداد رفته و در مدرسهٔ نظامیه کسب فضایل کرده است.

سعدی را هم یکی از شاعران درجه اول می‌توان محسوب کرد و هم یکی از نویسنده‌گان برجسته و استاد نثر مسجع. سعدی در انواع شعر؛ مانند: قصیده، غزل، قطعه، رباعی، ترجیع‌بند و ترکیب‌بند دست بلند داشت؛ اما می‌توان گفت که سخن سعدی در غزل به حد اعلای لطافت رسیده است. آثار سعدی عبارت اند از: دیوان غزلیات و قصاید، در کتاب‌های گلستان و بوستان. گلستان از معروف‌ترین کتاب‌های نثر فارسی دری است که سعدی آن را در سال(۶۵۶ هـ . ق.) به نام شاهزاده سعد بن ابوبکر بن سعد زنگی تألیف کرده است. گلستان کتابی‌ست تربیتی و اخلاقی شامل یک مقدمه در ارتباط به تألیف کتاب و هشت باب که سعدی در این اثر انواع مواعظ و حکم را در نثر آمیخته و در نظم گنجانیده است. نثر گلستان نثر مسجع و مزین است.

بیاموزیم

۱- قناعت، صفت انسان‌های بزرگ است، هر که این صفت را پیشه کرد از هوای خواهشات نفس برست.

۲- قـناعت، گنجینه‌یی است که انـسان را از غرق شدن در منجلاب فلاکت وگـناه نجـات می‌بخشد.

۳- مشرف‌الدین مصلح بن عبدالله شیرازی در سال‌های آغاز قرن هفتم هجری در شیراز پا به عرصۀ حیات نهاد.

۴- سعدی از جملۀ شاعران طراز اول زبان دری بوده و نویسندۀ توانا و استاد نثر مـسجع می‌باشد.

۵- گلستان و بوستان از جملۀ آثار مشهور سعدی شیرازی است.

۶- گلستان از معروفترین کتاب‌های نثر دری است که سعدی شاعر و نویسندۀ بزرگ آن را در سال(۶۵۶ هـ . ق.) به نام شهزاده سعد بن ابوبکر بن سعد زنگی تألیف کرده است.

۷- گلستان، کتابی‌ست تربیتی و اخلاقی که شـــامل یک مقدمه و هـشت باب اسـت که در برگیرندۀ انواع مواعظ و حکم می‌باشد.

۸- سعدی علاوه بر بوستان و گلستان، قصاید، غزلیات، قطعات و ترجیع‌بند، رباعیات، رسالات و قصاید عربی نیز دارد که همه را در کلیات وی جمع کرده اند.



• درخواست‌نویسی

درخواست، به نامه‌یی گفته می‌شود، که در آن تقاضای اجرای کاری و یا امری از کسی شود. قدیم‌ترین نمونه‌های موجود درخواست، متعلق به زمان عباسیان است. در میان خراسانیان عادت چنان بوده که وقتی مطلبی و یا شکایتی را به امرا و ملوک تقدیم می‌نمودند، آن را به شکل کتبی به مقام و دربار می‌سپردند که ما امروز آن را به نام عریضه و درخواست می‌شناسیم. معمولاً درخواست‌ها از طرف افراد و یا مقامات پایین‌رتبه به مقامات بالارتبه با محتوای احترام‌آمیز نوشته می‌شود. بر اساس آن‌چه در دفاتر رسمی و غیر رسمی، رایج و متداول بوده و در عرف نیز تقریباً ثابت و پذیرفته شده است، درخواست باید دارای شکل و اوصاف زیر باشد:

۱- نام و مشخصات کامل درخواست‌دهنده (کنار بالایی، سمت راست صفحه)
۲- تاریخ (روز، ماه، سال)
۳- عنوان (خطاب به گیرندهٔ درخواست. دو تا سه سانتی‌متر پایین‌تر از تاریخ)
۴- آغاز نامه (عبارت یا جملهٔ احترامی در ابتدای نامه)
۵- متن درخواست
۶- پایان درخواست (عبارت یا جملهٔ احترامی پایانی)
۷- نام مکمل درخواست‌دهنده (کنار چپ صفحه)
۸- امضای درخواست‌دهنده در زیر نام (حتمی است)
۹- گذاشتن پنج سانتی‌متر فاصلهٔ سفید در پایین صفحه به منظور ارجاع، ملاحظه و یادداشت.

املا و نگارش

۱- متنی را که معلم گرامی به خوانش می‌گیرد به صورت املا در کتابچه‌های تان بنویسید.
۲- در بارهٔ قناعت چند جمله بنویسید.



۱- هدف از حکایت قناعت چیست؟ بیان نمایید.
۲- گلستان شامل چند باب است؟ هر یک را نام ببرید.
۳- بیت زیر را معنا کنید:

به قطع راه درازِ امل غنی نشوی بر آستان قناعت مگر مقام کنی



۱- پیرامون موضوع قناعت مقاله‌یی بنگارید.
۲- این بیت را به حافظه بسپارید:

ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری
همه از بهر تو سرگشته و فرمانبردار شرط انصاف نباشد که تو فرمان نبری

۳- متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید

درس بیست و ششم

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که تشریحاتش جواب‌گوی پرسش‌های زیر باشد و در پایان از چند شاگرد سؤال‌های زیر پرسیده شود:

۱- محمود طرزی کی بود؟
۲- آثار طرزی را نام ببرید.
۳- در بارهٔ جریدهٔ سراج الاخبار چه می‌دانید؟
٤- محمود طرزی مردم را به چه تشویق می‌کرد؟



محمود طرزی

محمود طرزی فرزند غلام محمد طرزی در اول ماه سنبلهٔ سال ۱۲۴۴هـ. ق. در شهر غزنی پا به عرصهٔ حیات نهاد. طرزی شاعر، نویسنده، روزنامه‌نگار، جغرافیه‌دان، مترجم و دولت‌مرد در خانوادهٔ ادیب و آزادی‌خواه رشد نمود و بزرگ شد. او مرد دانشمند و سخنور متجدد عصر بود.

او در تجدد فرهنگ و مطبوعات کشور ما نخستین فردی بود که در محیط ادبی و سیاسی افغانستان انقلاب عظیمی را به راه انداخت. طرزی در عصر امیر حبیب‌الله خان روزنامه‌های سراج الاخبار و سراج الاطفال را نشر نمود؛ بنابر این او را پیشرو و مؤسس دورهٔ تجدد ادبی افغانستان می‌خوانند. این نویسندهٔ بزرگ بیشتر از فیض پدرش غلام محمد طرزی بهره‌مند گشته و مدت هفت ماه با سید جمال‌الدین افغانی هم‌صحبت بود، کتابخانهٔ بزرگ پدرش در اختیار او بود و گاهی در حلقهٔ بیدل‌خوانی پدر خود تا شش ساعت زانو می‌زد و استفاده می‌کرد.

طرزی صرف و نحو عربی و شرح مثنوی معنوی را نزد آخوندزاده ملا محمد اکرم هوتک که از مصاحبان پدرش بود فرا گرفت و از محرری سراج الاخبار تا وزارت امور خارجه وظایف و مسؤولیت‌هایی را در کشور به عهده داشته است. محمود طرزی ۲۳ اثر اعم از تألیف و ترجمه دارد.

طرزی در پانزدهم برج شوال سال ۱۳۲۹ هـ. ق. مطابق ۱۲۸۶ هـ. ش. شروع به نشر سراج الاخبار کرد و مدت هشت سال این اخبار تحت نظر وی نشر شد. محمود طرزی همیشه در سفرها با امیر حبیب الله خان یکجا می‌بود؛ پس از کشته‌شدن امیر حبیب الله خان، در عرصهٔ علوم اجتماعی و ادبیات فعالیت‌های بیشتری را انجام داد؛ وی می‌خواست که با کار در دولت، نظریات سیاسی خود را عملی نماید، تأسیسات عرفانی را زیاد کند و بینش تازه‌یی در اذهان مردم به وجود بیاورد.

با روی کار آمدن امیر امان الله خان، وی در هیأت کابینه جای گرفت و وظیفهٔ وزارت امور خارجه به او سپرده شد؛ در رأس هیأتی برای به رسمیت شناختن افغانستان عازم هند گردید. بعد از

بازگشت به کابل، بار دوم به حیث وزیر امور خارجه مقرر شد. محمود طرزی در مذاکرات رسمی بین دولت مصر و افغانستان و هم در مذاکرات راولپندی جهت حصول استقلال افغانستان با دولت هند برتانوی موفقانه سهم گرفت. طرزی در سال ۱۹۲۸ م. مطابق ۱۳۰۷ هـ. ش. هنگامی که به وطن باز گشت، از وظایف رسمی کناره گرفت. یک سال بعد با شاه امان الله یکجا جانب قندهار و از آن‌جا به طرف هرات رفت. سرانجام به ترکیه رفته، با اعضای خانوادهٔ خویش یکجا شد. طرزی چند سال باقیماندهٔ عمرش را در عالم دوری از وطن سپری کرده، به یک سلسله فعالیت‌های علمی و ادبی دست زد. کلام طرزی دارای یک سلسله خصوصیت‌های مشخص و معینی بود که تا آن روزگار در نوشته‌ها و گفته‌های دیگر شاعران و نویسنده‌گان به کار نرفته بود.

محمود طرزی نویسندهٔ چیره‌دست، شاعر توانا و مایهٔ افتخار جهان علم و دانش در همان وقت بود. آثار گران‌بهایی؛ چون: روضة الحکم، از هر دهن سخنی، از هر چمن سمنی، ترجمهٔ کتاب‌های جزیرهٔ پنهان، سیاحت در هوا و... از وی باقی مانده است. این مرد دانشمند و ادیب بزرگوار در برج عقرب سال ۱۳۱۲ هـ . ش. در شهر استانبول ترکیه چشم از جهان بست و در نزدیک آرامگاه ابو ایوب انصاری به خاک سپرده شد.

به پاس احترام و قدرشناسی از آن مرد دانشمند و سیاستمدار ملی لیسه‌یی را در خانهٔ شخصی وی که در دارالامان قرار دارد به اسمش (لیسهٔ محمود طرزی) نام‌گذاری کرده اند.

نمونهٔ کلام

وقت شعر و شاعری بگذشت و رفت — وقت سحر و ساحری بگذشت و رفت
وقت اقدام است و سعی و جد و جهد — غفلت و تن‌پروری بگذشت و رفت
عصر، عصر موتر و ریل است و برق — گام‌های اشتری بگذشت و رفت
کیمیا از جملهٔ اشیا زر کشد — وقت اکسیرآوری بگذشت و رفت
تلگراف آرد خبر از شرق و غرب — قاصد و نامه‌بری بگذشت و رفت
کوه‌ها سوراخ و برها بحر شد — جانشینی را کری بگذشت و رفت
شد هوا جولان‌گاه آدمی — رشک بی‌بال و پری بگذشت و رفت
گفت محمود این سخن را و برفت — سعی کن تنبل‌گری بگذشت و رفت



۱- سراج الاخبار: جریدهٔ معروف که به سرپرستی محمود طرزی انتشار می‌یافت.
۲- روضة الحکم: یکی از آثار محمود طرزی می‌باشد.

بیاموزیم

۱- محمود طرزی فرزند غلام محمد طرزی در اول ماه سنبلهٔ ۱۲۴۴ هجری قمری در شهر غزنی متولد شد.
۲- طرزی، شاعر، نویسنده، روزنامه‌نگار، جغرافیه‌دان، مترجم و دولتمرد بود.
۳- طرزی مدت هفت ماه با سید جمال‌الدین افغانی هم‌صحبت بود.
۴- جریدهٔ سراج الاخبار مدت هشت سال تحت نظر وی به نشر رسید.
۵- طرزی در کابینهٔ امان الله خان به سمت وزیر امور خارجه ایفای وظیفه نمود.
۶- از آثار مهم طرزی روضة الحکم، از هر دهن سخنی، از هر چمن سمنی، ترجمهٔ کتاب‌های جزیرهٔ پنهان و سیاحت در هوا را می‌توان نام برد.



نمونهٔ درخواست

ورقهٔ درخواست.......................... «............»
فرزند.. «............»   تاریخ: ۸۷/۶/۱۲
کارمند سابق وزارت امور خارجه
شمارهٔ تماس:............................

(آغاز)
(متن)

محترم وزیر امور خارجه! ⟵ (عنوان)
با تقدیم احترام و ادب، خدمت شما به عرض رسانیده می‌شود:

این‌جانب که شهرتم در بالا ذکر شده است، از کارمندان سابق این وزارت می‌باشم که سال گذشته نظر به مشکلات خانواده‌گی مجبور به ترک وظیفه شده بودم.

اکنون که مشکلات پیشین برطرف گردیده و خود را آمادهٔ خدمت می‌بینم، با تقدیم این درخواست تقاضا دارم دوباره در یکی از بخش‌های وزارت محترم امور خارجه تقرر حاصل نمایم.

بنابرآن، از مقام محترم وزارت امور خارجه احترامانه خواهش‌مندم که دستور تقرر مجدد مرا به مراجع ذیربط صادر فرموده، ممنون فرمایند.

(پایان) ⟵ از همکاری مقام محترم قبلاً اظهار سپاس می‌نمایم

نام «نام خانواده‌گی»
امضا

کار گروهی و سخنرانی

۱- شاگردان به چند گروه تقسیم شوند و پیرامون شخصیت و کارنامه‌های محمود طرزی به بحث و گفتگو بپردازند؛ سپس از هر گروه یک نفر مقابل صنف آمده و نتیجه را به دیگران بیان نماید.
۲- یک تن از شاگردان در برابر صنف آمده، نمونهٔ کلام طرزی را شرح و توضیح دهد.
۳- چند شاگرد پیرامون تصویر مقابل به نوبت صحبت کنند.



جریدهٔ سراج الاخبار

املا و نگارش

۱- متنی را که معلم گرامی به خوانش می‌گیرد به صورت املا در کتابچه‌های تان بنویسید.
۲- در مورد کارکردهای طرزی چند سطر بنویسید.



۱- محمود طرزی کی بود؟
۲- چند اثر محمود طرزی را نام ببرید.
۳- طرزی چند سال سرمحرر جریدهٔ سراج الاخبار بود؟
۴- طرزی در کابینهٔ کدام پادشاه سمت وزیر امور خارجهٔ افغانستان را به عهده داشت؟

کار خانه‌گی

۱- نمونهٔ کلام محمود طرزی تحت عنوان (بگذشت و رفت) را به نثر ساده برگردانید.
۲- این بیت را به حافظه بسپارید.

عصر، عصر موتر و ریل است و برق
گام‌هـــای اشتری بـگذشت و رفت

طرزی

۳- متن درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.

درس بیست و هفتم

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که تشریحاتش جواب‌گوی پرسش‌های زیر باشد. در پایان معرفی، همین سؤال‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود.

۱- تولستوی کی بود؟

۲- تولستوی چه کارهایی را در زمینهٔ ادبیات و آموزش انجام داد؟

۳- او با کدام نویسنده‌گان اروپای غربی ملاقات کرد؟

تولستوی



لئو تولستوی نویسندهٔ چیره‌دست روسی در نهم سپتمبر ۱۸۲۸ میلادی در یک خانوادهٔ متمول و سرشناس پا به عرصهٔ هستی نهاد. مادرش را در دو ساله‌گی و پدرش را در ۹ ساله‌گی از دست داد و پس از آن تحت تکفل عمه‌اش قرار گرفت. او در سال ۱۸۴۴ میلادی در رشتهٔ زبان‌های شرقی در دانشگاه قازان ثبت نام کرد و پس از سه سال، تغییر رشته داده و خود را به دانشکدهٔ حقوق تبدیل نمود. در سال ۱۸۵۱ م. به خدمت سربازی شتافت و در جنگ‌های قفقاز- روسیه شرکت نموده، شجاعت بی‌نظیری از خود نشان داد. نام او به سبب درج گزارش‌های واقعی از صحنه‌های نبرد - در کتاب خودش به نام «قصه‌های سواستوپل»-، به عنوان نویسندهٔ چیره‌دست روسیه به ثبت رسید. وی پس از سقوط شهر سواستوپل در سال ۱۸۵۵م. از خدمت نظامی استعفا داد و به کار نویسنده‌گی پرداخت.

تولستوی، توجه و علاقهٔ وافری به آموزش و پرورش کودکان و نوجوانان داشت. از همین سبب او درسال ۱۸۵۷م. به مدت پنج سال از کشورهای اروپای غربی بازدید نموده و با مشاهیر اروپا؛ مانند: چارلز دیکنز و فریدریش فروبل، دیدار به عمل آورد. دیدار او با ایوان تورگنیف نویسندهٔ روس حائز اهمیت بوده است؛ پس از بازگشت به کشورش، براساس تجارب نوآموخته، دست به یک رشته اصلاحات آموزشی زد و در همین راستا به پیروی از ژان ژاک روسوی فرانسوی، به تأسیس مکاتب ابتدایی در روستاها پرداخت.

او در نامه‌یی به یکی از خویشاوندانش –که ادارهٔ امور دربار و نظارت املاک تزار روسیه را به عهده داشت– چنین نوشت: «هرگاه به مکتب قدم می‌گذارم، با مشاهدهٔ چهره‌های تکیده، موهای ژولیده و برق چشمان این کودکان فقیر، دست‌خوش ناآرامی و هیجان می‌شوم و همان حالتی به من دست می‌دهد که بارها از دیدن شراب‌خواران مست بر من مستولی شده است. ای خدای بزرگ! چگونه می‌توانم آن‌ها را نجات دهم؟ نمی‌دانم به کدامین یک کمک کنم. من تعلیم و تربیت را فقط برای مردم می‌خواهم و نه کسی دیگر، آیا می‌توانم پوشکین‌ها و لومونوسف‌های آینده را از غرق شدن نجات بخشم؟»

تولستوی در سال ۱۸۶۲م. با یک دختر هژده سالهٔ آلمانی به نام «سوفیا» ازدواج کرد و سال‌ها پس از آن، یعنی در سال ۱۸۸۱م. به همراه خانواده‌اش به مسکو رفته در آن‌جا اقامت گزید. آنگاه دست به نگارش شاهکارهای برجسته‌یی به نام «جنگ و صلح» و «آناکارنینا» زد، که نگارش رمان«جنگ و صلح» پنج سال را در بر گرفت. پشتیبانی همسر جوانش از فعالیت‌های ادبی تولستوی، که به روایتی ۱۴۰۰ صفحه از پیش‌نویس جنگ و صلح را بیش از هفت بار پاک‌نویس کرده است، شایستهٔ یادآوری و تقدیر می‌باشد. این دو رمان، وی را به مثابهٔ شخصیت شکوهمند ادبی در جهان معرفی کرد.

او همواره دچار وسواسی عجیب بود و پیوسته در هیجان به سر می‌برد و این همان دغدغهٔ مقدسی است که هر نویسندهٔ متعهدی نسبت به جامعه‌اش دارد، که مبادا حرف‌های شایسته را نگفته، مرگ به سراغش آید. اتفاقاً ترس از همین دغدغهٔ پررمز و راز، او را به بستر بیماری افگند؛ طوری که در آخرین روزهای حیات خود به اتفاق طبیب خانواده‌گی و دختر کوچکش، همسر خود را ترک کرده به سوی جنوب روسیه مسافرت نمود. این آخرین سفر تولستوی بود که (به تاریخ هفتم نوامبر ۱۹۱۰ میلادی) در ایستگاه راه‌آهن «آستاپوفو» به پایان رسید. دو روز بعد او را در زادگاهش به خاک سپردند.

تولستوی به حدی در کشورش مشهور و محبوب است که اخیراً به احترام او سکهٔ طلایی را به نامش ضرب زده اند.

آثار تولستوی: از تولستوی آثار بسیاری بر جا مانده است که همهٔ آن‌ها به زبان‌های مختلف در جهان ترجمه و منتشر شده و از تعدادی آن‌ها فلم ساخته شده است. مهم‌ترین آثار او قرار زیر است:
۱– جنگ و صلح ۲– آناکارِنینا ۳– رستاخیز ۴– اعتراف ۵– بهترین داستان‌های کودکان و نوجوانان ۶– شیطان ۷– هنر چیست؟ ۸– خداوند حقیقت را می‌بینند؛ اما صبر می‌کند ۹– محکوم بی‌گناه ۱۰– پول و شیطان



ایوان تورگنیف: ایوان سرگیویچ تورگنیف (۹ نوامبر ۱۸۱۸ – ۳ سپتامبر ۱۸۸۳) رمان‌نویس، شاعر و نمایشنامه‌نویس روسی بود که نخستین بار توسط او کشورهای غربی با ادبیات روسی، آشنا شدند. آثار او تصویری واقع‌گرایانه و پرعطوفتی است از دهقانان روس و بررسی تیزبینانه‌یی از طبقهٔ روشنفکر جامعهٔ روسیه که می‌خواستند کشور را به سمت عصر نوین سوق دهند.

فریدریش فروبل: دانشمند پیداگوژی سویسی که در قرن نزدهم می‌زیست. او از جملهٔ بنیان‌گذاران آموزش کودک‌محوری بود که باغچهٔ کودکان را برای بازی و شادی آن‌ها راه انداخت. باغچهٔ کودکان جایی است که کودکان با مهربانی و دوستی، بازی و شادی، پرورش می‌یابند.

ژان ژاک روسو: ژان ژاک روسو (۱۷۱۲ ـ ۱۷۷۸) متفکر فرانسوی، در قرن هژدهم و اوج دورهٔ روشنگری اروپا می‌زیست. اندیشه‌های او در زمینه‌های سیاسی، ادبی و تربیتی، تأثیر بزرگی بر معاصران گذاشت. نقش فکری او که سال‌ها در پاریس به سر برد، به عنوان یکی از راه‌گشایان آرمان‌های انقلاب کبیر فرانسه قابل انکار نیست.

پوشکین: الکساندر سرگیویچ پوشکین شاعر و نویسندهٔ روسی سبک رومانتیزم است. او در ۶ جون ۱۷۹۹ میلادی در شهر مسکو چشم به جهان گشود و در۱۰ فبروری ۱۸۳۷ در «سن پترزبورگ» درگذشت. او بنیان‌گذار ادبیات روسی مدرن به حساب می‌آید و برخی او را بزرگ‌ترین شاعر زبان روسی می‌دانند.

لومونوسف: میخاییل لومونوسف دانشمند روسی در سال ۱۷۱۱ میلادی در یک خانوادهٔ ماهی‌گیر به دنیا آمد و در سال ۱۷۳۵ م. درگذشت. او در اکادمی علوم پترزبورگ روسیه و دانشگاه ماربورگ آلمان درس خواند و مؤسس دانشگاه مسکو است که تا امروز به نام او یاد می‌شود.

بیاموزیم

۱- لئو تولستوی نویسندهٔ چیره‌دست روسی در نهم سپتمبر ۱۸۲۸ میلادی در یک خانوادهٔ متمول و سرشناس پا به عرصهٔ هستی نهاد.

۲- تولستوی دست به یک رشته اصلاحات آموزشی زد و در همین راستا به پیروی از ژان ژاک روسوی فرانسوی، به تأسیس مکتب‌های ابتدایی در روستاها پرداخت.

۳- تولستوی در نامهٔ خویش نوشته بود: «ای خدای بزرگ!... من تعلیم و تربیت را فقط برای مردم می‌خواهم، نه کسی دیگر، آیا می‌توانم پوشکین‌ها و لومونوسف‌های آینده را از غرق شدن نجات بخشم؟»

۴- تولستوی به تاریخ هفتم نوامبر ۱۹۱۰ میلادی در ایستگاه راه آهن «آستاپوفو» درگذشت و دو روز بعد او را در زادگاهش به خاک سپردند.

۵- تولستوی به حدی در کشورش مشهور و محبوب است که اخیراً به احترام او سکهٔ طلایی ضرب زده اند.



• نامه‌های عاطفی

نامه‌های دیگری نیز رایج است که منظور از آن‌ها بیان مطالبی کوتاه در موقعیت‌ها و وضعیت‌های خاص است. این نامه‌ها به سازمان و ادارهٔ خاصی نوشته نمی‌شود؛ ولی به دلیل شکل خاصی که دارد، از نوع نوشته‌ها و نامه‌های رسمی است که باید بسیار کوتاه، صریح و محترمانه نوشته شود.

در تمام این نامه‌ها باید دقت کرد که زیباترین و گویاترین کلمه‌ها و تعبیرها ضمن کوتاهترین جمله‌ها ادا شود؛ مانند نامهٔ تبریکی به مناسبت‌های مختلف چون: ازدواج، یکی از عیدهای دینی، جشن‌های ملی یا مذهبی، تولد، پیش‌آمدن موفقیتی در زنده‌گی، پیشرفت مهمی در یکی از مراحل تحصیلی و منصوب شدن فردی به یک مقام اداری مهم، تسلیت‌نامه،

سپاس‌نامه، دعوت‌نامه، پیام‌های کوتاه و یادداشت‌هایی که برای دیگران فرستاده می‌شود.

برخی از این گونه نامه‌ها قرار زیر است:

۱- تبریک‌نامه

۲- تسلیت‌نامه

۳- سپاس‌نامه

۴- دعوت‌نامه (شامل: دعوت‌نامۀ عمومی، خصوصی، شخصی و اداری)

۵- نامۀ سرگشاده

و نامه‌های زیر بیشتر از طرف ادارات صادر می‌گردد:

۱- تقدیرنامه ۲- تحسین‌نامه ۳- اخطارنامه و....

کار گروهی و سخنرانی

- شاگردان به چند گروه تقسیم شوند و پیرامون شخصیت و کارنامه‌های تولستوی صحبت نموده، سپس از هر گروه یک نفر در برابر صنف آمده و نتیجه را به دیگران بیان نماید.
- یک تن از شاگردان در برابر صنف آمده و شرح دهد که دولت، سازمان‌های اجتماعی و مردم چه نوع برنامه‌هایی را روی دست بگیرند تا ما نیز در آینده نویسنده‌گان برجسته‌یی داشته باشیم.

املا و نگارش

۱- متنی را که معلم گرامی به خوانش می‌گیرد در کتابچه‌های تان بنویسید.

۲- شاگردان در مورد به تصویر در کتابچه‌های خود چند سطر بنویسند.





۱– چرا نام تولستوی به عنوان نویسندهٔ چیره‌دست روسیه به ثبت رسید؟

۲– در مورد الکساندر پوشکین چه می‌دانید؟

۳– چند اثر تولستوی را نام ببرید.

۴– چرا تولستوی همواره دچار وسواس عجیب بود و پیوسته در هیجان به سر می‌برد؟

۵– تولستوی در نامهٔ خود به یکی از خویشاوندانش چه نوشت؟

۶– نامه‌های عاطفی چگونه نامه‌هایی را می‌گویند؟



۱– یک نمونهٔ سپاس‌نامه را به عبارت خود و مطابق به قواعدی که خواندید، بنویسید.

۲– این بیت را به حافظه بسپارید.

غرق وحدت باش اگر آسوده خواهی زیستن

ماهیان را هر چه باشد غیر دریا، آتش است

بیدل

۳– متن کامل درس بیست و هشتم را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.

درس بیست و هشتم

پاسخ پرسش‌های زیر را از شاگردان بپرسید:
۱- منهاج سراج کی بود؟
۲- در بارۀ طبقات ناصری چه می‌دانید؟ بیان دارید.
۳- منهاج سراج به چند زبان شعر می‌سرود؟
٤- پیرامون اسلوب نگارش منهاج سراج در طبقات ناصری چه می‌دانید؟ توضیح دهید.

طبقات ناصری و مؤلف آن

طبقات ناصری یکی از مهم‌ترین و معروف‌ترین کتاب‌های تاریخی زبان فارسی دری است که تقریباً هفت قرن پیش در حدود سال ۶۵۸ هـ. ق. به قلم یکی از دانشمندان خبیر افغانستان قاضی منهاج سراج جوزجانی نوشته شده و تصحیح، مقابله و تحشیۀ آن توسط دانشمند بزرگ عبدالحی حبیبی صورت گرفته است که از حیث سلاست، روانی و انشا کم‌نظیر است این اثر در ضبط وقایع تاریخی و مشاهدات خود مؤلف، از جملۀ آثار برجستۀ تاریخی به شمار می‌رود و منبع یا مأخذ مفید و پرارزش در مورد وقایع اواخر عهد غزنویان و دورۀ مغول، به خصوص حوادثی که در شرق خراسان تا حوزۀ سند به وقوع پیوسته است به شمار می‌رود. این کتاب تاریخ عمومی عالم است که حاوی بیست و سه قسمت بوده و در مورد استیلای مغول از آغاز تا فتح بغداد می‌باشد.

نثر کتاب طبقات ناصری برخلاف آثار نوشته‌شدۀ معاصر آن که به نثر مصنوع متکلف نگاشته شده اند، ساده، سلیس، روان و استوار است. واژه‌های مغولی که داخل زبان و ادبیات دری گردیده، بار نخست در همین کتاب ذکر گردیده است. مؤلف کتاب طبقات ناصری ابوعمر منهاج‌الدین عثمان بن سراج‌الدین جوزجانی از جملۀ نویسنده‌گان مشهور عصر خویش بود که از اهل جوزجان بوده و در هند می‌زیسته و سفرهایی به افغانستان امروزی داشته و بسیاری از اتفاقات مهم آن زمان را به چشم خویش دیده و نگاشته است.

نیاکان منهاج سراج سال‌ها در دربار شاهان غزنوی در غزنه، غور و لاهور، موقف‌های بلند سیاسی

داشتند. پدرش سراج محمد سام غوری در غور بود و به وظایفی چون قضای ممالک و خطابت و کل امور شرعی رسید.

دورهٔ کودکی و نوجوانی منهاج السراج در فیروزکوه مرکز غور به فراگیری درس‌های مقدماتی گذشت، قرآن کریم را در سن هفت ساله‌گی نزد امام علی غزنوی آموخت.

منهاج السراج در دربارهای زیادی از شاهان آن دوره چه در خراسان و چه در هند، وظایف مهمی را به عهده داشت.

منهاج السراج از تصوف بهرهٔ کافی داشت و اهل وجد و سماع بود و به دو زبان فارسی دری و عربی تسلط داشت و به هر دو زبان شعر می‌سرود. از اشعار دری وی جز چند قطعه و قصیده که در طبقات ناصری و تذکرة الاولیا ذکر گردیده است، موجود نیست. اثر منظوم وی که در مورد پیروزی ناصرالدین محمود پسر شمس‌الدین التمش در جنگ با هندوان در قلعهٔ تلسنده سروده بود، اکنون به دسترس نیست.

منهاج‌السراج سبب خدمات بی‌شایبه به مقام‌هایی؛ چون قاضی‌القضات کل هندوستان و حکومت دهلی رسیده بود. از طرف سلطان، لقب صدر جهانی یافت؛ هر چند در مورد اواخر زنده‌گی وی معلومات دقیق در دست نیست؛ اما به احتمال قوی که در اواخر عمر نیز در دهلی قاضی‌القضات هند بوده و به حرمت و شوکت، زنده‌گی می‌کرده است.



* منهاج: راه راست، راه روشن و آشکار، مناهج جمع.

* نثر ساده، نثری است که سجع نداشته باشد و کلمه‌های آن آزاد و خالی از قید خاص باشد. در این نوع نثر، نویسنده مقاصد خود را در کمال ساده‌گی و بی‌پیرایه‌گی می‌نویسد.

* نثر مصنوع دو نوع است:

الف) نثر مسجع یا موزون که جمله‌ها و عبارت‌های آن در قرینه دارای سجع بوده و سجع در این نوع نثر، به منزلهٔ قافیه در شعر است.

ب) نثر متکلف یا فنی که این نثر ترکیبی از دو نوع نثر مرسل و مسجع است که در آن لغت‌های، ترکیب‌ها، مثل‌ها، روایت‌ها، آیات شریف، اصطلاحات و تعبیرات زیادی نیز به کار رفته است.

بیاموزیم

۱- طبقات ناصری یکی از مهم‌ترین و معروفترین کتاب‌های تاریخی زبان دری است.

۲- طبقات ناصری حدود هفت قرن پیش، به قلم یکی از دانشمندان خبیر افغانستان، قاضی منهاج‌السراج جوزجانی نوشته شده است.

۳- منهاج السراج ضمن نویسنده‌گی به دو زبان دری و عربی تسلط داشت و شعر می‌سرود.

۴- منهاج السراج مؤلف طبقات ناصری از جوزجان افغانستان بود.



• نمونه‌هایی از نامه‌های عاطفی

تبریک‌نامه: در اصطلاح به نامه‌یی گفته می‌شود که شادمانی نویسنده را در مورد رویداد شادی‌بخشی که برای گیرندهٔ نامه پیش آمده است نشان دهد؛ مانند:

دوست عزیز و رفیق شفیقم، بهزاد!

موفقیت شما را در پایان رساندن تحصیلات عالی و نیل به درجهٔ تحصیلی دکتورا تبریک عرض می‌کنم. امیدوارم در مراحل دیگر زنده‌گی نیز همواره موفق و شادکام باشید و توفیق خدمت به مردم را به نحو احسن پیدا کنید.

دوست دیرینه ات مسعود

تسلیت‌نامه: نامهٔ کوتاهی است که به هنگام مرگ کسی به بازمانده‌گان او می‌نویسند. تسلیت‌نامه نیز باید کوتاه وساده نوشته شده و ازتعارفات بی‌جا و یا درازنویسی در آن پرهیز شود؛ مانند:

همکار گرامی جناب آقای محمودی!

با قلبی اندوه‌بار وفات پدر بزرگوار تان را تسلیت عرض می‌کنم و از خداوند بزرگ خواهانم که به شما دوست عزیز، صبر عطا فرماید تا بتوانید این مصیبت جان‌گداز را تحمل نمایید.

آن که در غم شما شریک است   کریم کیهان

سپاس‌نامه: به نامه‌یی گفته می‌شود که به موجب اجرای کار شایسته از طرف گیرندۀ نامه، به او داده یا فرستاده می‌شود؛ مانند:

شاگرد عزیز و نازنینم، غزال!

اشتراک شما در«مسابقات بین‌المللی ادبیات شاگردان مکتب‌ها» که در شهر پاریس کشور فرانسه برگزار شده بود و شما موفق به دریافت مدال طلا از آن جشنواره شده اید و به دست آوردن این مدال را برای شما و همۀ اعضای خانوادۀ تان تبریک گفته و زحمات شما را قابل تقدیر فراوان می‌دانم. از این‌که افتخار بزرگی را برای افغانستان، به ویژه مکتب ما، به ارمغان آوردید، از شما صمیمانه اظهار سپاس می‌کنم و از خداوند متعال می‌خواهم توفیق بیشتری را در راه خدمت به وطن و مردم افغانستان نصیب تان سازد.

معلم مضمون دری شما

ناجیه

کار گروهی و سخنرانی

۱- شاگردان به چند گروه تقسیم شوند و پیرامون شخصیت منهاج سراج به بحث و گفتگو بپردازند؛ سپس از هر گروه یک نفر مقابل صنف آمده و نتیجه را به دیگران انتقال دهد.

۲- یک تن از شاگردان در برابر صنف آمده، در بارۀ «طبقات ناصری» توضیحات لازم دهد.

۳- چند شاگرد در مورد تصویرهای زیر، پنج دقیقه به نوبت صحبت کنند.

املا و نگارش

۱- متنی را که معلم محترم می‌خواند به صورت املا در کتابچه‌های تان بنویسید.



۲– در بارهٔ این تصویر، با درنظرداشت آنچه خواندید، در کتابچه‌های تان یک تبریک‌نامه بنویسید.



۱– در بارهٔ مولانا قاضی منهاج سراج معلومات دهید.

۲– طبقات ناصری و ناصری‌نامه نوشتهٔ کیست؟

۳– پیرامون اسلوب نگارش طبقات ناصری چه می‌دانید؟ بیان دارید.

۴– مسافرت‌های منهاج سراج را به کشورهای مختلف بیان دارید.

۵– مولانا منهاج سراج به چند زبان شعر می‌سرود؟

۶– سعید نفیسی در بارهٔ طبقات ناصری و نویسندهٔ آن چه گفته است؟ بیان دارید.

۷– تبریک‌نامه چه نوع نامه‌یی است؟



۱– طبقات ناصری در چه موردی نگارش یافته است؟ بیان دارید.

۲– این بیت را به حافظه بسپارید:

دو عاقل را نباشد کین و پیکار   نه دانایی ستیزد با سبکسار

۳– متن کامل درس را بخوانید و خلاصهٔ آن را به همصنفان توضیح دهید.

واژه‌نامه(لغت‌نامه)

آ

آرمیدن	آرام گرفتن، آرام شدن، آسودن، خوابیدن
آرنگ	بندگاه میان ساعد و بازو، آرنج
آژنگ	چین و چروک، چین و شکن
آغشته	آمیخته، آلوده شده
آمال	آرزوها، جمع امل

الف

ابتذال	وار کردن، بی‌قدری و پستی و کهنه‌گی
اجتهاد	جهد کردن، کوشش کردن، کوشیدن، در اصطلاح فقه استنباط مسایل شرعی از قرآن یا حدیث نبوی
احتراز	دوری، پرهیز، اجتناب
احتشام	شرم داشتن، حیا کردن، صاحب خدم و حشم شدن، حشمت، بزرگی، جاه و جلال یافتن
احجار کریمه	سنگ‌های قیمتی، گوهرها؛ مانند: الماس، زمرد و فیروزه
اختصار	مختصر کردن، و کوتاه کردن سخن
اذعان	اقرار، اعتراف
ارتکاب	اقدام به کار نامشروع کردن، کاری انجام دادن
ارضا	راضی کردن خوشنود کردن، دادن چیزی به کسی تا خوشنود شود.
استعداد	آماده‌گی، توانایی کاری را داشتن
استماع	گوش دادن، شنیدن
استمرار	دوام، جریان
استنباط	استخراج، بیرون آوردن چیزی، دریافتن امری به قوهٔ فهم و اجتهاد خود
اشتغال	مشغول شدن، سرگرم شدن به کاری
اشتمال	در بر داشتن، احاطه کردن
اشتیاق	آرزومندی، شوق داشتن، آرزومند چیزی شدن
اصالت	با اصل بودن، اصل داشتن، اصیل بودن، نیک نژاد، نجابت
اعتنا	اهتمام ورزیدن به کاری، توجه داشتن به امری یا کسی
اعزام	روانه‌کردن، گسیل داشتن، فرستادن کسی به جایی
اکتفا	کفایت کردن، بس کردن، بس دانستن، بسنده شدن
اکسیر	کیمیا، در اصطلاح کیمیاگران: جوهری که ماهیت جسمی را تغییر دهد؛ مثال: جیوه را نقره و مس را طلا کند. مجازاً هر چیز بسیار مفید و کمیاب
اکلیل	تاج، افسر، دسته
امام	پیشوا، پیشرو، پیش‌نماز
امین	امانت‌دار، طرف اعتماد، درستکار، کسی که مردم به او اعتماد کنند
انبار	جای ریختن و انباشتن غله یا چیزهای دیگر
انتقاد	جدا کردن سره از ناسره و خوب از بد
انحراف	کجروی، منحرف شدن

انس	خو گرفتن، همدمی، خرمی
انشا	آغاز کردن، آفریدن، پدید آوردن، از خود چیز گفتن
انظلام	تحت ظلم قرار گرفتن
اولویت	تفوق، رجحان، برتری

ب

باختر	غرب
باستانی	قدیمی، دیرینه، تاریخی
بانگ	آواز، فریاد
بث الشکوی	آشکار کردن گله و شکایت، درد دل کردن
بحران	آشفته‌گی و تغییر حالت
برملا	آشکار و هویدا
براعت	برتری، تفوق، بلندی، بزرگواری در علم، فضل و کمال
براق	برق‌دار، درخشان، تابان، بسیار درخشنده
برلاس	اصیل و نجیب‌زاده
برون	مخفف بیرون
بزله‌گو	لطیفه‌گو، ظریف
بزم	جشن و مهمانی، مجلس عیش و عشرت
بسیج	تنظیم و آماده‌گی نیروی نظامی
بعثت	برانگیختن، فرستادن
بغض	کینه، دشمنی، عداوت
بهره	نصیب، حصه، قسمت، فایده
بهشت	جنت، فردوس، باغ
بی‌درنگ	بدون توقف یا بدون تأخیر

پ

پالایش	صاف کردن، صافی کردن، تصفیه

ت

تأمل	اندیشه کردن، فکر کردن، دوراندیشی، دقت کردن در امری
تبعیض	بعضی را بر بعضی ترجیح دادن
تبه	مخفف تباه
تجرید	تنهایی و کناره‌گیری، ترک علایق و اغراض دنیوی کردن و به طاعت و عبادت پرداختن
تحکیم	حاکم گردانیدن کسی را در کاری یا امری، استوار کردن
تحلیل	تجزیه، حل کردن، گشودن
تحول	تغییر و دگرگونی
تخفیف	سبک کردن، کاستن، مختصر ساختن کلمه با کم کردن یکی از حروف
ترغیب	راغب کردن، به رغبت آوردن، خواهان کردن، تشویق کردن
تشویر	اشاره کردن، شرمنده ساختن، شرمساری، آشوب و اضطراب
تضرع	زاری کردن، خواری و فروتنی کردن
تعبیر	مطلبی را بیان کردن، منظر و مقصود خود را به عبارتی بیان کردن، معنا و تفسیر خواب را گفتن

واژه	معنی
تعظیم	بزرگ داشتن، احترام کردن
تعلیم	یاد دادن، آموزاندن
تفرید	کناره‌گیری کردن، گوشه‌گرفتن و دوری‌گزیدن از مردم
تفکر	اندیشیدن، به فکر و اندیشه فرو رفتن
تکلف	رنج و سختی بر خود نهادن، به خود رنج دادن
تهنیت	تبریک

ث

واژه	معنی
ثری	خاک، زمین

ج

واژه	معنی
جامع	جمع‌کننده، هر چیز تمام و کامل
جثه	بدن، تن
جعبه	صندوق
جلال	بزرگی، بزرگ شدن، بزرگواری، عزت و شکوه
جلیل	بزرگ و باعظمت

چ

واژه	معنی
چاپ‌انداز	پهلوانی که بزکشی می‌کند
چیره‌دست	زبردست، هنرمند، ماهر، چیره‌دستی، زبردستی

ح

واژه	معنی
حاوی	دربردارنده، مشمول
حجة الاسلام	دلیل و رهنما و پیشوای مسلمانان، لقب یا عنوان برای مجتهد بزرگ
حجم	آن‌چه که دارای اندازه و مقداری باشد، مقداری از فضا که در تصرف جسم باشد.
حدیث	نو، جدید، سخن، قول و فعل و تقریر پیامبر آخرالزمان
حسرت	دریغ، افسوس
حفریات	کندن‌کاری، کندن زمین
حلل	جمع حله، جامه، لباس نو
حماسه	حماست، شجاعت و دلاوری
حیطه	دایره، احاطه شده

خ

واژه	معنی
خاور	شرق
خبیر	آگاه و دانا، شخص بسیار آگاه و ماهر در کاری، خبرا جمع
خدنگ	تیر راست و بلند، چوب سخت و محکم
خردمند	باخرد، باعقل
خرقه	پاره‌یی از لباس، جبۀ مخصوص صوفیان و درویشان
خفه	گلوفشرده، کسی که دچار حالت خفه‌گی شده باشد
خُلقان	جمع خلق، به معنای کهنه، جامه‌های کهنه

د

واژه	معنی
داغ	نشان، لکه، غم و اندوه و درد و رنج و به معنای بسیار گرم و سوزان نیز آمده است
دد	جانور درنده؛ مانند: شیر، پلنگ و گرگ
درا	زنگ، زنگ بزرگ که بر گردن چهارپایان بندند

درنگ	توقف، تأخیر
دموکراسی	مردم‌سالاری
دوشادوش	شانه به شانه
دی	دیروز
دین	ملت، مذهب، کیش، آیین
دیو	موجود خیالی و افسانه‌یی زشت و مهیب

ذ

ذبح	گلو بریدن، سر بریدن گاو یا گوسفند
ذل	ذلت و خواری، ذلیل شدن، خوار شدن، پست و زبون شدن
ذواللسانین	کسی که به دو زبان تکلم کند، نثر بنویسد و شعر بگوید

ر

رؤیا	خواب
رثا	گریستن بر مرده و برشمردن نیکویی‌های او، شعر گفتن در بارۀ مرگ کسی با اظهار دلسوزی
رزم	جنگ، نبرد، پیکار
رسانه	هر وسیله‌یی که مطلب یا خبری را به اطلاع مردم برساند؛ مانند: رادیو، تلویزیون و روزنامه
رستخیز	به پا خاستن، جنبش، قیام، قیام عمومی، به معنای روز حشر و قیامت نیز آمده است.
رسول	فرستاده
روضه	باغ و گلستان، گلزار، سبزه‌زار، مرغزار

ز

زمزمه	ترنم کردن، آواز خواندن یا دعا خواندن آهسته، سخن گفتن زیر لب
زیور	هر چیزی که با آن چیز دیگر را بیارایند، زینت، آرایه، آرایش

س

سبک	ریخت و طرز و روش
سپهر	آسمان، فلک
ستاندن	گرفتن
ستور	استور، چهارپا؛ مانند: اسپ، شتر و...
سجایا	جمع سجیه به معنای خلق، خوی، طبیعت
سحر	جادو کردن، جادو، افسون
سدره	پیراهن بی‌آستین با یخۀ گشاد که از ململ سفید دوخته می‌شود
سراج	چراغ
سرادق	سراپرده، خیمه
سُرایش	سرودن، سرود خواندن، سراییدن، شعر خواندن، شعر گفتن، آواز خواندن، سراینده‌گی، آوازخوانی
سرشار	لبریز، پر، لبالب
سرشت	خوی، نهاد، طینت، فطرت
سعایت	سخن‌چینی، بدگویی
سلاله	نسل، فرزند، نطفه
سمبول	نشانه، نشان، علامت، اشاره، رمز، نماد، نمونه

سود و زیان	نفع و ضرر، فایده و نقصان
سوق	راندن، رهنمون شدن
سیاحت	جهانگردی، گردش کردن در شهرها و کشورها

ش

شاخص	بلند، برآمده، مرتفع، ممتاز
شالوده	بنیاد، پی دیوار، طرح و نقشه، اساس
شامخ	بلند، مرتفع
شاهکار	کار بزرگ و نمایان، کاری که در آن هنرنمایی کرده باشند
شرافتمند	باشرف، بزرگوار، بزرگ و عالی‌قدر
شرحه	قطعهٔ گوشت، پارهٔ گوشت، شرحه شرحه به معنای پاره پاره، قطعه قطعه
شرنگ	سم، زهر، هر چیز تلخ، حنظل
شکیب	صبر و آرام
شوق	آرزو، رغبت
شیفته	آشفته، عاشق، دلباخته
شیوا	بلیغ، رسا

ص

صهبا	خمر، شراب، انگوری که مایل به سرخی باشد
صوفی	پشمینه‌پوش، کسی که پیرو طریقهٔ تصوف باشد

ط

طامع	طمع‌کننده، طمع‌دارنده، طمع‌کار، حریص، آزمند
طرد	راندن، دور کردن

ظ

ظلم	ستم، جور، بیداد

ع

عارف	شناسنده، دانا، صبور، شکیبا، حکیم ربانی خداشناس، عرفا جمع
عبا	جامهٔ گشاده و بلند که روی لباس‌های دیگر به دوش می‌اندازند
عتیقه	کهنه، دیرینه، قدیمه
عجولانه	باعجله، باشتاب
عدالت	دادگری
عرش	تخت، سریر، خیمه، سایبان
عزا	سوگ و ماتم
عزت	عزیز شدن، گرامی شدن، ارجمند شدن
عشاق	عاشقان، شیفته‌گان، جمع عاشق
عصمت	پاکدامنی، نگاهداری نفس از گناه
عطوفت	محبت، مهربانی، دوستی
عفیف	پاکدامن
عقلمند	خردمند، یا عاقل
علّامه	بسیار دانا، دانشمند
عمامه	لنگی، دستار

غ

غفیر: کثیر، بسیار، جم غفیر: جماعت بسیار از وضیع و شریف و کوچک و بزرگ
غلو: از حد در گذشتن، تجاوز کردن از حد، زیاده‌روی در کاری
غنا: آواز خوش، سرود

ف

فلاکت: بیچاره‌گی، بدبختی، ناداری و خواری، فلک‌زده‌گی
فی البدیهه: ناگهانی، بدون طول تفکر سخن گفتن یا شعر گفتن، شعر و سخنی که بدون تأمل گفته شود.
فیوض: جمع فیض، برکت

ق

قاصد: قصدکننده، آهنگ‌کننده، نامه‌بر، پیک
قانع: قناعت‌کننده، راضی و خشنود
قرین: نزدیک، همدم، همسر، یار، مصاحب
قلماسنگ: فلاخن
قناعت: راضی و خرسند به قسمت خود بودن، راضی شدن به کم، صرفه‌جویی
قوافی: جمع قافیه
قونیه: نام جایی است در استانبول ترکیه که مرقد مولانا جلال‌الدین بلخی در آنجاست

ک

کاستی: کاهش، کمی
کاشوب: مخفف که آشوب به معنای شور و غوغا، انقلاب، شورش
کامروز: مخفف که امروز
کانون: آتش‌دان، آتش‌خانه، کوره، مرکز
کبری: بزرگ
کبریا: عظمت و بزرگی
کژی: کجی، خمیده، خم
کنایه: کنایت، گفتن لفظی یا سخنی که بر غیر معنی اصلی خودش به معنی و مدلول دیگری دلالت کند؛ مانند: کاسهٔ سیاه یا سیه‌کاسه به معنی بخیل و خسیس
کوله‌بار: پشتواره، باری که به پشت می‌برند

گ

گوهر: اصل، نژاد و نیز به معنی سنگ گران‌بها؛ از قبیل: مروارید، الماس، یاقوت، فیروزه و امثال آن‌ها، گهر هم گفته شده و به عربی جوهر می‌گویند

ل

لاینفک: جدایی‌ناپذیر
لطافت: نرمی و نازکی، سخن نرم و نیکو

م

مؤسس: تأسیس‌کننده، بنیان‌گذار
مبذول: بذل‌شده، بخشیده‌شده
مُبَیّن: بیان‌گر، بیان‌کننده
متجدد: کسی که آداب و رسوم تازه را کسب کرده باشد

متداول	معمول، مرسوم، مروج
مترجم	کسی که سخنی را از زبانی به زبان دیگر ترجمه کند
متصوف	صوفی
متضمن	دربردارنده، شامل
متمادی	مدت‌دار، دایمی، همیشه‌گی، دراز
مثنی	دو دو، دوگان دوگان، دوتا دوتا
مجتهد	کوشش‌کننده، عالمی که در علم فقه به درجۀ اجتهاد رسیده و مسایل شرعی را از قرآن و حدیث استنباط کند
مجسم	چیزی که به صورت جسم در آمده و جسمیت پیدا کرده باشد، هر چیزی که دارای طول و عرض باشد
محتشم	باحیا، باحشمت
محتوا	فروگیرنده، مشمول
محرر	نویسنده، کاتب
محسوس	حس شده، چیزی که وجود و اثر آن احساس شود
محشور	گرد هم جمع شده، همدم، همراه، هم‌صحبت
محقق	تحقیق‌کننده، اهل تحقیق، کسی که به حقیقت چیزی برسد، بازجو
مدح	وصف، صفت، تعریف
مدرنیت	سبک جدید، چیز تازه
مدقق	دقت‌کننده، کسی که در امری دقت و باریک‌بینی کند
مدنی	منسوب به مدینه، متمدن
مرصع	جواهرنشان، چیزی که در آن جواهر نشانده باشند
مزدوج	جفت، دو تایی
مستغنی	بی‌نیاز، ثروتمند، توان‌گر
مستورات	زنان در پرده، زنان پاکدامن و پارسا
مسلط	تسلط‌یافته، پیروز، چیره، برگمارده شده
مشحون	پرشده، مملو، انباشته شده
مشرف	شرف یافته، بلندپایه و بزرگ شده
مصاحب	هم‌صحبت
مصحح	تصحیح‌کننده، ویراستار، اصلاح‌کنندۀ سخن و کلام
مصلح	اصلاح‌کننده، به صلاح آورنده، نیکوکننده، آشتی‌دهنده، شایسته و نیکوکار
مضطرب	پریشان، دچار اضطراب، آشفته و لرزان
معاشرت	باهم زنده‌گی کردن، با یکدیگر دوستی و آمیزش داشتن
معذور	عذر آورده، دارای عذر
معلول	چیزی که آن را به علت و سبب ضروری آن ثابت کرده باشند؛ به معنای بیمار و علیل هم می‌گویند
مغلق	بسته شده، پیچیده
مغلوب	شکست خورده، آن‌که بر وی چیره شده باشد
مفاخر	جمع مفخره، آن‌چه مایۀ فخر و نازیدن باشد
مقتدر	دارای قدرت، توانا

ملحوظ	ملاحظه شده، خاطر، دیده شده، به دنبالهٔ چشم نگریسته شده
مناظره	در امری بحث و گفتگو کردن
منت	نیکویی و احسان
منتقد	انتقادکننده، کسی که نوشته یا کتابی را مطالعه و نواقص آن را بیان کند
منعکس‌کننده	بازتاب‌دهنده، انعکاس دهنده
منقبت	توصیف، مدح و ستایش
منهاج	راه راست، راه روشن و آشکار، مناهج جمع
منوال	اسلوب، روش
موج	جنبش و چین‌خورده‌گی سطح آب که در اثر وزش باد و توفان یا افتادن چیزی در آب پیدا می‌شود.
مؤرخ	تاریخ‌نویس، کسی که تاریخ بداند و وقایع جهان را ثبت و ضبط کند
مولود	زاییده شده، نوزاد

ن

نارنگ	نارنج
ناهنجار	کج و ناهموار، زشت و ناپسند، بی‌راه و نامناسب
نحوه	روش، راه، مثل، مانند، جهت، جانب، قصد
نسج	بافتن، بافت، بافته‌شده
نعت	وصف کردن کسی یا چیزی را به نیکی
نعش	جنازه، تابوت، میت
نفخ	دمیدن با دهان، پف کردن، باد کردن و نیز به معنای فخر و تکبر
نفیر	بوق، به معنی ناله و زاری و فریاد نیز گفته شده است
نوابغ	جمع نابغه، کسی که دارای هوش و استعداد فوق‌العاده باشد
نوحه	گریه و زاری و شیون بر مرده، مویه
نیابت	جانشینی، قایم‌مقامی
نیرو	توان و طاقت و زور

هـ

همجوار	همسایه
همدردی	شریک غم و درد دیگری شدن
هواخواه	مشتاق، آرزومند، حامی، طرفدار، یار و دوست
هیأت	حال و شکل و صورت، کیفیت و شکل و صورت چیزی، به معنی عده و دسته‌یی از مردم
هیهات	اسم فعل، یعنی دور است، در زبان دری در مقام افسوس و حسرت نیز می‌گویند.

و

ودیعه	ودیعت، سپرده شده، مالی که امانت نزد کسی بگذارند، سپرده، ودایع جمع
ورزش	کارپیاپی، پیاپی کردن کاری برای تمرین و عادت، حرکت دادن پیاپی اعضای بدن برای تقویت اعصاب و عضلات، برزش و برزیدن هم گفته شده است.
وصی	کسی که وصیت‌کننده او را برای اجرای وصیت خود تعیین کند، کسی که به او اندرز و سفارش شود

ی

یاور	یارور، یادی‌ور، مددکار
یحیی و یمیت	زنده می‌گرداند و می‌میراند